

تدارک گسترده برای هفته کتاب

♦ صفار هرندی: بیش از ۲۵ میلیارد تومان کتاب از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ناشران خریداری شده است

۲



با مرتضی سرهنگی و «همه چیز درباره جنگ»

بیشترین اطلاعات جنگ در کمترین حجم

۲۱

نشست تحلیل و نقد داستان های مصطفی مستور در دانشگاه الزهرا برگزار شد

مستور پشت سطرهای پایان نامه

در اولین روز کاری پس از عید فطر دانشکده ادبیات دانشگاه الزهرا شاهد برگزاری جلسه دفاعیه پایان نامه ای بود که می تواند در نوع خود استثنایی تلقی شود. بسیاری از پایان نامه های دانشجویی در رشته ادبیات، آن هم در دوره کارشناسی ارشد به داستان نویسان مشهور غربی می پردازند یا اگر نویسنده ای ایرانی را انتخاب می کنند به سراغ افرادی می روند که در میان مردم عادی از محبوبیت خاصی برخوردار نیستند و آثارشان صرفاً توسط علاقه مندان حرفه ای داستان خوانده می شود؛ حال آن که پایان نامه تحلیل و نقد ساختاری داستان های مصطفی مستور که از سوی عاطفه سروش نژاد در دوره کارشناسی ارشد ارائه شد، داستان نویسی را موضوع خود قرار داده که نه تنها در میان علاقه مندان حرفه ای داستان مورد توجه قرار گرفته، بلکه آثارش در میان دیگر اقدار مردم هم خوانندگان بسیاری دارد؛ به گونه ای که معروف ترین اثر مصطفی مستور «روی ماه خداوند را ببوس» که از سوی جایزه معتبر «قلم زرین» به عنوان رمان برگزیده انتخاب شده، تاکنون به چاپ بیست و چهارم رسیده است. پایان نامه سروش نژاد از جهات دیگری نیز قابل بررسی است که در جلسه دفاعیه وی به بسیاری از این ویژگی ها پرداخته شد. در ابتدای برنامه استاد ناظر و مجری جلسه دکتر مهماندوستی پس از معرفی حضار جلسه از عاطفه سروش نژاد خواست که چکیده پایان نامه خود را در مدت بیست دقیقه قرائت کند. سروش نژاد سخنان خود را با قرائت بخشی از آثار مستور آغاز کرد و به تمایل این نویسنده در پیش کشیدن سوالات ساده و بنیادین زندگی انسان اشاره کرد. سپس به توصیف شرایطی که مستور در آن رشد کرده پرداخت و گفت: «مصطفی مستور به قول خودش در صفر متولد شد؛ در محیطی که به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی حداکثر نمره ای که می شود به آن داد صفر است. محیط به شدت فقیرنشین با خانه های کوچک و پر از جمعیت و بیماری و فقر. مستور از شانزده سالگی شروع به

خواندن کتاب های فلسفی کرد و پس از آن به مطالعه زبان و ادبیات عرب روی آورد. وی پس از مروری بر عناوین آثار مستور به بررسی محتوایی داستان های او پرداخت و این داستان ها را در حیطه ادبیات معناگرا قرار داد. او توضیح داد که ادبیات معناگرا به پرسش های بنیادین در خصوص معنای زندگی می پردازد. در این ادبیات وضعیت هایی توضیح داده می شود که انسان در عمیق ترین لایه های روح و ذهن خود با آن مواجه است؛ مانند بی پناهی، تنهایی، اندوه، معنای هستی، تردیدهای عمیق انسانی یا به طور خلاصه اشتراکات بنیادین انسان ها. او تأکید کرد: «هنگامی که از اشتراکات بنیادین انسان ها صحبت می کنیم در ادبیات دینی به معنای الهی آن می رسیم. داستان های مستور گرچه به ظاهر مذهبی نیستند ولی موقعیت هایی را نشان می دهند که در آنها دین می تواند به مثابه یک پناهگاه، انسان را از وضعیت ویران کننده ای که دچارش شده است، نجات دهد و آدم های داستان های او به شکل عمیق با مسئله خلأ معنا و معنویت روبه رو هستند و به نوعی از درون ویران شده اند و این ویرانی آنها را درمانده کرده است. او در ادامه پیشنهاد مستور به انسان های درمانده روزگار را معنویت و معنا دانست. سروش نژاد معتقد است که شخصیت های مستور در وضعیتی قرار می گیرند که یا نجات پیدای می کنند یا به بیچارگی و درماندگی می افتند. او در توضیح این مطلب، شخصیت های داستان های مستور را آدم هایی بر لبه مرز دانست و این ویژگی را به لحاظ فنی، دراماتیک توصیف کرد. یکی دیگر از ویژگی های آثار مستور که سروش نژاد به آن پرداخت بی مکان بودن داستان های اوست؛ به این معنا که نمی توان داستان های مصطفی مستور را به مکان و جغرافیای خاصی محدود کرد؛ چون سئوالاتی که مستور مطرح می کند چنان اساسی و بنیادین است که می توان آنها را فصل مشترک همه انسان ها در همه مکان ها به شمار آورد.

ادامه در صفحه ۹

نقشه نشر زیر ذره بین

اولین نشست نقد و بررسی کتاب «مرجع نشر ایران» از مجموعه کتاب های موسسه خانه کتاب، هفته گذشته در سرای اهل قلم خانه کتاب با حضور مسئولان و کارشناسان حوزه کتاب از سوی کتاب ماه کلیات برگزار شد. علی شجاعی صائین مدیرعامل خانه کتاب، جلال ذکایی مدیر کل دفتر امور چاپ وزارت ارشاد، دکتر نورالله مرادی عضو هیئت علمی دانشگاه و متخصص مرجع نگاری، داریوش مطلبی مدیر واحد اطلاع رسانی خانه کتاب و سردبیر کتاب ماه کلیات، دکتر محمدرضا قدیمی مدیرعامل مرکز پخش الکترونیک کتاب ایران بین، داود موسایی مدیر مسئول انتشارات فرهنگ معاصر، مهندس پایدار نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان، سید کاظم حافظیان رضوی عضو انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران و مجتبی تبریزنیا کارشناس اطلاع رسانی خانه کتاب از جمله شرکت کنندگان در این نشست بودند که به تبادل نظر و ارائه پیشنهادها و انتقاداتی درباره کتاب «مرجع نشر ایران» پرداختند. در این نشست علی شجاعی صائین مدیرعامل خانه کتاب، طی سخنانی، چاپ کتاب «مرجع نشر ایران» را حرکتی در راستای دیگر فعالیت های خانه کتاب در ارتباط با اطلاع رسانی حوزه کتاب دانست و با اشاره به راه اندازی خبرگزاری کتاب - به عنوان حرکتی نو در این مسیر - هدف از چاپ کتاب «مرجع نشر ایران» را نزدیک کردن حلقه های مختلف صنعت نشر به یکدیگر عنوان کرد.

۷

یادداشت

شمس الدین رحمانی

بازی با نوبل



در مورد آقای آلفرد نوبل که جایزه نوبل با پیشنهاد و ثروت او بنیانگذاری شد، حرف و حدیث های بسیاری وجود دارد

که من در این یادداشت به یکی از آنها اشاره می کنم. آلفرد نوبل از شرکای تجاری خانواده «روچیلد» و از سهامداران چاه های نفت قفقاز بود و در کنار خانواده روچیلد به غارت کشورهای دیگر می پرداخت. به این ترتیب کاملاً مشخص است که او از وابستگان به روچیلدها بوده اما مسئله جایزه نوبل و دیگر جوایز رنگارنگ بین المللی در چارچوب حرکتی دیگر نیز قابل بررسی است؛ در اواخر قرن نوزدهم صهیونیسم که در اوج قدرت خود بود تصمیم گرفت تا نظام جهانی را به نفع خود تغییر دهد. آنها برای رسیدن به این مقصود چند حرکت مهم و اساسی انجام دادند؛ اول از همه جنگ های جهانی اول و دوم بود که توانستند با این جنگ های خانمانسوز و ویرانگر به بخش عظیمی از اهداف سلطه طلبانه خود دست یابند.

۳



شنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۷
۱۱ شوال ۱۴۲۹، ۱۱ اکتبر ۲۰۰۸
شماره ۰۱۵۲، پیاپی ۸۰۳
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجهمصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۰۴-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

بزرگداشت قیصر در سرای اهل قلم

بزرگداشت زنده یاد قیصر امین پور به همت موسسه خانه کتاب، هفتم آبان ماه سال جاری با حضور جمعی از شاعران و ادیبان در سرای اهل قلم برگزار می شود. مسئول سرای اهل قلم و دبیر شورای عالی ترجمه خانه کتاب ایران با اعلام این خبر گفت: موسسه خانه کتاب در نظر دارد مراسم بزرگداشت زنده یاد قیصر امین پور را در ایام نزدیک به سالگرد او در سرای دائمی اهل قلم برگزار کند. احسان عباسلو خاطر نشان کرد: با توجه به این مسئله که خانه کتاب یکی از فعالان حوزه ادب و هنر محسوب می شود، هدف اصلی از برگزاری این مراسم، ادای دینی به این شاعر بزرگ و درگذشته است. به گفته وی، جواد محقق به عنوان دبیر این آیین معرفی شده است.

۲

گاهی حرف های غلط یا یک تحریف بزرگ دیده می شود که هر انسانی را - چه انسان متدین را در زمینه مسائل دینی، چه پرهیزگاران سیاسی را در زمینه مسائل سیاسی، چه مورخان متعهد را در زمینه مسائل تاریخی - واقعا برمی انگیزد.

فرض کنید که شما از خانواده شریف و اصیل و نجیب و بزرگواری هستید؛ پدران یکی از شخصیت های محترم و متدین و متعبد، مادرتان خوب، خانواده و اجدادتان خوب، اما یک نفر بیاید و کتابی درباره تاریخچه خانواده شما بنویسد و همه این زیبایی ها و اصالت ها را نفی کند و یک مشت دروغ ارائه نماید. نمی شود گفت که آزادی است. یا باید شما فوراً قبل از آن که به کسی ظلم بشود - هم ظلم به آن کسانی که علیه آن ها حرف زده و دروغ بافته شده، هم ظلم به کسانی که این مطلب را می خوانند و آن دروغ را باور می کنند - در صدد جبران بر بیایید و صحیح و درست را بنویسید، یا اگر به هر دلیلی نتوانستید، باید علاجه برای آن کار بکنید.

در زمینه هایی اصلاً این قابل علاج نیست؛ یعنی شما نمی توانید کاری بکنید. فرض بفرمایید که کتابی شهوت انگیز می نویسند. جوانی که این کتاب را بخواند قطعاً دچار انحراف شهوی و دچار فساد جنسی خواهد شد. این گونه کتابی وجود داشته، و من چاپ شده آن را دیده ام!

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دست اندکاران برگزاری هفته کتاب ۷۶/۸/۱۹

انتشار ترجمه قرآن بر اساس تفسیر المیزان

چاپ جدید ترجمه و تفسیر قرآن برگرفته از تفسیر المیزان همراه با شرح و توضیح با تلاش این مرکز و با همکاری نشر معارف نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب منتشر شد.

محمدصادق یوسف مقدم با اعلام این خبر افزود: نیاز به تفسیر مختصر از قرآن و ارائه معارف آن به زبان فارسی که همه اقشار جامعه توان بهره مندی از آن را داشته باشند، کاملاً احساس می شد. همین امر، مقدمات انتشار، ترجمه و تفسیر قرآن به این شکل را فراهم کرد.

مسئول مرکز فرهنگ و معارف قرآن افزود: در این ترجمه کوشش شده است تا به گونه ای خاص مفاهیم و برداشت های تفسیری علامه طباطبایی در اختیار عموم فارسی زبانان قرار بگیرد. وی با اشاره به این که محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن ترجمه و تفسیر را در دو بخش معانی آیات، شرح ها و نکته ها ساماندهی کردند، تصریح کرد: در بخش نخست ترجمه آیات آمیخته با تفسیر المیزان ارائه شده است.

یوسف مقدم هدف از این بخش را بیان معانی آیات به گونه ای روشن و رسا خواند تا مفهوم و مقصود آیه برای خوانندگان آشکار باشد.

وی افزود: در بخش دوم حقایق و معارف الهی در اصول، فروع، عقاید و اخلاق، تاریخ و مانند آن که علامه طباطبایی به مناسبت آیات قرآنی در المیزان مطرح کرده اند، تلخیص و به زبان پارسی برگردان شده است. مسئول مرکز فرهنگ و معارف قرآن گفت: این اثر در دو قطع جیبی و رحلی چاپ شده که در چاپ جیبی برای سهولت خوانندگان تنها به ترجمه بسنده شده و توضیحات روایی و سایر نکته ها در این چاپ حذف شده است.

در نشست اعضای ستاد برگزاری با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان شد

تدارک گسترده برای هفته کتاب



به مردم اتهامی وارد می سازند که هیچ نسبتی با ایران امروز ندارد. وی، افزود: برای آگاهی از میزان سرانه کتابخوانی در کشور، یک کار کارشناسی در دست اقدام است که امیدواریم نتیجه آن به زودی اعلام شود.

پیش از سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون فرهنگی این وزارتخانه با ارائه گزارشی از روند برپایی هفته کتاب، هدف اصلی از برگزاری این هفته را تقویت روحیه کتابخوانی و افزایش امکان دسترسی به کیفیت مناسب کتاب توسط آحاد مردم عنوان کرد.

دکتر محسن پرویز برنامه های پیش بینی شده برای برپایی هفته کتاب را از ۲۱ تا ۲۹ آبان ماه در سراسر کشور عنوان کرد و افزود: با برنامه ریزی درازمدت و همکاری گسترده با نهادهای دولتی و غیردولتی برنامه های این هفته متنوع تر و گسترده تر برگزار خواهد شد.

در این جلسه که با حضور نمایندگان بیش از سی نهاد دولتی و غیر دولتی برگزار شد، معاون فرهنگی در خاطر نشان کرد: کاهش بودجه معاونت فرهنگی در سال ۸۷ مانع گسترش فعالیت ها در هفته کتاب نشده، بلکه برنامه های پیش بینی شده در این هفته بسیار گسترده تر از سال های گذشته برگزار می شود.

و معنوی به موضوع کتاب، انعکاس فعالیت های صورت گرفته برای ترویج فرهنگ کتاب در مدارس و سیستم حمل و نقل کشور یا مکان هایی نظیر زندان ها که در ظاهر در تضاد با این مسئله فرهنگی قلمداد می شوند را در ترغیب هر چه بیشتر جامعه به کتابخوانی موثر دانست.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین میزان خرید کتاب به ارزش بیش از ۲۵ میلیارد تومان از ناشران در سال گذشته را، رقم بی سابقه ای ارزیابی کرد و گفت: اگر به صورت مقایسه ای، اتفاق های اخیر که در راستای ترویج فرهنگ کتابخوانی صورت گرفته، انعکاس یابد، نه به عنوان گزارش کار دولت نهم، بلکه به عنوان موفقیتی که جامعه به آن دست یافته، می تواند تشویق کننده باشد.

وی با بیان این که هیچ تقاضایی برای تامین کتاب کتابخانه ای به وزارتخانه نرسیده، مگر اینکه دستور داده شد که کتاب با سرعت در اختیار آنها قرار گیرد، افزود: اینها اتفاق های خوبی است که جامعه با شنیدن خبر خوش آن، حتماً افتخار خواهد کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود اعلام برخی آمارها درباره میزان سرانه کتابخوانی را غیر کارشناسی و غیر علمی دانست و گفت: متأسفانه برخی با اعلام آمارهای ۴۰ سال قبل،

به اعتقاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گزارش های ناشران، گواه این است که نگاه جامعه به کتاب، روز به روز مهربانانه تر شده و استقبال گسترده از کتاب را شاهد هستیم.

محمدحسین صفار هرندی، سه شنبه گذشته در نشست اعضای ستاد هفته کتاب، در عین حال، عزم ملی و یاری جمعی برای تحقق نهضت کتابخوانی در کشور را مورد تأکید قرار داد.

وی گفت: اگر دستگاه ها و نهادهای کشور از جمله برنامه نویسان و قانونگذاران، توجه ویژه ای به امر کتاب داشته باشند، در حسرت تحقق نهضت کتابخوانی نخواهیم ماند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: نهضت کتابخوانی، یک بیداری اجتماعی است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با وجود برخی نامهربانی ها و عدم تمایل ها، با جدیت تلاش می کند تا در تعامل نزدیک با دستگاه ها و سازمان های مختلف، با برنامه ریزی های بلند مدت، به این مهم دست یابد.

وی ارتباط نزدیک و وسیع با وزارت آموزش و پرورش و مدارس کشور را به عنوان یک اقدام مهم در این راستا ارزیابی و تصریح کرد: با آموزش و پرورش، به عنوان جامعه بزرگ فرهنگی، کار را آغاز کرده ایم که امیدواریم با همکاری شایسته آنان، بتوان جمع کثیری از گروه هدف را که زمینه شکل گیری جریان فرهنگی آینده راپی ریزی می کنند، برای آشتی با کتاب، تحت پوشش قرار دهیم.

وی در ادامه از هفته کتاب به عنوان وسیله ای برای یادآوری به موضوع کتاب یاد کرد و گفت: هفته کتاب، هنگامی می تواند موثر باشد که بتواند جامعه را به امر کتابخوانی مستمر و دائمی تحریک کند.

وی در عین حال نقش روابط عمومی ها را برای رسیدن به این هدف، مهم ارزیابی کرد و گفت: باید با تقویت روابط عمومی و پای کار آمدن رسانه های کشور، از جمله رسانه ملی، شبکه ای جدی برای گسترش فرهنگ کتابخوانی در آن ایام سازماندهی کرد تا بتوان موضوع کتاب را به موضوع روز جامعه تبدیل کرد.

محمد حسین صفار هرندی انعکاس دیدگاه های شخصیت ها و چهره های برجسته در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، دینی

در مراسم رونمایی کتاب های درسی جدید صورت گرفت

قدردانی از ۴۲ مؤلف کتاب درسی

هفته گذشته با حضور غلامعلی حداد عادل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس و علیرضا علی احمدی، وزیر آموزش و پرورش از ۱۸ عنوان کتاب جدیدالتالیف سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی رونمایی شد. در این مراسم همچنین از ناصر بروجرديان، زین العابدین دهقانی ایبانه، فرزاد دیده ور، محمدنقی طاهری تنجایی، وحید عالمیان، حمید مسگرانی و شهرناز بخشعلی زاده برای تالیف کتاب ریاضیات ۱ سال اول دبیرستان، فریدون اکبری، محمدرضا سنگری، سیدبهنام علوی مقدم، حسین قاسم پور مقدم و نادره شاه آبادی برای تالیف کتاب فارسی سال اول راهنمایی قدردانی شد.

سیدعبدالمجید شریف زاده، هادی مرزبان و رضا مهدوی مولفان کتاب راهنمای درس هنر برای معلمان پایه چهارم ابتدایی، یدالله رضازاده، سیدمحمود صموتی، شهرام نصیری سوادکوهی و محمود شبانی برای تالیف کتاب آزمایشگاه مبانی مخابرات و رادیو، متالوژی دکتر عابدی، مهندس خلیج، مهندس ریاحی، مهندس حیدرزاده، شکری و جمشید علی محمدی برای تالیف کتاب آزمایشگاه، مورد قدردانی قرار گرفتند.

مجید افشار، مهرداد نفیسی و مهرداد ایرانی مولفان کتاب جوچه کشی، داود نجف زاده نوبر مولف کتاب سیستم های روشنایی و ضد سرقت خودرو، محسن سرتیپی پور مولف کتاب شناخت مواد و مصالح، محمد غفوری مولف کتاب عکاسی (۱)، محمد فرخ زاد نویسنده کتاب کاربرد رایانه در نقشه کشی معماری، رضا حیدرزاده آرانی، حسن طیب زاده و امیر ریاحی مولف کارگاه ریخته گری (۱) و مهدی ثنائی عالم نویسنده لوله کشی فاضلاب و هواکش نیز از دیگر مولفانی بودند که کتاب های گروه های فنی و حرفه ای و کار دانش را تالیف کردند. یدالله رضازاده، سیدمحمود صموتی، شهرام نصیری سوادکوهی و محمود شبانی گروه نویسندگان کتاب مبانی مخابرات و رادیو، محمد خواجه حسینی نویسنده کتاب نقشه کشی (۱)، حسن عبدالله زاده و سیدحسین حسینی مولفان کتاب نقشه کشی با کامپیوتر، اسماعیل بابلیان و فرشته زینوندنژاد مولفان کتاب معلم (راهنمای تدریس) ریاضی ۳ پودمانی اند که مورد قدردانی وزیر و معاونان وی قرار گرفتند. گروه مولفان کتاب تکنولوژی و کارگاه عمومی سرمایه کسب نیز حسین قصابی، حسن خوشبخت و مریم ابراهیمی اند که از آنها نیز قدردانی شد. شایان ذکر است سال تحصیلی جدید با ۱۴۰ عنوان کتاب درسی در مقاطع مختلف آغاز شد که از این میان ۹۰ کتاب دچار تغییرات جزئی و کلی شده اند و ۱۹ عنوان نیز جدیدالتالیف هستند.

بزرگداشت قیصر امین پور در سرای اهل قلم

بزرگداشت زنده یاد قیصر امین پور به همت موسسه خانه کتاب، هفتم آبان ماه سال جاری با حضور جمعی از شاعران و ادیبان در سرای اهل قلم برگزار می شود.

مسئول سرای اهل قلم و دبیر شورای عالی ترجمه خانه کتاب ایران با اعلام این خبر گفت: موسسه خانه کتاب در نظر دارد مراسم بزرگداشت زنده یاد قیصر امین پور را در ایام نزدیک به سالگرد او در سرای دائمی اهل قلم برگزار کند.

احسان عباسلو خاطر نشان کرد: با توجه به این مسئله که خانه کتاب یکی از فعالان حوزه ادب و هنر محسوب می شود، هدف اصلی از برگزاری این مراسم، ادای دینی به این شاعر بزرگ و درگذشته است.

به گفته وی، جواد محقق به عنوان دبیر این آیین معرفی شده است همچنین سخنرانان این مراسم عبارتند از دکتر محمدرضا ترکی، حمیدرضا شکارسری، عبدالرضا رضایی نیا و اکبر میرجعفری.

عباسلو افزود: از جمله کارهای جنبی که در کنار برگزاری این مراسم به انجام می رسد، می توان به ارائه تصاویر و پوسترهای وی اشاره کرد و نمایشگاه آثار مکتوب قیصر امین پور را نام برد.

پشت پرده جایزه نوبل

نیویورک تایمز با انتشار فهرستی از حقایق ناگفته و کمتر دانسته جوایز نوبل به شرح حواشی مهم تر از اصل این جایزه پرداخت.

در صدر این مقاله یادی از مهاتما گاندی اسطوره و نماد آزادی و مبارزه با استعمار قرار دارد که در تاریخ نوبل پنج بار برای دریافت جایزه صلح نوبل نامزد شد. گاندی به خاطر مبارزه مداوم برای آزادی کشورش و در عین حال تلاش بی وقفه برای زدودن زنگار خشونت از چهره جامعه کثیرالادیان هند همیشه مورد توجه آکادمی نوبل بود و در همان سال ۱۹۴۸ که به دست عوامل انگلیسی ترور شد نامزد دریافت نوبل صلح بود اما آکادمی نوبل در کمال حیرت هیچگاه این جایزه را به گاندی نداد.

شاید بر همین مدار بوده که وقتی در سال ۱۹۷۳ جایزه صلح نوبل به لودوک تو سیاستمدار ویتنامی رسید، او از دریافت آن سرباز زد و در صحبت های صریحی گفت: "در کشور من صلحی وجود ندارد." این سخنان در اوج بحران ویتنام و در شرایطی گفته شد که لودوک تو و هنری کیسینجر به خاطر تلاش برای خاموش کردن آتش جنگ ویتنام به صورت مشترک جایزه صلح را گرفته بودند اما تو بار دیگر جایزه توجه جهانیان را به ضربه جبران ناپذیر این جنگ بر چهره کشورش جلب کرد.

دیگر چهره جهانی که از دریافت جایزه نوبل طفره رفته، ژان پل سارتر فیلسوف بزرگ فرانسوی است که در سال ۱۹۶۴ نوبل را به روال عادت خود در رد جوایز و افتخارات سازمان های ادبی و فرهنگی پذیرفت. این حرکت در آن سال ها نوعی اعتراض

حمایت ۱۸ میلیاردی ارشاد از فعالیت های فرهنگی در قم

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال جاری به منظور حمایت از فعالیت های فرهنگی استان قم مبلغ هجده میلیارد و دو بیست و هفتاد و شش میلیون ریال اعتبار به این استان اختصاص داد.

مشاور معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام این خبر افزود: این معاونت در راستای عملیاتی شدن اهداف قانون برنامه توسعه و همچنین محقق شدن برنامه های پیشنهادی وزیر ارشاد به مجلس شورای اسلامی و توجه ویژه به فعالیت های فرهنگی استان های سراسر کشور و تمرکززدایی از امور فرهنگی و با انگیزه اشاعه فرهنگ کتابخوانی از فعالیت های فرهنگی استان ها حمایت می کند.

حمید قبادی فراگیر بودن، اثر گذاری، ماندگاری و توسعه عدالت فرهنگی را از ویژگی های برجسته این اقدام بزرگ فرهنگی دانست و اضافه کرد: امیدواریم با همکاری ادارات کل استان ها در اجرای سریع ترین فعالیت ها روند قابل توجهی در حوزه توسعه عدالت فرهنگی استان ها ایجاد کنیم.

مشاور معاون امور فرهنگی افزود: این طرح که در قالب تفاهنامه با ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان های کشور در سال جاری منعقد شده تمامی فعالیت های حوزه فرهنگی استان ها از جمله حمایت از تازه های کتاب، حمایت از برگزاری نمایشگاه های کتاب، اهدای کتاب، تخصیص یارانه کتاب در نمایشگاه، برگزاری جشنواره شعر فجر و صنعت چاپ و... را دربر می گیرد.

قبادی در پایان تاکید کرد: اعتبار اختصاص یافته به استان ها جدا از بودجه ای است که معاونت امور فرهنگی برای صدور کارت الکترونیک خرید کتاب تمامی دانشجویان دانشگاه های دولتی و طلاب علوم دینی در نظر گرفته است.



به رگه نامرئی اندیشه های سرمایه داری بود که معاصران سارتر در عنوان و افتخارات رسمی تشخیص می دادند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از نیویورک تایمز، آلمان نازی هم در فاصله سال های ۱۹۳۶ تا زمان سقوط هیتلر جایزه نوبل را تحریم کرده و دولت این کشور به برندگان این جایزه از جمله برندگان نوبل شیمی و نوبل پزشکی اجازه سفر به استکهلم و دریافت جایزه شان را نمی داد به همین دلیل کارل

برای نخستین بار با اهتمام کاووس حسن لی و محمد برکت

دیوان معلم حافظ تصحیح شد

دیوان امین الدین بلیانی، معلم حافظ شیرازی، برای نخستین بار از سوی کاووس حسن لی و محمد برکت تصحیح شد و در آینده نزدیک منتشر می شود.

کاووس حسن لی، استاد دانشگاه شیراز و رئیس علمی و پژوهشی مرکز حافظ شناسی در این باره گفت: از دیوان اشعار امین الدین، تنها یک نسخه خطی برجای مانده و آن هم در واقع در حاشیه نسخه خطی کلیات سعدی نوشته شده است که در کتابخانه ملی پاریس با شماره ۸۱۶ نگهداری می شود.

وی افزود: در بهمن ماه سال ۱۳۸۳ که در فرانسه بودم، در بخش نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس، اصل این نسخه را که همراه با خمسه نظامی در حاشیه کلیات سعدی است، دیدم و میکروفیلم آن را تهیه کردم و در طول سال گذشته به کمک استاد محترم جناب آقای محمد برکت آن را تصحیح کردم.

حسن لی با بیان این که این طرح از سوی فرهنگستان هنر پشتیبانی شده، عنوان کرد: قرار است این کتاب به مناسبت برگزاری همایش مکتب شیراز در آذر ماه ۱۳۸۷ منتشر شود.

دیوان امین الدین بلیانی که تاکنون منتشر نشده است، حدود سه هزار شعر و ۲۸۷۱ بیت در قالب های غزل، قصیده، مسمط، مثنوی، رباعی و ترجیع بند دارد که در مجموع غزل ها و رباعیات این دیوان از دیگر اشعار آن استوارتر و شاعرانه تر است.

شیخ امین الدین محمد بلیانی از بزرگان نامدار صوفیه در سده هشتم هجری است. او در سال ۶۶۸ هجری در کازرون به دنیا آمد و پس از هفتاد و هفت سال در ذیقعد ۷۴۵ درگذشت و در خانقاه علیای کازرون که خود بنا نهاده بود به خاک سپرده شد.

خانواده امین الدین هم از سوی پدر و هم از سوی مادر از بزرگان نامدار صوفیه زمان خود بوده اند و او خود از ارادتمندان دل بسته شیخ ابواسحاق کازرونی، مشهور به شیخ مرشد بوده که در سده چهارم و پنجم می زیسته است.

شیخ امین الدین به دلیل جایگاه بلند علمی و اجتماعی، مورد توجه و ارادت بسیاری از بزرگان، دانشمندان و عارفان زمان خویش بوده و بارها آنها را به ستایش خود برانگیخته است. یکی از این ستایشگران سرسپرده، خواجه کرمانی است که با دلباختگی و ارادت در چندین سروده، امین الدین را با اوصاف بلند ستوده است. محمودشاه و مسعودشاه اینجو، شاه شیخ ابواسحاق و بسیاری دیگر از حاکمان زمان هم ارادت خود را به امین الدین اظهار کرده اند.

حافظ شیرازی که در شعر خویش از اهالی خانقاه و صوفیان زمان به تعریض، کنایه و نکوهش یاد می کند، در قطعه ای امین الدین را بقیه ابدال شمرده و او را در کنار چهار تن دیگر که ملک فارس به وجود آنان آباد بوده، ستوده و آورده است: "به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق/ به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد" و بعد درباره امین الدین می گوید: "دگر بقیه ابدال، شیخ امین الدین/ که یمن همت او کارهای بسته گشاد". برخی از حافظ پژوهان، امین الدین را یکی از استادان حافظ دانسته اند که بر ذهن و زبان حافظ تأثیر گسترده گذاشته است.

به گزارش فارس با توجه به سرسپردگی فردی چون خواجه کرمانی به امین الدین و تأثیرپذیری آشکار حافظ از خواجه (دارد سخن حافظ طرز سخن خواجه) و همچنین اظهار ارادت حافظ به امین الدین، دلایل تأثیرپذیری حافظ از امین الدین آشکارتر می شود.

یادداشت

شمس الدین رحمانی



بازی با نوبل

در مورد آقای آلفرد نوبل که جایزه نوبل با پیشنهاد و ثروت او بنیانگذاری شد، حرف و حدیث های بسیاری وجود دارد که من در این یادداشت به یکی از آنها اشاره می کنم. آلفرد نوبل از شرکای تجاری خانواده معروف روچیلد و از سهامداران چاه های نفت قفقاز بود و در کنار خانواده روچیلد به غارت کشورهای دیگر می پرداخت. به این ترتیب کاملاً مشخص است که او از وابستگان به روچیلد ها بوده اما مسئله جایزه نوبل و دیگر جوایز رنگارنگ بین المللی در چارچوب حرکتی دیگر نیز قابل بررسی است؛ در اواخر قرن نوزدهم صهیونیسم که در اوج قدرت خود بود تصمیم گرفت تا نظام جهانی را به نفع خود تغییر دهد. آنها برای رسیدن به این مقصود چند حرکت مهم و اساسی انجام دادند؛ اول از همه جنگ های جهانی اول و دوم بود که توانستند با این جنگ های خانمانسوز و ویرانگر به بخش عظیمی از اهداف سلطه طلبانه خود دست یابند. حرکت دوم تأثیر گذاری بر فضای فکری و فرهنگی جهان بود. دخالت گسترده صهیونیسم در اهدای جوایز مختلف بین المللی و از جمله نوبل، در جهت تأثیر گذاری و سلطه بر فضای فکری و فرهنگی جهان قابل تفسیر است. به تاریخ جایزه نوبل نگاه کنید: "مناخین بگین" که یکی از نخست وزیران رژیم صهیونیستی بوده و صدها برابر از شارون خونخوار تر و خبیث تر است از برندگان این جایزه بین المللی است. از همین رو می توان فهمید که صهیونیسم اهداف سلطه جویانه خود را در بخش فرهنگی و ادبیات با جهت دهی به جایزه نوبل تعیین می کند.

همان طور که جایزه های اسکار و کن در زمینه سینما به سینماگران جهت می دهند، نوبل ادبیات نیز همه نویسندگان دنیا را تحت تأثیر قرار می دهد. با نگاهی دقیق تر متوجه عمق و خامت در مورد این جایزه ها می شویم: حدود هشتاد درصد از برندگان نوبل ادبیات فراماسون بوده اند. به عنوان مثال در هندوستان یک نویسنده مطرح انگلیسی تبار به نام "زادیار کپل لینگ" را می شناسیم. این نویسنده انگلیسی که حدود سال های ۱۹۰۵ یا ۱۹۰۶ برنده نوبل شد در اوایل قرن بیستم به صراحت بیان می کرد که تسلط امپریالیسم انگلیس بر دنیا یکی از درست ترین و سالم ترین اندیشه ها در حوزه سیاست خارجی انگلستان است. یکی از آثار او داستان پسر جنگل است که کارتون های بر مبنای آن برای کودکان ساخته شده. شما در این اثر به وضوح تربیت "ماسونی" را می بینید که با رنگ و بو و ظاهری فریبنده و جذاب کودکان نوجوانان را تحت تأثیر قرار می دهد. آخرین نکته آنکه، تا سال ها بعد از جنگ های جهانی در فهرست اسامی برندگان نوبل هیچ نام شرقی و آسیای نمی بینید تا به "رابیند رانات تاگور" می رسیدم.

تاگور هم اگر چه یک شاعر هندی بود اما گرایش های غربی داشت. متأسفانه هنگامی هم که یک نویسنده جهان سومی یا غیر غربی جایزه ای مانند نوبل را می برد باید به دیده تردید در او نگریست. مثلاً هنگامی که "نیگودمن دیمر" از افریقای جنوبی برنده نوبل شد من به شخصیت حقیقی او مشکوک شدم و پس از تحقیقاتی متوجه شدم او نه تنها یهودی است، بلکه از طرفداران سلمان رشیدی نیز هست. با مطالعه و تحقیق در این زمینه به راحتی مشخص می شود که تشکیلات "ماسونی" از سر تا پا، تشکیلاتی صهیونی-ماسونی است و تحت نفوذ مستقیم صهیونیسم عمل می کند.

ترجمه «اسماعیل» فردی به انگلیسی



معنی در مانی در سرای اهل قلم

سرای دائمی اهل قلم در ادامه برنامه های خود، این هفته میزبان علاقه مندان چهار نشست است. فردا - یکشنبه - دکتر پرویز عباسی داکانی و رضا نجفی به توضیح و تفسیر «کلاسیسم» از مجموعه نشست های مکتب های ادبی خواهند پرداخت.

دوشنبه نیز سیدمجید میرابوالقاسمی و سید محمود میرسلیمی در نشست معنی در مانی سخنرانی خواهند کرد. نشست مباحث خوشنویسی - غبار و غبار نویسی در خوشنویسی ایران - دیگر نشست این هفته سرای اهل قلم است که روز سه شنبه با حضور امید احمد فلسفی و جمشید یاری شیروود برگزار می شود.

آخرین برنامه این هفته سرای اهل قلم نیز روز چهارشنبه به نمایشنامه نویسی اختصاص خواهد داشت. شایان ذکر است در هفته جاری کارگاه تئاتر شورایی با همکاری خانه تئاتر دانشجویی وزارت علوم در سرای اهل قلم برگزار خواهد شد.

کنگره بین المللی عُرس بیدل: ۱۵ آبان

سومین کنگره بین المللی عُرس بیدل و ۱۵ آبان ماه جاری با حضور پژوهشگران و بیدل شناسان ایرانی و خارجی برگزار می شود.

این کنگره با حضور بیدل شناسانی از کشورهای ایران، هندوستان، افغانستان، تاجیکستان، هلند، ایتالیا، آلمان، آمریکا و ... برگزار می شود و پژوهشگران حاصل مطالعات خود را در زمینه وجوه مختلف آثار و افکار بیدل دهلوی و نتایج هفت قرن حضور درخشان زبان فارسی در شبه قاره هند عرضه خواهند کرد.

عُرس بیدل همچنین امسال علاوه بر مقاله در بخش اصلی، شامل پنجاهای علمی خواهد بود که به طور تخصصی درباره شعر و اندیشه بیدل بحث و بررسی خواهد شد.

روایت آوازی اشعار بیدل بخش دیگری از برنامه خواهد بود که از موسیقیدانان شبه قاره الطاف حسین سرهنگ و شریف غزل دعوت به عمل آمده است. سومین کنگره بین المللی عُرس بیدل در تالار غدیر وزارت کشور و به همت کانون ادبیات ایران و شبکه رادیویی فرهنگ در دو نوبت صبح و عصر برگزار می شود.

تمدید ثبت نام ناشران دانشگاهی تا ۵ آبان

مهلت ثبت نام ناشران دانشگاهی در ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب های کاربردی و دانشگاهی تا پنجم آبان ماه تمدید شد.

دبیر ستاد ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب های کاربردی و دانشگاهی با بیان این مطلب اظهار داشت: این تصمیم به دنبال استقبال ناشران و قطعیت زمان برگزاری نمایشگاه اتخاذ شده است.

مهدی عمران لو ادامه داد: ناشران دانشگاهی که تا پایان این زمان ثبت نام کنند، امسال نیز مانند سال گذشته در فضایی حدود ۳۶۰ متر مربع حضور خواهند داشت.

وی با بیان اینکه نمایشگاه ششم، دومین سال حضور ناشران دانشگاهی ایرانی در نمایشگاه کتاب های کاربردی و دانشگاهی است گفت: ارائه کتاب های فارسی زبان دانشگاهی، زمینه ساز استقبال بیشتر دانشجویان و استادان از نمایشگاه است. ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب های کاربردی و دانشگاهی ۱۹ تا ۲۳ آبان ماه در مرکز آفرینش های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می شود.

نویسنده برای چهارمین بار از سوی سوره مهر تجدید چاپ شده اند.

رمان آشیانه در مه پیش از این برنده لوح زرین دومین جشنواره کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و برگزیده سومین دوره کتاب سال ماهنامه سروش نوجوان بوده است. شایان ذکر است پیش از این کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان از سوی اسپر اکمن ترجمه شده بود.

که در بستر انقلاب اسلامی شکل می گیرد، علاقه او به نهضت اسلامی و تلاش هایش را برای پا گرفتن انقلاب بیشتر می کند. امیرحسین فردی در زمینه ادبیات کودکان نیز مجموعه «خسته نباشی گل بهار» را از سوی واحد کودک و نوجوان حوزه هنری در حال چاپ دارد. این مجموعه شامل برترین داستان های این نویسنده است که در فاصله سال های ۷۰-۱۳۶۰ در مجله کیهان بچه ها به چاپ رسیده اند. اخیرا کتاب آشیانه در مه و «سیاه چمن» این

در حالی که امیرحسین فردی جلد دوم رمان «اسماعیل» را در دست تألیف دارد، جلد اول این رمان از سوی پل اسپر اکمن مترجم آمریکایی به زبان انگلیسی ترجمه می شود.

اسماعیل که جلد اول آن در سال ۱۳۸۶ وارد بازار شده به شرح مبارزات یک جوان و شیفتگی او نسبت به انسانیت، آزادی و اسلام می پردازد. «اسماعیل» شخصیت اصلی داستان در خلال سال های انقلاب، تحول را در درون خود احساس می کند. این تحول

صفارزاده به بخش عمومی بیمارستان منتقل شد



دکتر طاهره صفارزاده شاعر و مترجم پیشکسوت که از شنبه گذشته (۱۳ مهرماه) برای مراقبت بیشتر به بخش مراقبت های ویژه (ICU) بیمارستان منتقل شده بود، سه شنبه گذشته به بخش عمومی انتقال یافت. به گفته برادر این شاعر حال او نسبت به قبل مناسب تر است اما زمان ترخیص وی از بیمارستان هنوز مشخص نیست و به توصیه پزشکان، همچنان بهتر است صحبت نکند. طاهره صفارزاده از پنجم مهرماه به علت زائده مغزی در بیمارستان ایرانمهر بستری شده و مورد عمل جراحی قرار گرفته است.

آشنایی با نمایه علوم اسلامی در انجمن کتابداری

همایش مهرماه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران با موضوع آشنایی با نمایه استنادی علوم جهان اسلام در کتابخانه ملی برگزار می شود. در این همایش دو سخنرانی با عناوین آشنایی با نمایه استنادی علوم جهان اسلام؛ گزارش های استنادی نشریه های فارسی و آشنایی با نمایه استنادی علوم جهان اسلام؛ نمایه استنادی علوم ایران و طلایه داران علم ایران ایراد می شود. این عناوین به ترتیب توسط محمدرضا قانع و علی گزنی روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۳۰:۱۷ در تالار یوسف شریعت زاده کتابخانه ملی ارائه می شود.

بن های الکترونیک دانشجویان شارژ می شود

در سال تحصیلی جدید، اعتبار بن های الکترونیک دانشجویان دانشگاه های تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افزایش می یابد. سال گذشته حدود ۵۰۰ هزار دانشجو در ۱۰۶ دانشگاه، بن های خود را دریافت کردند.

رقیه نعمتی، کارشناس همکاری های دفتر اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اعلام این خبر گفت: در روزهای پایانی تابستان، دانشگاه ها فهرست افرادی که درخواست شارژ بن الکترونیک را داده بودند ارسال کردند و مقدمات کار آغاز شد.

وی ادامه داد: در همین راستا تاکنون، بن های کتاب بیشتر دانشجویان شارژ شده و بقیه نیز طی زمان بندی مشخص، شارژ خواهند شد.

ساخت انیمیشن «بوستان سعدی»

سید ارشاد میرشجاعی طراح شخصیت های این پروژه در این زمینه توضیح داد: سعی کردیم در این کار شخصیت ها کاملاً ایرانی باشند، به همین دلیل در مورد نقاشی های ایرانی و خصوصیات چهره ایرانی تحقیق کرده ایم تا بتوانیم آنها را در کار اعمال کنیم.

وی خاطر نشان کرد: برای طراحی شخصیت سعدی، اتودهای زیادی طراحی کردم و با استفاده از تصاویر کتاب ها و مجسمه وی، اتودها را پیش بردم و پس از رسیدن به طرح دلخواه، تصمیم گرفتم کمی چهره سعدی را مناسب با مخاطب این کار یعنی کودک و نوجوان نزدیک کنم تا آنها بتوانند راحت تر با آن ارتباط برقرار کنند. به گزارش اینها در حال حاضر ۳۰ نفر در قسمت های مختلف روی این پروژه کار می کنند که بنابر پیش بینی ها، این کار در سال ۱۳۸۸ به پایان خواهد رسید.

انیمیشن «بوستان سعدی» در اداره کل تولید پویانمایی صدا و سیما در دست تهیه و تولید است. سازندگان این اثر تصمیم گرفتند چهره سعدی را مناسب با مخاطبان کودک و نوجوان طراحی کنند تا آنها بتوانند به راحتی با این اثر ارتباط برقرار سازند.

در این مجموعه انیمیشن سعی شده از نشانه هایی که حاکی از زندگی در قرن هفتم است استفاده شود که در این مورد تحقیقاتی نیز توسط سازندگان این اثر صورت گرفته است. همچنین در نوع دیالوگ های این مجموعه تا حد امکان از کلمات و جمله بندی خاص آن دوران استفاده شده است. در همه داستان ها، سعدی نیز به صورت گذرا حضور دارد و از اتفاقات خاص هر داستان نسخه نویسی می کند و گاهی تها بیتی از اشعارش را متناسب با حکایت داستان زمزمه می کند.

شش میلیارد تومان برای ساخت موزه مشاهیر

یادداشت

محمود اکرامی



بحری که موجش هایل است



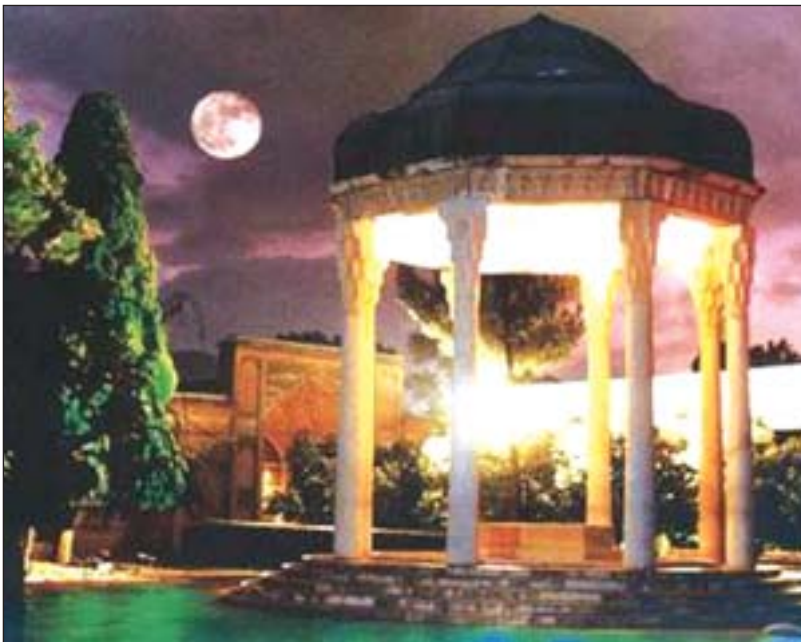
به اعتقاد من این که خانم دکتر طاهره صفارزاده کی و کجا متولد شده، خیلی مهم نیست. مهم این است که با تلاش و پشتکار علمی خویش توانسته است تاریخ را تحت

تأثیر قرار دهد و جای پای خود را در جغرافیا محکم کند. توانسته است از "رهگذر مهتاب" به خورشید برسد و با "چتری سرخ" زیر بهاری ترین باران ممکن راه برود و شعر بسراید.

توانسته است خود را از شب جهالت برهاند و "بیعت با بیداری" و "دیداری با صبح" داشته باشد و ایستاده تراز درخت از کنار "مردان منحنی" بگذرد و "حرکت در دیروزش" را تا آفتابی ترین فردای ممکن امتداد بدهد. توانسته است در "سفر پنجم" خود فراتر از حقیقت موجود بایستد و "سد بازوانش" را منتشر کند تا طنین در دلنایش را به گوش اقیانوس هابرساند. مهم این است که توانسته است کلام و حسی را که اولین بار از زبده ترین زبان تاریخ، زبان پیامبر اکرم (ص) جوانه زد و جهان را جوان کرد به سه زبان زنده دنیا ترجمه کند تا جهانیان از این رهگذر به خورشید برسند.

صفارزاده سبزه تر از بهار، گرمتر از تابستان، به کمال رسیده تر از پاییز زمستان هایی را که در رگ های جهان بیتوته کرده بود، پشت سر گذاشت و در علم و اعتقاد و هنر مصداق این بیت شد که: آشنا کردیم گشتیم آشنا / در چنین بحری که موجش هایل است.

امید است سالیان سال جهان ادب در سایه سار سبز نشر و اعتقاد ایشان نفس بکشد.



باغ موزه مشاهیر ندارند اما طرح دیگری در دست است به عنوان طرح "عرفان" که از آرامگاه حافظ تا منطقه هفت تنان رادر بر می گیرد که امکانات رفاهی و پذیرایی لازم در این محدوده قرار خواهد گرفت. سوداگران در این باره افزود: قدمت این طرح به سه چهار سال قبل باز می گردد و شامل اضافه کردن محدوده حافظیه تا منطقه هفت تنان است. با اجرای این طرح و تملک خانه های روستای چهل تنان که در این محدوده دو کیلومتری قرار دارند فضای بیشتری به محدوده حافظیه اختصاص پیدا خواهد کرد که البته هنوز کار تملیک زمینهای این محدوده انجام نشده است.

است تا با پیگیری سازان ایرانی همکاری شود یا خارجی اما آنچه که مشخص است این است که نصب ۱۰ پیکره کامل از مشاهیر، ۲۰ تندیس و ۳۰ سردیس در برنامه های این طرح قرار دارد.

معاون فرهنگی و ارتباط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان فارس درباره امکانات رفاهی و پذیرایی که برای بازدیدکنندگان و گردشگران در این طرح در نظر گرفته شده است گفت: پیش از این رستورانهایی در محدوده حافظیه وجود داشت که به خاطر رعایت نکردن قوانین مربوطه جمع آوری شد و در حال حاضر مسئولان اجرایی طرح "موزه مشاهیر" تصمیمی بر قرار دادن امکانات رفاهی در محدوده

در پی بهره برداری موزه مشاهیر در روز ۱۹ مهر ماه، معاون فرهنگی و ارتباط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان فارس از اختصاص شش میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان اعتبار به این موزه خبر داد.

امیر سوداگران درباره احداث موزه مشاهیر گفت: ساخت موزه مشاهیر در شمال حافظیه، طرحی است که اکنون مراحل اولیه خود را سپری می کند. این طرح در جریان سفر اردیبهشت سال ۸۶ رئیس جمهور به فارس مطرح شد و در کمیسیون ماده ۳۲ معاونت و برنامه ریزی نظارت راهبردی بودجه ای بالغ بر ۶ میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان برای آن تصویب شد. بر همین اساس قراردادی بین میراث فرهنگی استان و پیمانکار منعقد شد و زمین های محدوده فوق به تملک سازمان درآمد. نصب پیکره های مشاهیر و بزرگان ایران و جهان از اقداماتی است که قرار است در این فضا انجام شود.

وی در ادامه افزود: در این طرح محدوده ای به وسعت ۲۴ هزار متر مربع در ضلع شمالی آرامگاه حافظ اختصاص داده شده است که ۲۱ هزار متر مربع آن به باغ موزه مشاهیر اختصاص دارد و ۳ هزار هکتار باقی مانده برای احداث موزه ای سرپوشیده در نظر گرفته شده است تا اسناد و مدارکی که باید در فضای بسته نگهداری شوند در این محل گردآوری شوند.

سوداگران صحنه های خود را تکمیل کرد و گفت: نسخ خطی و دست نوشته ها بخشی از اسنادی است که در این موزه گردآوری خواهد شد که این کار با توافق ادارات میراث فرهنگی دیگر استان ها صورت خواهد گرفت. همچنین در بخش "باغ موزه مشاهیر" که فضای باز این طرح محسوب می شود چندین پیکره برنزی از مشاهیر فرهنگی ایران و جهان نصب خواهد شد.

وی ادامه داد: کیفیت این پیکره ها برای ما بسیار حائز اهمیت است و هنوز تصمیمی بر آن گرفته نشده

انتشارات پرتو خورشید

امام علی در شعر فارسی

این کتاب، ادوار مختلف از زندگی نامه امام علی (ع) را - از ولادت تا شهادت - از زبان شیرین و جذاب شاعران حکایت می کند که در این میان بیش از بیست موضوع را با تفصیل و تفکیک شامل می شود.

شاعران در ستایش دومین قهرمان اسلام از واژگان و ترکیب های بی شماری سود جستند که افزون بر نامها و کنیه ها و لقب های خاص مولا علی (ع) برخی بسیار چشم گیر می نمایند، مثل «مولود کعبه»، «عدالت»، «غربت»، «بیتیم نوازی»، «فتوت»، «سروت»، «عشق خدا»، «تولا»، «اخلاص»، «عرفان»، «آزادی»، «بیت شکنی»، «شجاعت»، «محبت» و «انصاف».

www.p-khorshid.ir

آدرس: تهران - خ انقلاب - خ فخر رازی - کوی فاتحی داریان - پلاک ۳۹ - طبقه دوم
تلفن: ۷-۶۶۹۷۷۹۶۴ همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

سرقفلی کتابفروشی

بر کریم خان زند

بین نشر چشمه و نشر نی

۲۴ متر کف - ۲۴ متر بالکن

۰۹۱۲۴۵۹۵۷۷۳

خیابان انقلاب بین فلسطین و سیای جنوبی شماره ۱۱۷۸

مترجم

با ۶ سال سابقه کار مفید

آماده همکاری با ناشرین

ترجمه کتب شما در اسرع وقت

کتاب ترجمه شده:

- + زندگی به سبک های پر
- + در ۲۱ روز زندگی را تغییر بده

۰۹۱۲۵۶۷۸۸۷۰

خانه کتاب منتشر کرد

خلاصه مقالات همایش مولور

مرکز نشر کتابهای کمک آموزشی

دهسرا

۲۰۰۰ سیرموسسان آزمون

چاپ چهارم

رشت - خ کتابی - مجتمع کسپین - تلفن: ۰۷۱۱ - ۲۲۲۰۱۱۱ - ۰۷۱۱ - ۲۲۲۰۱۱۱
فلکس: ۰۵۵ - ۰۵۵ - ۰۵۵ - ۰۵۵ - ۰۵۵ - ۰۵۵
همراه: ۰۵۱۱ - ۰۵۱۱ - ۰۵۱۱ - ۰۵۱۱ - ۰۵۱۱ - ۰۵۱۱
سندوق پستی: ۳۳۳۵ - ۳۳۳۵ - ۳۳۳۵ - ۳۳۳۵ - ۳۳۳۵
www.Dehsara.com



هفته کتاب و صنعت نشر

به گمان من ما باید هفته کتاب را به هفته انس با کتاب تبدیل کنیم. برای این کار لازم است اولاً مردم تأثیر انس با کتاب و مطالعه را در زندگی شخصی و اجتماعی خود احساس کنند و به طور واضح دریابند که در برنامه های کشور به نقش دانایی و مطالعه اهمیت ویژه ای داده می شود. ما نسبت به ارزیابی دانش مطالعاتی قشرهای مختلف اعم از استادان، کارمندان، دانشجویان، کارگران و ... چه قدر توجه داریم؟ در واقع آنانی که ساعت ها به مطالعه مشغول هستند و کسانی که مطالعه ای ندارند در یک حوزه کاری چه تفاوتی دارند؟ آیا اصلاً سازمانی برای تشخیص این دو گروه و ارزیابی آنها داریم یا نه؟

یکی دیگر از وظایف ما این است که شرایطی فراهم شود تا کتاب به آسانی در دسترس مردم قرار گیرد. مشکل عمده حال حاضر ما در حوزه نشر، نبود اطلاع رسانی و توزیع مناسب کتاب در کشور است. پیشنهاد من برای حل این مشکل این است که شعار دولت در واگذاری کارها به مردم، به طور واقعی و به طور جدی در حوزه فرهنگ تحقق یابد. مسلم و قطعی است که دولت همیشه باید نقش نظارتی خود را در حوزه فرهنگ داشته باشد اما تجربه نشان داده است که ورود موسسات دولتی در فعالیتهای اجرایی چندان کمکی نمی کند.

در سال های نه چندان دور موسسات دولتی به دلیل مدیریت های موقت نتوانسته اند در حوزه نشر موفق باشند. در حوزه ناشران خصوصی، مرکزی رامی توان یافت که چند نسل فعالیت های انتشاراتی در خانواده آنها ادامه داشته است و الان موسساتی را داریم که بیش از صد یا صدوبیست سال عمر دارند. می توان گفت که در حوزه نشر، عشق، انگیزه، تداوم، تجربه و تخصص پایه های اصلی موفقیت به شمار می روند.



یکی از مشکلات حوزه نشر این است که بخش های عمومی در کشور باید فضاهای موجود را به عرضه کتاب های تولید شده از سوی ناشران خصوصی اختصاص دهند. متأسفانه در حال حاضر نهادهای مصرف کننده کتاب، خود کرده به ناشران بزرگی تبدیل شده اند که رقابتی اصلی بخش خصوصی نشر به شمار می روند. پیشنهاد دیگر این است که مجموعه ناشرانی که در استان های مختلف هستند به طور مشترک فروشگاه های بزرگ یا نمایشگاه های دائمی تشکیل دهند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تخصیص بخشی از یارانه کتاب به صورت کمک یا وام های کم بهره به این امر کمک کند.

در معرفی آثار ارزشمند و تبلیغ آنها، خوب است که از یارانه های فرهنگی برای تبلیغ در رسانه ملی و مطبوعات نیز استفاده کند تا بتواند ناشران را در این راه یاری داده و آثاری که توسط هیئت کارشناسی برگزیده شده اند در تبلیغات رسانه ای و اطلاع رسانی از بودجه لازم بهره ببرند.



بازار نشر در هفته کتاب رونق می گیرد

برنامه های ناشران در جشن پاییزی کتاب



می تواند بر برگزاری بهتر هفته کتاب اثر بگذارد. فریدونی نیز می گوید: «در نمایشگاه کتاب، حضور ناشران معنادار است. چون نمایشگاه مال آنهاست و حضور پررنگی در آن دارند. اما در هفته کتاب، ناشران کمتر از نمایشگاه در برنامه ها دخیل هستند. بنابراین می توان در هفته کتاب نیز از لحاظ نوع مشارکت، شاخصه های نمایشگاه کتاب را پیاده کرد.»

او می افزاید: «در کشور ما ۸ هزار ناشر فعالیت می کنند که با احتساب همه افراد صنف نشر از نویسندگان، تصویرگران، گرافیست ها، صحافان، چاپخانه داران و ... تعداد فعالان این صنف حداقل به ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر می رسد. بنابراین ایجاد تعامل با این فعالان، سبب می شود که مسئولان بتوانند از نظرات بیشتری برخوردار شوند. رشد طبیعی صنعت نشر جز با میدان دادن به ناشران امکان پذیر نیست چون این ناشران هستند که اعضای زنجیره نشر را به حرکت در می آورند.»

وی برگزاری همایشی برای بررسی وضعیت بازار نشر پیش از حذف یارانه کاغذ و پس از آن، برگزاری نمایشگاهی از کتاب های چاپ اول سال ۸۷، همکاری گسترده تر با صدا و سیما برای معرفی نقش معنوی کتاب در حیات مردم را به عنوان پیشنهادهایی برای بهتر برگزار شدن هفته کتاب مطرح می کند و می گوید: «در این هفته می توان با تقدیر از پیشکسوتان صنعت نشر در تمام حوزه های مربوطه، اهمیت نشر را به مردم یادآوری کرد. برگزاری وسیع نمایشگاه های کتاب استانی، برگزاری جشن کتاب و کتابخوانی در مدارس، برگزاری مسابقات کتابخوانی در سطح وسیع و ... نیز از پیشنهادهایی است که عملی شدن آنها بر رونق هر چه بیشتر هفته کتاب، انکار نشدنی است.»

مدیر انتشارات محراب قلم در پایان می گوید: «تبلیغ عمومی برای اهدای کتاب توسط خانواده ها به کتابخانه های مدارس در هفته کتاب، می تواند حس خانواده ها را اندکی نسبت به اهمیت کتابخانه ها برانگیزد. این ارتباط بسیار مهم است و باید جرقه آن در هفته کتاب زده شود. بهتر است روی موضوعاتی از این دست فکر شود. هفته کتاب در آبان ماه بهترین فرصت برای اجرای چنین پیشنهادهاست چون مدارس از تب و تاب اولیبه افتاده اند و آمادگی پذیرش این رویداد را دارند. آخرین توصیه من این است که باید از محدود کردن فعالیت های هفته کتاب خودداری و مقوله مهمی مانند هفته کتاب را عمومی تر کرد. عملی شدن پیشنهادها ناشران اگر برنامه ریزی و جسارت همراه شود، می توان کارهای بزرگی را انجام داد.»

در این هفته، از اثرات مستقیم آن است اما دخیل شدن رسانه هایی نظیر رادیو، تلویزیون، مطبوعات و نهادهای صنعتی مانند کارخانه ها، اثرات غیر مستقیمی در رشد کتابخوانی دارد.»

پیشنهادهایی برای همیشه

ناشران به عنوان گردانندگان اصلی چرخه نشر، شاید بهترین پیشنهاددهندگان این حوزه باشند. آنها به دلیل فعالیت در حوزه نشر کشور، با ضرورت ها، نقاط قوت و کاستی های رویدادهای فرهنگی نظیر هفته کتاب آشنا هستند. پس بی گمان انعکاس نظرات آنها، افق هایی را پیش چشم می گشاید.

قدیانی می گوید: «مهم ترین مساله ای که باید در هفته کتاب به آن توجه شود، ایجاد زمینه برقراری ارتباط مستقیم اهالی نشر (خصوصاً نویسندگان، شاعران و تصویرگران) با خانواده هاست. همان طور که زمینه برقراری این ارتباط نزدیک در نمایشگاه کتاب و در غرفه های ناشران وجود دارد، می توان برای آن در هفته کتاب هم زمینه را فراهم کرد. بنابراین پیشنهاد من به برگزار کنندگان هفته کتاب این است که ترجیحاً در مرکز شهر، مکانی را انتخاب کنند تا مردم بتوانند اهالی قلم را از نزدیک ببینند و با آنها ارتباط برقرار کنند. چون فرهنگ کتابخوانی از کودکی به وجود می آید، وقتی کودکان به همراه خانواده هایشان در چنین مکانی با اهالی قلم آشنا شوند و منش آنها را ببینند، به سوی کتابخوانی کشیده می شوند.»

مهرآبادی نیز با اشاره به مفضل کمبود و پتیرین عرضه کتاب در کشور می گوید: «می شود حداقل به صورت مقطعی هم که شده، با برگزاری همزمان و گسترده نمایشگاه های کتاب در استان های کشور، و پتیرین های زیادی را به کتاب اختصاص داد. ایجاد همزمان این و پتیرین های کتاب، مسلماً بر جذب مخاطبان تأثیرگذار خواهد بود. اگر بانی بزرگی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این راه سرمایه گذاری کند، ایجاد گسترده و پتیرین ها دور از دسترس نیست.»

جام شیرنیز می گوید: «به نظر من باید کار گروه هایی متشکل از مسوولان اجرایی و فرهنگی و ناشران در هفته کتاب تشکیل شود و راه حل های عملی برای رونق نشر در هفته کتاب را ارائه دهند. همچنین در هفته کتاب می شود از جامعه شناسان، روان شناسان و متخصصان آموزشی خواست که دور هم جمع شوند و کتابخوانی در جامعه را بررسی کنند. بحث درباره مسائلی نظیر راهکارهای توزیع بهتر، تعامل ناشران با حوزه صنعت، سودبری اقتصادی ناشران از توسعه و تجهیز کتابخانه ها و ... در هفته کتاب نیز

کتاب هفته در شماره پیشین با بازتاب دادن نظرات اهالی فرهنگ درباره هفته کتاب، به استقبال این هفته فرهنگی رفت از جمله نکاتی که در این مناسبت فرهنگی مهم جلوه می کند، میزان تعامل ناشران در برگزاری هفته کتاب است. زیرا مهم ترین و اثرگذارترین حلقه زنجیره نشر، ناشرانی هستند که چرخ های نشر کشور با فعالیت آنها می چرخد.

در گزارش این هفته تلاش می کنیم پس از ذکر تأثیر هفته کتاب بر نشر، پیشنهادها را برخی ناشران را درباره بهتر برگزار شدن این رویداد فرهنگی بازتاب دهیم. همه ساله با آغاز هفته کتاب در آبان ماه، کتاب بار دیگر پرده از رخ بر می کشد تا دیدگان با کتاب و دل ها با کتابخوانی انس و الفتی دوچندان یابد. هفته کتاب نیز مانند نمایشگاه کتاب، زمانی برای آشنایی و انس با کتاب است.

محسن مهرآبادی مدیر انتشارات فرهنگ گستر درباره این اتفاق فرهنگی می گوید: «پیش از اتخاذ تصمیم درباره برگزاری هفته کتاب در آبان ماه هر سال، در حوزه نشر تنها شاهد یک اتفاق بزرگ و گسترده بودیم؛ نمایشگاه بین المللی کتاب تهران. اما راه اندازی هفته کتاب سبب شد که در شش ماهه دوم سال هم زمینه ای برای آشنایی و انس مردم با کتاب وجود داشته باشد.»

وی درباره اثرات برگزاری هفته کتاب بر رونق نشر می گوید: «با توجه به اینکه ناشران در آبان ماه، سه ماه را کاد بازار نشر را پشت سر گذاشته اند، برگزاری هفته کتاب به منزله دوره برداشت محصول، رونق را به بازار نشر بازمی گرداند. بنابراین باید به مبدعان هفته کتاب آفرین گفت که چنین زمانی را برای برگزاری آن انتخاب کردند تا در شش ماهه دوم سال نیز، زمینه ای برای یادآوری اهمیت کتاب و کتابخوانی به مردم وجود داشته باشد.»

امانصور جام شیر مدیر انتشارات نگارینه می گوید: «توقع من و امثال من به عنوان کسانی که در حوزه فرهنگ این کشور کار می کنند، این است که برگزاری چنین هفته ای در اکثریت جامعه تأثیرگذار باشد و بتواند آمار کتابخوانی را بالا ببرد؛ به عنوان مثال همه ساله در روز کتاب، کودک، کار و صنعت "انجمن فرهنگی ناشران با همکاری برخی کارخانه ها تلاش می کند برنامه هایی را اجرا کند، اما این برنامه ها گسترده نشده تا بتواند واقعا تأثیرگذار باشد. بنابراین باید برای گسترش کتابخوانی در این هفته تلاش بیشتری صورت بگیرد.»

عبدالعظیم فریدونی مدیر انتشارات محراب قلم نیز می گوید: «گاهی مشاهده می شود که فعالیت هایی نظیر برگزاری هفته کتاب جنبه نمادین و مناسبتی پیدا کرده است در حالی که انتظار می رود چنین فعالیت هایی صبغه و تأثیر عمومی پیدا کنند.»

نادر قدیانی مدیر انتشارات قدیانی و رئیس هیات مدیره انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان نیز در این زمینه می گوید: «هفته کتاب از این لحاظ که کتاب را به مدارس می برد، می تواند بسیار بر رونق نشر تأثیرگذار باشد که تأثیر آن را بارها در این زمینه شاهد بوده ایم. در هفته کتاب جمهوری اسلامی، باید امکان دسترسی ناشران کودک و نوجوان به مدارس به راحتی فراهم می شود و برخی ناشران بزرگ عهده دار برپایی نمایشگاه های مدارس می شوند. بایستن قراردادهایی، این نمایشگاه ها را برگزار می کنند و برای آنها ناشران کتاب خریداری می کنند که خود این امر سبب رونق نشر می شود.»

قدیانی معتقد است که تأثیرات هفته کتاب بر گسترش کتابخوانی را باید به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. او می گوید: «برگزاری نمایشگاه های کتاب



نشست نقد و بررسی کتاب «مرجع نشر ایران» در سرای اهل قلم برگزار شد

نقشه نشر زیر ذره بین

اولین نشست نقد و بررسی کتاب «مرجع نشر ایران» از مجموعه کتاب‌های موسسه خانه کتاب، هفته گذشته در سرای اهل قلم خانه کتاب با حضور مسئولان و کارشناسان حوزه کتاب از سوی کتاب ماه کلیات برگزار شد.

علی شجاعی صائین مدیرعامل خانه کتاب، جلال ذکایی مدیر کل دفتر امور چاپ وزارت ارشاد، دکتر نورالله مرادی عضو هیئت علمی دانشگاه و متخصص مرجع نگاری، داریوش مطلبی مدیر واحد اطلاع رسانی خانه کتاب و سردبیر کتاب ماه کلیات، دکتر محمدرضا قدیمی مدیرعامل مرکز پخش الکترونیک کتاب ایران بین، داود موسایی مدیر مسئول انتشارات فرهنگ معاصر، مهندس پایدار نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان، سید کاظم حافظیان رضوی عضو انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران و مجتبی تبریزینا کارشناس اطلاع رسانی خانه کتاب از جمله شرکت کنندگان در این نشست بودند که به تبادل نظر و ارائه پیشنهادها و انتقاداتی درباره کتاب «مرجع نشر ایران» پرداختند.

در این نشست علی شجاعی صائین مدیرعامل خانه کتاب، طی سخنانی، چاپ کتاب «مرجع نشر ایران» حرکتی در راستای دیگر فعالیت‌های خانه کتاب در ارتباط با اطلاع رسانی حوزه کتاب دانست و با اشاره به راه اندازی خبرگزاری کتاب - به عنوان حرکتی نو در این مسیر - هدف از چاپ کتاب «مرجع نشر ایران» را نزدیک کردن حلقه‌های مختلف صنعت نشر به یکدیگر عنوان کرد.

مدیرعامل خانه کتاب گفت: «مجموعه راهنمای ناشران در واقع هر سال با ویرایش و افزودن‌های جدید ارائه می‌شود و در سال گذشته هم در قالب جدیدی تحت عنوان «مرجع نشر ایران» ارائه شد با این هدف که اطلاعاتی که ارائه می‌شود تا حد امکان فراگیر و کامل باشد.»

شجاعی با اشاره به این که احتمالاً در سال جدید اطلاعات مربوط به کاغذفروشان هم به این مجموعه اضافه می‌شود، از کارشناسان خواست تا با ارائه پیشنهادها و دست‌اندرکاران این طرح را در انجام هر چه بهتر آن یاری کنند.

شجاعی همچنین درباره زمان‌بندی این کار گفت: این کتاب به رغم این که همه ساله ویرایش می‌شود اما تنها ویرایش آن حدود یک سال از وقت مجموعه ما را می‌گیرد به نحوی که دوستان ما اسمال بلافاصله بعد از نمایشگاه بین‌المللی کتاب، کار ویرایش مجموعه بعدی را شروع کردند تا بتوانند تغییر و تحولاتی را که در شاخه‌های مختلف نشر اتفاق می‌افتد از جمله ورود ناشران جدید به این عرصه یا ناشرانی که از این حوزه خارج می‌شوند یا تغییر مکان و جابه‌جایی‌ها و... را در کار لحاظ کنند.»

مدیرعامل خانه کتاب کار جمع‌آوری اطلاعات این مرجع را کاری طاقت‌فرسا توصیف کرد و گفت: تعدادی ناشران ما در حوزه نشر به نسبت تولید و توان علمی که داریم - در مقایسه با کشورهای دیگر - بسیار زیاد است و همین امر انرژی و وقت زیادی از ما می‌گیرد. برای مثال تعداد ناشران کشوری مثل ژاپن - تقریباً با دو برابر جمعیت ما - شاید به این اندازه نیست و شاید بشود گفت حتی عناوین و شمارگان‌شان هم خیلی بیشتر از ما نیست و به هر حال این حجم انبوه، کار انبوهی را هم می‌طلبد و دوستان ما به خصوص مجموعه مدیریت اطلاع رسانی و کتابداری خانه کتاب علاوه بر این که در طول سال درگیر هستند در دو سه ماه پایانی کار، یک مجموعه دیگر را هم به خدمت



می‌گیرند تا با کمک آن دوستان کار را پیش ببرند. جلال ذکایی مدیر کل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز کار جمع‌آوری این گونه اطلاعات را در ایران کاری سخت و طاقت‌فرسا توصیف کرد و گفت: «متأسفانه اغلب افراد به موضوع ارائه اطلاعات نگاه امنیتی دارند و همواره نگران این هستند که مبادا این اطلاعات مثلاً در اختیار اداره دارایی، بیمه یا... قرار بگیرد.»

ذکایی چاپ کتاب «مرجع نشر ایران» را گامی در جهت حرفه‌ای شدن صنعت نشر دانست و افزود: «نشر مایک‌نشر آمانور است و هنوز دوران حرفه‌ای‌اش را تجربه نکرده و شاید مهم‌ترین دلیل این امر دسترسی نداشتن به اطلاعات جامع و مانعی باشد که می‌تواند زمینه تولید کتاب را فراهم آورد.»

اشاره به تجهیزات مورد استفاده چاپخانه‌ها در کتاب مرجع نشر به ویژه چاپخانه‌هایی که تجهیزات پیش و پس از چاپ را دارند و نیز افزودن اطلاعات مربوط به طراحان گرافیک، تصویرگران کتاب کودک، بنگاه‌های ادبی و طراحی یک سایت مستقل برای مرجع نشر از جمله نکات پیشنهادی مدیر کل دفتر امور چاپ وزارت ارشاد در این جلسه بود.

در ادامه جلسه داریوش مطلبی مدیر واحد اطلاع رسانی خانه کتاب که مسئولیت تهیه کتاب «مرجع نشر ایران» را بر عهده داشته، نکاتی را درباره روند جمع‌آوری اطلاعات این مرجع و نیز مشکلات موجود در مسیر تهیه این اطلاعات را یادآور شد.

مطلبی هدف از چاپ کتاب مرجع نشر ایران را گامی در جهت ایجاد تعامل میان دست‌اندرکاران حوزه نشر عنوان کرد و درباره تغییرات اعمال شده در ویرایش جدید این کتاب گفت: «در ویرایش قبلی فقط ناشران و کتابفروشان و تعدادی از ناشران الکترونیک وجود داشتند و بسیاری از لوازم التحریر فروشی‌ها هم جزو کتابفروشان آمده بودند که ما در ویرایش جدید در مرجع نشر ایران با ارائه تعریفی، لوازم التحریری‌ها را جدا و بخش ناشران را هم روزآمد کردیم.»

سردبیر کتاب ماه کلیات درباره آمار اطلاعات مرجع نشر نیز گفت: «در این مرجع، اطلاعات نزدیک به ۴۰۵۵ ناشر، ۶۶۵۹ کتابفروش، ۲۸۳۲ چاپخانه، ۴۱۱ لیتوگرافی، ۶۳۷ صحافی، ۲۱۰ ناشر الکترونیک و ۷۰ مرکز پخش جمع‌آوری شده است و در این مسیر مراکز مختلفی از جمله اداره کل چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اتحادیه ناشران و کتابفروشان و اتحادیه صنوف مرتبط با نشر مثل توزیع کنندگان به ما کمک کردند.»

در ادامه، دکتر نورالله مرادی عضو هیئت علمی دانشگاه و متخصص مرجع نگاری، کتاب را کالایی فرهنگی و محصول تلاش دسته‌جمعی افراد توصیف و بر بعد اقتصادی این فعالیت تأکید کرد.

وی گفت: اگر قبول کنیم که ناشر یک تاجر است با مقوله‌ای به نام اقتصاد کتاب سروکار داریم که کلیاتش همان عرضه و تقاضاست اما ویژگی خاصی خواهد داشت چرا که در تجارت و اقتصاد هم فردی برنده است که اطلاعات دست اول و مهم و صحیح را داشته باشد چرا که در عصر ما این اطلاعات است که پیش شرط تصمیم‌گیری می‌شود و وقتی اطلاعات داشته باشید بهتر می‌توانید انتخاب کنید و وقتی بهتر انتخاب کردید، می‌توانید تصمیم بهتری هم بگیرید.»

دکتر مرادی اقتصاد کتاب را اقتصادی شکننده توصیف کرد و درباره فواید کتاب مرجع نشر یادآوری کرد: «اقتصاد کتاب در کشور ما نیازمند اطلاعات دقیق و صحیح است و این مرجع می‌تواند کمکی در مسیر فراهم آوردن اطلاعات در این حوزه باشد تا ما بدانیم هر کدام از این بخش‌ها - بعد از نویسنده - چه امکاناتی دارند، کجا هستند، چه قیمت‌هایی دارند و... که همه اینها می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های ما موثر باشد. بنابراین آمارهای این کتاب می‌تواند هم از نظر فنی، هم از نظر هنری و هم از نظر اقتصادی حائز اهمیت باشد.»

مهندس پایدار نماینده اتحادیه ناشران و کتابفروشان از دیگر حاضران این جلسه نیز ضمن یادآوری برخی اشکالات موجود در کتاب مرجع نشر، جدولی مکتوب را به عنوان ساختاری برای کامل‌تر شدن کتاب مرجع نشر در ویرایش‌های بعدی به حاضران معرفی کرد و توضیحاتی در این باره ارائه داد. در این طرح، کتاب مرجع نشر ایران در سه بخش قابل تقسیم بندی است. بخش اول با عنوان متن آفرینی، مولفان، مترجمان، مولفان/مترجمان و ویراستاران را شامل می‌شود. بخش دوم که عنوان آماده‌سازی پیش از انتشار نام گرفته، بخش‌هایی نظیر خدمات فرهنگی (تایپ، صفحه‌آرایی، گرافیک)، لیتوگرافی، چاپخانه‌ها و صحافی‌ها را دربرمی‌گیرد و در نهایت بخش سوم که مربوط به مراحل انتشار و پس از آن است، ناشران، کتاب‌کاغذی، کتاب الکترونیک، کارت پستی، پوستر) مراکز پخش کتاب، کتابفروشی‌ها، کتابخانه‌ها (عمومی، تخصصی) و مراکز فرهنگی (خانه فرهنگ، فرهنگسرا) را شامل می‌شود.

داوود موسایی مدیر مسئول انتشارات فرهنگ معاصر نیز با اشاره به افزایش سرعت روزافزون حجم اطلاعات، بر اهمیت روزآمد کردن اطلاعات کتاب مرجع نشر تأکید کرد و گفت: «اعتقاد ما این است که کتاب مرجع زمانی که منتشر می‌شود کهنه می‌شود و این به دلیل حجم وسیع اطلاعاتی است که هر روز بر اطلاعات گذشته افزوده می‌شود. موسایی همچنین دسته‌بندی دقیق‌تر اطلاعات این کتاب را امری ضروری

در این مرجع، اطلاعات نزدیک به ۴۰۵۵ ناشر، ۶۶۵۹ کتابفروش، ۲۸۳۲ چاپخانه، ۴۱۱ لیتوگرافی، ۶۳۷ صحافی، ۲۱۰ ناشر الکترونیک و ۷۰ مرکز پخش جمع‌آوری شده است

دانست و گفت: اطلاعاتی که در این کتاب می‌بینیم در این حد است که مثلاً فلان ناشر یا چاپخانه دار وجود دارد به علاوه شماره تلفن و نشانی، اما از این که اینها دقیقاً چه فعالیتی انجام می‌دهند هیچ اطلاعاتی ارائه نشده است، ضمن این که این کتاب باید به تدریج به این سمت برود که اطلاعات کاربردی بدهد اما به نظر من در حال حاضر این طور نیست.»

اما سید کاظم حافظیان رضوی برخلاف موسایی معتقد بود که مرجع نشر یک کتاب بسیار کاربردی است: «ما در حوزه کتابخانه‌ها با چند بخش از این کتاب سروکار داریم که به ما در انتخاب و ارتباطی که با ناشران می‌گیریم کمک فراوانی می‌کند.»

عضو انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران پیشنهادی هم درباره قطع کتاب داد و گفت: «معتقدم نسخه کاغذی این کتاب باید در قطعی کوچک‌تر منتشر شود تا راحت‌تر بتوان از آن استفاده کرد.»

وی افزود: کار دیگری که پیرامون با این کتاب باید انجام شود این است که تعریفی از مدخل‌ها داشته باشد و مثلاً بگوید که من به چه کسی ناشر گفته‌ام به چه کسی لیتوگراف و... بهتر است این تعاریف در آغاز کتاب بیاید. دکتر محمدرضا قدیمی مدیرعامل مرکز پخش الکترونیک کتاب ایران بین نیز در پایان جلسه نکات دیگری را درباره کتاب «مرجع نشر ایران» یادآور شد و گفت: «مابه‌دلیل شیوه کاری که داریم از بخش‌های مختلف این کتاب روزانه استفاده می‌کنیم و با وجود برخی اشتباه‌هایی که در شماره‌های قبل وجود داشت، شاید حدود ۹۰ درصد اوقات این کتاب کار ما را راه‌انداخته است. باید این کتاب در مقایسه با شماره‌های قبل خیلی کامل‌تر و دقیق‌تر است.»

قدیمی بر اهمیت قرار گرفتن این اطلاعات روی سایت تأکید کرد و گفت: «اگر اطلاعات روی سایت قرار بگیرد ضمن این که دوستان به راحتی می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، این امکان نیز وجود خواهد داشت که اطلاعاتی که همان‌روز تغییر می‌کند بلافاصله در سایت اعمال شود اما در خود کتاب به این نکته اشاره نشده چون معمولاً در این نوع کتاب‌ها - حتی زیر هر صفحه - اشاره می‌شود که برای کسب آخرین اطلاعات به فلان سایت مراجعه کنید اما اینجا ما چنین چیزی نمی‌بینیم.»

مدیرعامل مرکز پخش الکترونیک کتاب پیشنهادی نیز مبنی بر آوردن اطلاعات مربوط به مولفان و مترجمان داد و گفت: «آوردن اطلاعات مربوط به مولف و مترجم گرچه کار مشکلی است اما در عین حال ضروری است و حتی اگر مولف یا مترجمی دوست نداشت شماره تلفن یا نشانی‌اش را بدهد می‌تواند ایمیلش را بدهد تا علاقه‌مندان بتوانند از این طریق با او ارتباط داشته باشند. نگارش یک مقدمه تحلیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی و اقتصادی بدون موضع‌گیری‌های سیاسی و اختصاص نمایه به ناشران تخصصی در کتاب «مرجع نشر ایران» نکاتی بود که از سوی دکتر مرادی در لحظات پایانی جلسه عنوان شد.»

ذکایی نیز در پایان یادآور شد: «نگاه حاکم به مرجع نشر هنوز نگاه دولتی است. این کتاب نه تنها می‌تواند هزینه خودش را تأمین کند بلکه می‌تواند درآمدزا هم باشد اما در این مجلد تنها یک چاپخانه آگهی داده است ضمن این که هنوز معلوم نیست مخاطب ما چطور این کتاب را دریافت می‌کند. به نظر می‌رسد ما در تولید خوب عمل می‌کنیم اما در توزیع واقعاً نمی‌دانیم کار را برای کدام جامعه تولید کرده‌ایم، درحالی که ما پیش‌زمینه اصلی را باید از مخاطبان بگیریم که در این صورت هم شمارگان ۵ هزار و ۵۰۰ بسیار ناچیز است.»



بنفشه محمودی

در شماره ۱۵۱ کتاب هفته (۶ مهر ۱۳۸۷) در گزارشی به مقوله کتابخانه‌های تخصصی پرداخته شد. در آن گزارش از سوی صاحبزبان حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی مطالبی پیرامون استانداردهای کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی مطرح شده بود. اهمیت این مساله ما را بر آن داشت تا با دکتر حبیب الله عظیمی معاون کتابخانه ملی درباره استانداردهای این کتابخانه‌ها گفت و گویی انجام دهیم و از این رهگذر، راهکارهای اجرایی شدن رعایت استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی را که مهم‌ترین حوزه کتابخانه‌های تخصصی است، بررسی کنیم. دکتر عظیمی متولد ۱۳۴۱، دارای مدرک دکترای حقوق اسلامی، سابقه ۱۸ سال عضویت هیات علمی کتابخانه ملی در حوزه نسخ خطی را در کارنامه خود دارد که از این مدت سه سال مدیر کل بخش نسخ خطی بوده و در دو سال و نیم گذشته به عنوان معاون کتابخانه ملی، با سازمان اسناد و کتابخانه ملی همکاری داشته است. از میان تالیفات وی می‌توان به "شرح موضوعی نهج البلاغه" (دو جلد) و "تاریخ فقه و فقها" اشاره کرد. او معتقد است که استاندارد شدن کتابخانه‌های دانشگاهی، از موازی کاری سایر نهادها در تاسیس کتابخانه‌های تخصصی جلوگیری می‌کند.

دکتر حبیب الله عظیمی، معاون کتابخانه ملی در گفت و گو با کتاب هفته پیشنهاد کرد

رتبه بندی دانشگاه‌ها با معیار کتابخانه

تجهیزات و نرم افزارهای کتابخانه ای و اطلاع رسانی آشنایی کند و کمک می‌کند در دنیای اطلاعات، زودتر به اطلاعات گزیده دست پیدا کند.

چگونه می‌توان برای رعایت استانداردها در کتابخانه‌های تخصصی ضمانت اجرایی به وجود آورد؟

ضمانت اجرایی، جز با همکاری تنگاتنگ کتابخانه ملی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی امکان پذیر نیست. می‌توان هیات‌انمایی متشکل از نمایندگان بخش‌های مذکور به وجود آورد که از زمان شروع دو کار را پیگیری کند. نخست اینکه مجوز این هیات برای شروع ساخت هر ساختمان دانشگاهی الزامی باشد. در این صورت این نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که حتما در ساختمان‌های جدید، در مرحله طراحی جایی برای کتابخانه در نظر گرفته شده باشد. چون متأسفانه در بسیاری از ساختمان‌هایی که امروز با کاربری دانشگاهی ساخته می‌شود، جایی برای کتابخانه در نظر گرفته نشده است. کار دومی که این هیات باید بر عهده داشته باشد، پایه گذاری یک نظام رتبه بندی برای کتابخانه‌های دانشگاهی است. به این معنی که مثلا رتبه‌های یک، دو و سه به ترتیب به کتابخانه‌هایی اعطا شود که بالای ۷۰ درصد، بین ۵۰ تا ۷۰ درصد و زیر ۵۰ درصد استانداردهای کتابخانه‌های تخصصی را داشته باشند. یکی از شاخصه‌های اصلی دانشگاه‌ها و درجه بندی آنها باید کتابخانه باشد. در صورت به وجود آمدن این رتبه بندی، رتبه در اختصاص بودجه به دانشگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. پس دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند خود را به استانداردها نزدیک کنند تا به رتبه بالاتری دست پیدا کنند.

علاوه بر کتابخانه‌های دانشگاهی، در بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای کشور کتابخانه‌های تخصصی وجود دارد و با توجه به گسترگی این نهادها، نمی‌توان نمایندگان آنها را در هیات‌انمایی پیشنهادی جا داد. درباره استاندارد شدن این کتابخانه‌ها چه کاری می‌توان انجام داد؟

دغدغه اصلی، کتابخانه‌های دانشگاهی است. چون مملکت ما را متخصصان دانشگاهی می‌سازند و همان افراد هستند که در نهایت به نهادهای کشور می‌روند. اگر ما بتوانیم کتابخانه‌های دانشگاهی را به استانداردها نزدیک کنیم، مشکل اصلی حل می‌شود. از طرف دیگر کتابخانه‌های تخصصی نهادها، دایره شمول محدودی دارند و عموم متخصصان حوزه‌های تخصصی مربوط، از آنها استفاده نمی‌کنند. کتابخانه‌های تخصصی هر حوزه اگر در دانشگاه‌ها مربوطه استاندارد باشد، طیف وسیعی از متخصصان و فارغ التحصیلان هر رشته را پوشش می‌دهد و اصلا شاید نیازی به کتابخانه‌های تخصصی خارج از دانشگاه‌ها به وجود نیاید. چون باید دید چند محقق را پوشش می‌دهند، میزان مراجعان آنها در روز چند نفر است و آیا شایسته است که این کتابخانه‌ها با وجود هزینه‌های بالای تاسیس و نگهداری به وجود بیایند؟ اگر با رویکردی صحیح به این سوالات پاسخ داده شود، شاید لازم باشد که خیلی از کتابخانه‌های تخصصی که به طور موازی کار می‌کنند، با هم ادغام شوند تا از موازی کاری و صرف هزینه‌های کلان جلوگیری شود.



رقم بسیار بالایی به دست می‌آید. اگر مطابق این فرمول نگاه کنیم، متأسفانه به هیچ یک از کتابخانه‌های دانشگاهی ما که اکثر آنها کتابخانه‌های مرکزی هستند، نمی‌توان عنوان کتابخانه دانشگاهی را اطلاق کرد. البته ناگفته نماند که اکثر این کتابخانه‌های مرکزی، کتابخانه‌های دانشکده‌ای کوچک و گاه ناچیز دارند یا اصلا ندارند. پس نمی‌توانند مشکل استاندارد را حل کنند. بزرگ‌ترین کتابخانه مرکزی در ایران متعلق به دانشگاه تهران است که کمی بیش از نیم میلیون جلد کتاب دارد که این رقم با ۲۹ کتابخانه اقماری و دانشکده‌ای این دانشگاه فقط به ۳ میلیون جلد می‌رسد!

کتابخانه‌های تخصصی چه خدماتی را باید به مراجعان ارائه دهند؟
آموزش مراجعان (دانشجویان) مساله مهمی است. ضمن اینکه این کتابخانه‌ها باید حتما بخش امانت و تالار مرجع داشته باشند و مراجعه کنندگان را با کتاب‌های مرجع هر رشته تخصصی آشنا کنند. البته ناگفته نماند که به روز بودن منابع و کتاب‌های مرجع در این کتابخانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

مسئله دیگری که حتما باید در کتابخانه‌های دانشگاهی مورد توجه قرار گیرد، امانت بین کتابخانه‌ای است. کتابخانه تخصصی باید تمام منابع را داشته باشد و در صورتی که نداشته باشد، باید به هر طریقی آنها را تهیه کند. کتابدار یک کتابخانه تخصصی به سادگی نباید به مراجعه کننده متخصص خود نه بگوید. چون نه گفتن، به منزله در معرض زوال دادن کتابخانه است. از همین رو سیستم امانت بین کتابخانه‌ای به وجود آمده است. کتابدار اگر نتواند منبع مورد نظر را به دلیل گرانی یا زمان بر بودن به سرعت تهیه کند، باید کتاب را از کتابخانه‌های دیگر امانت بگیرد، اسکن کند و در اختیار متقاضی آن قرار دهد.

اما کتابدار کتابخانه دانشگاهی وظیفه اطلاع رسانی تخصصی را هم بر عهده دارد. به این معنی که باید پایگاه‌های اطلاع رسانی مرتبط با کاربران را بشناسد و به آنها معرفی کند. بنابراین در کتابخانه‌های دانشگاهی، آموزش و به روزرسانی اطلاعات کتابداران اهمیت پیدا می‌کند و ضرورت برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کتابداران احساس می‌شود. برگزاری چنین کارگاه‌هایی از وظایف کتابخانه ملی است که کتابداران را در دوره‌های کوتاه مدت با آخرین فناوری‌ها،

در برمی‌گیرد. مواد مربوط به مدیریت کتابخانه نیز مشتمل بر ساعات کاری یک کتابخانه، شبکه کتابخانه‌ای، همکاری بین کتابخانه‌ها و منابع غیر چاپی است که در استانداردها وجود دارد و فعالیت کتابخانه‌ها با آنها سنجیده می‌شود. در همین جاست که تفاوت‌های کتابخانه‌های عمومی و تخصصی معنادار می‌شود. طبیعتا یک کتابخانه تخصصی در دنیای انفجار اطلاعات، باید برای یک کاربر متخصص (استاد دانشگاه یا دانشجو) اطلاعات گزیده را فراهم کند و اشاعه اطلاعات عمومی مطرح نیست. قاعدتا اگر در کتابخانه دانشگاهی یک کتابدار متخصص و دایره المعارف گونه وجود داشته باشد و به موضوعات رشته مورد نظر اشراف داشته باشد، می‌تواند به اشاعه اطلاعات و مجموعه سازی در آن رشته کمک کند.

اگر چنین کتابداری بتواند آخرین کتاب‌های تخصصی و مرجع آن رشته را تهیه کند، حتی بر روند تحقیقات دانشگاهی تاثیر می‌گذارد اما کتابخانه عمومی نیازی نیست کتابدار متخصص داشته باشد. کتابخانه عمومی باید تنوع منابع داشته باشد و تخصص در آن مطرح نیست. مجموعه سازی (تهیه مواد کتابخانه‌ای) نیز در کتابخانه‌های عمومی با هدف برآوردن نیازهای عمومی انجام می‌شود. تنوع تخصصی، تنوع سنی، برآوردن نیازهای سنی مخاطبان، تنوع موضوعی و تنوع مواد کتابخانه‌ای از خصوصیات کتابخانه‌های عمومی است.

یک کتابخانه دانشگاهی با چه تعداد کتاب و کتابدار، به استاندارد دست پیدا می‌کند؟
در فرمولی که توسط انجمن کتابخانه‌های پژوهشی و دانشگاهی ارائه شده، به ازای هر ۱۰۰ هزار جلد کتاب باید یک کتابدار در کتابخانه وجود داشته باشد. ضمن اینکه به ازای هر ۵۰۰ تا ۱۰ هزار دانشجو نیز باید یک کتابدار به تیر و های کتابخانه اضافه شود. درباره افزایش سالیانه نیز به ازای افزایش ۵ هزار جلد کتاب در سال، باید یک کتابدار اضافه شود.

از نظر استانداردهای مجموعه سازی نیز مجموعه پایه یک کتابخانه دانشگاهی باید در فاز صفر، ۸۵ هزار جلد کتاب داشته باشد. ضمن اینکه به ازای هر عضو هیات علمی، هر دانشجو، هر رشته کارشناسی، هر رشته کارشناسی ارشد، هر رشته کارشناسی ارشدی که سطوح بعدی هم دارد، هر رشته تحصیلی دکترای حرفه‌ای و هر رشته تحصیلی دکترای تخصصی، به ترتیب باید ۱۰۰، ۱۵، ۳۰۵، ۶ هزار، ۳ هزار، ۶ هزار و ۲۵ هزار جلد کتاب در یک کتابخانه دانشگاهی وجود داشته باشد که اگر تعداد رشته‌ها در مقاطع مختلف، تعداد دانشکده‌ها و ... هر دانشگاه را در نظر بگیریم،

یکی از شاخصه‌های اصلی دانشگاه‌ها و درجه بندی آنها باید کتابخانه باشد. در صورت به وجود آمدن این رتبه بندی، رتبه در اختصاص بودجه به دانشگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد

برای ورود به بحث، بهتر است ابتدا به این پرسش بپردازیم که استاندارد کتابخانه‌ای چیست؟ خود استاندارد، رویکردی است که هدف آن ایجاد کیفیت و اصلاح فرایند و رویه است. استاندارد اولین بار پیش از بحث‌های اطلاع رسانی، برای تولید و کالاهای تولید شده به وجود آمد؛ با این هدف که رویه‌ها از لحاظ کیفی و فرایند اصلاح شود. قاعدتا اگر فرایند و رویه اصلاح شود، محصول و خدمات خوب حاصل خواهد شد. در این راستا، موسسه استاندارد جهانی، استانداردهای ایزو ۹۰۰۰ را به عنوان استاندارد رسمی اعلام کرده است. موسسه استاندارد ایران هم در سال ۷۴ این استاندارد را به عنوان استاندارد رسمی ایران ترجمه و منتشر کرد. ایزو ۹۰۰۰ از ۹۰۰۱ تا ۹۰۰۴ را شامل می‌شود که ایزو ۹۰۰۱ برای کتابخانه‌هایی که تولید و نصب و خدمات دارند و حتی فروش خدمات برای آنها مطرح است، جوابگو است. کتابخانه‌هایی هم که فروش خدمات را مد نظر ندارند، می‌توانند از ایزو ۹۰۰۲ استفاده کنند.

سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو) که مرکز آن در ژنو است، مسئولیت توسعه و هماهنگی استانداردهای فنی بین‌المللی را بر عهده دارد. این سازمان که تا به حال ۸ هزار استاندارد بین‌المللی را منتشر کرده است، ۱۷۲ کمیسیون فنی دارد که کمیسیون فنی ۴۶ آن به اطلاع‌رسانی و سندپردازی اختصاص دارد و استانداردهای کتابداری و اطلاع رسانی در آن مطرح می‌شود. ۲۵ کشور به عنوان عضو فعال و ۳۵ کشور به عنوان عضو ناظر و ۴۲ سازمان به عنوان عضو وابسته با این کمیسیون خاص همکاری دارند که از جمله آنها می‌توان به ایفلا (سازمان بین‌المللی کتابداری و اطلاع رسانی) اشاره کرد که ایران هم عضو آن است. این استاندارد هادر کمیسیون ۴۶ مطرح می‌شود که از پیشنهاد تصویب روال خاص خود را دارد. کتابخانه ملی و چند کتابخانه دیگر در داخل کشور که عضو ایفلا هستند، با ایفلا مرتبط هستند و در جریان آخرین مصوبات استانداردهای کتابداری قرار می‌گیرند و پیشنهادهای خود را مطرح می‌کنند. این استانداردها، بین‌المللی است اما کشورها می‌توانند آنها را بومی سازی کنند.

رویکرد کتابخانه‌های تخصصی در به کارگیری استانداردهای بین‌المللی در چیست؟

رویکرد به کارگیری استانداردها در کتابخانه‌های یکی بحث ناظر به مقدار بودجه سازمانی است، یکی تعداد و کیفیت کارکنان و یکی هم تسهیلات و امکاناتی که هر کتابخانه دارد. در این راستا توصیه می‌شود که مدیران کتابخانه‌ها اهداف بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت خود را با توجه به این رویکردها مشخص کنند و بعد استانداردها را در کتابخانه‌های خود به کار بگیرند. آخرین ویرایش استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی (به عنوان بارزترین کتابخانه‌های تخصصی) در سال ۱۹۹۵ انجام شده که در سه مقوله کلی "مجموعه‌ها"، "کتابداران" و "ساختمان و تجهیزات"، بحث استانداردها را درباره کتابخانه‌های دانشگاهی مطرح می‌کند.

عنصری که در استانداردهای کتابخانه‌ای وجود دارد و فعالیت کتابخانه‌ها با آن سنجیده می‌شود، اندازه مجموعه، ویژگی‌های کتابخانه، درصد بودجه‌ای که از کل فعالیت‌ها به کتابخانه اختصاص داده می‌شود، تجهیزات، تعداد صندلی و خدماتی را که ارائه می‌شود



نشست تحلیل و نقد داستان های مصطفی مستور در دانشگاه الزهرا برگزار شد

مستور پشت سطرهای پایان نامه

معرفی کتاب

مونا شایقان

نگاهی به کتاب «برای من خوشحال نیستی»

نردبان مرموز

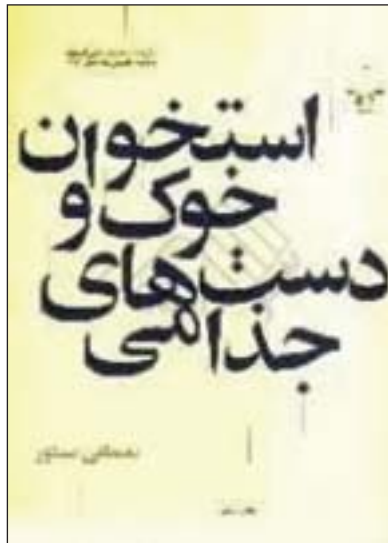


معرفی نویسندگان برجسته معاصر جهان امری است که به نظر می رسد برای ادبیات امروز ما ضروری باشد، چرا که با گسترش وسایل ارتباطی از جمله اینترنت، نزدیکی بین عناصر

مهم فرهنگی کشورهای مختلف جهان مثل ادبیات سریع تر و بیشتر شده است. در نتیجه روند ادبیات جهان به طور مستقیم بر ادبیات همه کشورها تاثیر می گذارد و پیگیری، شناخت و بررسی ادبیات برونمرزی و قیاس آن با ادبیات داخلی زمینه پیشرفت و بازشناسی ادبیات را فراهم می کند. گردآوری دوازده داستان کوتاه از نویسندگان معاصر قاره های مختلف جهان به طور همزمان در مجموعه «برای من خوشحال نیستی» اتفاق خوبی است که انتخاب مناسب داستانهایی، تنوع موضوعات و درونمایه داستانهایی و نیز ترجمه یکدست محمدعلی مهمان نوازان به تاثیر گذاری بیشتر این اثر کمک می کند. در واقع تقریباً همه این داستانهایی کوتاه از جمله آثار خوب نویسندگان - که همه دارای جوایز ادبی نیز هستند - محسوب می شود. این کتاب شامل داستان هایی از ریچارد بوش، ریموند کارور، راسل بنکس (آمریکا)، دینو بوتزاتی، ناتالیا گینزبورگ (ایتالیا)، هاینریش بل (آلمان)، لوتیزا والنزوتلا (آرژانتین)، اما آتا آیدو (غنا)، باراتی موکر جی (هند)، محمد رابط (مراکش) و رینالدو آرناس (کوبا) است که در ابتدای هر داستان زندگی نامه مختصر و فهرستی از آثار و جوایز ادبی این نویسندگان ضمیمه شده است.

یکی از داستانهایی شاخص و تاثیر گذار این کتاب، هفت طبقه نوشته دینو بوتزاتی است که به شیوه های هنرمندانه و در قالب یک داستان کوتاه، فضایی استعاری در رابطه با مرگ می آفریند و خواننده را به آن دعوت می کند. این داستان در مورد یک آسایشگاه هفت طبقه است که بیماران در آن بر اساس شدت بیماری به هفت دسته تقسیم می شوند و در طبقه مخصوص به درجه بیماری شان جای می گیرند. طبقه اول به بیماران سطحی اختصاص دارد و با گسترش میزان بیماری، شماره طبقات کمتر و کمتر می شود تا به طبقه اول برسد. طبقه اول، جایی است که بیماران با مرگ روبه رومی شوند و عملاً کشیش ها در کنار پزشکان فعالیت دارند و به بیماران رسیدگی می کنند. شخصیت اصلی داستان با ورود به این آسایشگاه و اطمینان از سلامت نسبی اش در طبقه هفتم مستقر می شود و با کنجکاوی عجیبی به طبقه اول، یعنی طبقه مرگ و پرده های تاریک می نگرد اما همانطور که در بی خبری از شدت بیماری و سرعت گسترش آن به سر می برد به باطن های مختلفی چون اشکال در اسکان بیماران یا تجهیزات بهتر طبقات پایین تر و روند بهبود بیماری در آنها، طبقه ها را یکی یکی پایین می رود تا با بهتی ناگهانی با مرگ روبه رو شود. اما او هنوز هم باور نمی کند که مرگ او را هم سراغ می گیرد تا زمانی که مثل همه بیماران طبقه اول، پرده اتاقش کشیده شود و چشمانش در تاریکی فرو رود. بوتزاتی بی آن که بخواهد به طور مستقیم حضور و نزدیکی مرگ را به مخاطب یادآوری کند، از فاصله این هفت طبقه با هم برای تلنگر به انسان غرق در دنیای مادی و قدرت بیحد و مرز خود بهره می گیرد. در واقع وقتی بیمار به طبقات پایین نزدیک می شود، باور ندارد که ممکن است روزی در طبقه اول جای بگیرد.

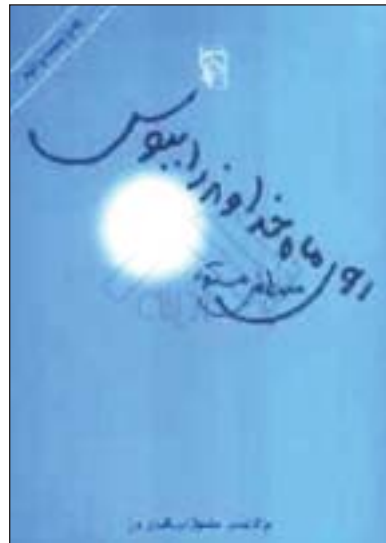
برای من خوشحال نیستی مجموعه داستانهایی کوتاه از نویسندگان معاصر جهان با ترجمه محمدعلی مهمان نوازان از سوی انتشارات کارابام است که با قیمت ۳۰۰۰ تومان به تازگی وارد بازار نشر شده است.



نخستین استاد داوری بود که ابتدا نکات مثبت پایان نامه را بر شمرد. این استاد دانشگاه تربیت مدرس پیوندی را که این گونه پایان نامه ها میان دانشگاه و مردم برقرار می کنند میمون و مبارک ارزیابی کرد: «متأسفانه دانشگاه ها به جای این که تولیدکننده باشند، مصرف کننده شده اند؛ با این حال پایان نامه مورد بحث می تواند مصداقی از برقراری ارتباط میان دانشگاه و جامعه باشد و ما باید تلاش کنیم تا برای جامعه ادبی مفید و با هنرمندان و نویسندگان معاصر در ارتباط باشیم»

او یکی از نوآوری های این پایان نامه را ابتهای آن به یک نظریه روشن دانست. علاوه بر این، نقد نویسنده ای معاصر که هنوز همه حرف هایش رانزده است به شجاعت احتیاج دارد که سروش نژاد این شجاعت پژوهشگرانه را از خود نشان داده است. قیادی درباره درونمایه و ارزش آثار مستور گفت: «مصطفی مستور آفت های داستان های مدرن را به خوبی شناخته و از آنها تبری می جوید. سارتر گفته است که نویسندگان باید ناامیدی را در درمان تزریق کنند. این همان گفتمان مدرنیستی است که بر آثار مدرن حاکم است؛ اما مستور از این دالان سیاه مدرنیسم عبور کرده و معتقد است که زندگی هدفمند است. او مخاطب خود را نیز از پوچ گرایی مدرن عبور می دهد. دکتر قیادی عدم توجه نسبت به لایه های پنهان معنایی را از ضعف های پایان نامه دانست، علاوه بر آن تخطی سروش نژاد از روش شناسی را که خود ارائه کرده است از دیگر نکات منفی پایان نامه بر شمرد.

دکتر نیک منش آخرین سخنران این جلسه تناسب نداشتن حجم فصول مختلف و تعریف های مبهم از رمزگان های پنج گانه بارت را از مواردی دانست که باید با توجه بیشتری به آنها پرداخته شود. او که به عنوان یکی از استادان داور این پایان نامه سخن می گفت، نبود یک چارچوب نظری مشخص و بحث درباره آن را مهم ترین سستی این پایان نامه دانست و این پرسش را مطرح کرد که اساساً چه سنخیتی میان آثار مستور و دیدگاه های بارت وجود دارد که شما آن را با این تراژو سنجدید؟ او در انتها به بحث نمادگرایی در آثار مستور اشاره کرد و سخنان خود را این گونه پایان داد: «نمادگرایی در آثار مصطفی مستور از چنان شدت و قدرتی برخوردار است که خود می تواند موضوع چندین تحقیق و پژوهش یا پایان نامه قرار گیرد»



ساختار شکنی و درهم تنیدگی زمان و مکان به عنوان پست مدرنیسم یاد کرد. او نویسنده نسل آینده است و اقبال رو به رشد نسبت به کتاب های مستور شاهدی بر این مدعا است. دکتر مباحثی سخنان خود را با صحنه گذاردن بر پایان نامه دقیق سروش نژاد به پایان برد و تاکید کرد که او نکاتی را از لایه لای داستان های مستور بیرون کشیده که چه بسا خود نویسنده هم چندان به این نکات توجه نداشته است. پس از سخنان دکتر مباحثی، استاد ناظر از مصطفی مستور خواست تا به ایراد سخن بپردازد. مستور در ابتدا از احساس دوگانه خود در چنین جلساتی سخن گفت.

او به شباهت این احساس با احساسی که پس از اقبال بی سابقه از نوشته هایش با آن مواجه می شود اشاره کرد و در توضیح آن گفت: گرچه آثار من داستان های سیاه و پر از ناامیدی نیست، اما نمی توان وجود نوعی تلخی و شکست را در آنها انکار کرد. بنابراین هنگامی که در چنین جلساتی حاضر می شوم از سویی به خاطر این که آثارم مورد توجه قرار می گیرند خوشحال می شوم و از سویی از این که افرادی از نوشته های تلخ من لذت می برند احساس غم آلودی را تجربه می کنم. گرچه نباید از یاد برد که در داستان های من همواره کورسوی امید و روزنه نوری در تاریکی وجود دارد. او از همه نویسندگان و دست اندرکاران حوزه فرهنگ و ادب خواست تا بر نامه های معنوی بیشتری در مورد نسل جدید تدارک ببینند. این نویسنده از بی علاقتی خود نسبت به قواعد ادبی یا آنچه که ادبیات خواننده می شود گفت و تنها هدفش از نوشتن را التیام دردهای عمیق فکری مخاطبانش دانست. مستور معتقد است که این احساس التیام در نتیجه ایجاد ارتباط و بیان یک تجربه مشترک پدید می آید. او تلاش سروش نژاد را حرکتی در جهت تاویل آثارش خواند و ابراز کرد که نمی توان در مورد چنین تلاشی قضاوت کرد و آن را درست یا نادرست دانست و اساساً در اینجا درست و نادرست معنی ندارد، تنها باید گفت یک تاویل جدید صورت گرفته است. خانم دکتر فاضلی چهارمین سخنران این برنامه ضمن تجلیل از مستور به خاطر آثار ارزنده اش، نگاه او نسبت به زن را ستایش کرد و در ادامه از سروش نژاد به خاطر پایان نامه دقیق و مفصلش تشکر کرد و فرصت را به استادان داور سپرد تا آرای منتقدانه خود را نسبت به اثر مذکور بیان کنند. دکتر قیادیان



ادامه از صفحه اول

سروش نژاد پس از اشاره به نگاه مصطفی مستور به جهان داستان نوع روایت او را مورد تحلیل قرار داد. مصطفی مستور به دلیل ارزش زیادی که برای خواننده قائل است در جملات آغازین، خواننده را به درون داستان می برد و گره داستان در همه آثار وی در ابتدا گشوده می شود و تنها رمان «روی ماه خداوند را ببوس» با استفاده از تکنیک پایان باز به انتها می رسد و نتیجه گیری آن به خواننده واگذار می شود. صحنه ها در داستان های وی به صورت مجزا از سایر بخش های داستان پرداخت نمی شوند بلکه به موازات پیشرفت و روایت داستان گسترش می یابند، در واقع صحنه ها در داستان های او تنها بازگو کننده موقعیت زمانی و مکانی نیستند، بلکه به عنوان عنصری از داستان به فهم بهتر درونمایه کمک می کند. این دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی ویژگی های سبکی آثار مستور را به سه بخش کلی تقسیم کرد: سطح زبانی، سطحی ادبی و سطح اندیشگی. و با توضیح این ویژگی های سبکی روش تحقیق خود را شرح داد. او در این پژوهش ۳۲ داستان کوتاه از چهار مجموعه و دو رمان از آثار مستور مورد تحلیل ساختاری قرار داده است که طی آن پس از برشمردن عناصر داستانی هر اثر، با الهام از نظریه بارت، پنج رمزگان کنش، تفسیری، فرهنگی، معنایی و نمادین در هر داستان را بررسی کرده است. پس از سخنان سروش نژاد، دکتر مباحثی ریاست دانشگاه الزهرا و استاد راهنمای پایان نامه مذکور بحث را ادامه داد.

این استاد دانشگاه حضور مصطفی مستور را در جلسه دفاعی ای که مربوط به اوست، فرصتی مغتنم ارزیابی کرد و گفت: «شاید کمتر جلسه دفاعی ای در دانشکده ادبیات دانشگاه الزهرا برگزار شده که نویسنده ای که آثارش مورد پژوهش پایان نامه بوده است در جلسه دفاعی حضور داشته باشد. او نوشته شدن این پایان نامه را بدون صرف وقت بسیار و همت عالی خانم سروش نژاد غیر ممکن دانست و در مورد داستان های مصطفی مستور گفت: «مستور نگاه تازه ای نسبت به جهان عرضه کرده است. او اندیشه عمیق فلسفی خود را با تکنیک های جدید داستان نویسی عرضه می دارد و دیدگاه های جدیدی را نسبت به مذهب، زن و... بیان کرده. بیان مستور بیانی موجز و تصویری است که قالب شکنی در آن آشکار است و شناسایی بتوان از این



سایر محمدی

«الافاده فی تاریخ الاثمه...» تالیف ابوطالب یحیی بن حسین هارونی متوفی در سال ۴۲۴ هجری قمری سومین رساله از مجموعه رسائلی است که نشر میراث مکتوب به تازگی چاپ و منتشر کرده است. این رساله که با برگردان محمدکاظم رحمتی به بازار آمده، یکی از آثار کهن در تاریخ نگاری زیدیه، خاصه زیدیه ایران است. کتاب حاضر در حقیقت سومین اثر در سنت تاریخ نگاری زیدیه است و اطلاعات مندرج در آن برای شناخت تاریخ زیدیه و علویان طبرستان از اهمیت فراوانی برخوردار است. محمدکاظم رحمتی مترجم این اثر متولد ۱۳۵۵ قم و دانشجوی دوره دکتری در رشته تاریخ دانشگاه تربیت مدرس است. وی پیش از این، کتاب های «قرقه های اسلامی در ایران سده های میانه» و «مقالاتی در تاریخ تشیع و زیدیه» را تالیف و به بازار عرضه کرده است. محمدکاظم رحمتی «تفسیر کرامی» از قرن پنجم هجری را در دست تصحیح و آماده سازی دارد تا در آینده ای نزدیک چاپ و منتشر کند.

با محمدکاظم رحمتی درباره برگردان «الافاده فی تاریخ الاثمه»

میراث زیدیه

عالمان زیدیه است یا کسانی که قیام کرده اند اما در سنت زیدیه امام شناخته نمی شوند. شیوه پژوهش به این گونه است که براساس طبقه بندی های نسلی که اصطلاحاً به آن طبقات نگاری می گویند شاخص هایی را در نظر می گیرند و بعد قرن به قرن یا هر پنجاه سال به پنجاه سال به آن طبقات نگاری می گویند.

کتابی که با عنوان «تفسیر کرامی» در دست چاپ دارید، دارای چه ویژگی هایی است و چرا تا به حال منتشر نشده است؟

قرقه کرامی که یکی از گروه های حنفی فعال در منطقه خراسان بزرگ هستند که از قرن سوم تا هفتم - هشتم حضور فرهنگی فعال و تاثیر گذاری داشتند و نقش مهم آنها در گسترش اسلام در برخی مناطق روستایی خراسان غیر قابل انکار است.

تفسیر کرامی یکی از مهم ترین تفاسیر و متون حوزه علوم قرآنی است که تقریباً تمام دانشجویان علوم قرآنی با آن سروکار دارند. این متن بسیار مهم تمام مباحثی را که در حوزه تفسیر علوم قرآنی مطرح می شود در خود جای داده است و بخشی از این اثر که مقدمه این تفسیر شناخته می شود قبلاً توسط آرتور جفری چاپ شده است اما تا به حال به صورت کامل چاپ و منتشر نشده است.

شما که حاشیه و تعلیقه بر این اثر نوشته اید، چرا متن اصلی را به فارسی ترجمه نکردید، تا مخاطبان بیشتری به این اثر رجوع کنند؟

تا اینجا کار به دست ما انجام شده اما امیدوارم دوستان دیگری لطف کنند و متن اصلی این اثر را به فارسی برگردانند. ترجمه متن اصلی این اثر نیاز به فرصت و فراغت بیشتری دارد و از آن جا که این متن، یک متن پایه است به نظر می رسد عرضه این آثار به جامعه در اولویت باشد. متن اصلی وقتی در اختیار جامعه باشد ترجمه آن می تواند به وسیله هر کسی صورت بگیرد. البته ترجمه این اثر هم می تواند برای عموم علاقه مندان مفید باشد و هم می تواند به عنوان متن کمک درسی برای دانشجویان رشته تاریخ و الهیات مورد استفاده قرار گیرد.

آیا حاشیه نگاری این کتاب بیشتر از متن کاربرده است؟

به نظر من حاشیه این کتاب آنقدر زیاد نیست که حجم آن بیشتر از متن اصلی شده باشد. برای این که نشان بدهم کارم با دیگران چه تفاوت هایی دارد آن تعلیقه ها را نوشتم و آن توضیحات را آوردم. در حواشی هم متعرض نکاتی شدم که برای خواننده مفید است و می تواند او را راهنمایی کند تا تصویری کامل تر و چشم اندازی روشن تر از جریانات مذهبی در ایران آن عصر داشته باشد.

علاقه شما به تحقیق درباره قرقه زیدیه از کجا نشئت گرفته است؟

دلیل این که من درباره قرقه زیدیه تحقیق می کنم شاید این باشد که درباره زیدیه کار زیادی صورت نگرفته است و این موضوع برای تحقیق و پژوهش موضوعی بکر و بدیع است. طبیعتاً هر محقق علاقه دارد برای تحقیقاتش موضوعی را انتخاب کند که بکر و بدیع باشد. جذابیت های خاصی که در این حوزه وجود دارد هر علاقه مندی را به این حوزه می کشاند.

چون از آن آثار استنساخ صورت نمی گرفت، نسخه پردازی نمی کردند. در حال حاضر هم بخش عمده ای از میراث مکتوب زیدیه ایران در کتابخانه های یمن، ایتالیا و آلمان نگهداری می شود. **شما «الافاده فی تاریخ الاثمه...» را سومین اثر در سنت تاریخ نگاری زیدیه معرفی کرده اید. دو اثر دیگر کدامند؟**

یکی کتاب المصباح است که ابوالعباس حسنی آن را نوشته و در ایران چاپ و منتشر کرده است. کتاب بعدی تکمله است که یکی از شاگردان ابوالعباس حسنی به نام علی بن بلال املی تالیف کرده است. در میان زیدیه ایران و یمن، سنت تک نگاری آثار در معرفی سیره امامان به رسمیت شناخته شده زیدیه با نگارش اثری با عنوان «سیره الهادی الی الحق» شروع شد و بعدها با نگارش آثار دیگر به وسیله دیگر مورخان زیدیه، تداوم پیدا کرد. کتاب المصباح ابتدا با شرح حال پیامبر (ص) آغاز می شود. حسنی در این اثر شرح حال علی بن ابی طالب (ع) را ذکر کرده است. از طرفی آثار فراوانی که به صورت تک نگاری در باب دوران پنج ساله حکومت حضرت علی (ع) به ویژه از سوی مورخان عراقی تالیف شده بود منبع خوبی برای حسنی در تالیف این بخش از کتاب به شمار می رود. سومین اثر در سنت تاریخ نگاری زیدیه همین کتاب الافاده فی تاریخ... است که من آن را تصحیح و با شرح و تعلیقه منتشر کردم. البته متن دیگری هم هست که در همان مقطع نوشته شده به نام اخبار فخر از احمد بن سهل رازی که متن آن به صورت کامل باقی مانده است.

اطلاعاتی که این کتاب در شناخت تاریخ زیدیه و علویان طبرستان می دهد چه امتیازاتی نسبت به آثار دیگر دارد؟

بخش عمده ای از اهمیت ویژه این کتاب به خاطر شرح حال ناصر اطروش و ابوالعباس داعی دو پیشوای زیدیه است که مولفان در آثار قبلی توجه کمتری به آنها نشان دادند.

کتاب الافاده فی تاریخ... در میان دیگر آثار هارونی از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است؟

این کتاب در سنت تاریخ نگاری یا به صورت دقیق تر در سیره نگاری کتاب معتبر و مهمی است. هارونی در سنت تاریخ نگاری زیدیه، علاوه بر این که یک مورخ محسوب می شود یک ققیه برجسته نیز به حساب می آید که آثارش در فقه زیدیه و تحول آن از قرن ششم به بعد نقش تعیین کننده ای داشت.

شما این کتاب را براساس کدام نسخه تصحیح کرده اید و چند نسخه خطی از آن در اختیار داشتید؟

از کتاب الافاده فی تاریخ... نسخه های خطی متعددی فهرست شده که من در تصحیح کتاب حاضر از دو نسخه استفاده کرده ام. نسخه اساس تصحیح حاضر یک کپی از نسخه ای به شماره ۱۱۵۹ در کتابخانه واتیکان بود که تصویری از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است.

موضوع طبقات نگاری چیست که به عنوان سنتی نو در تاریخ نگاری زیدیه مطرح شده است؟

در میان زیدیه می توان دو شیوه تاریخ نگاری را دید؛ یک بخش تاریخ نگاری درباره پیشوایان زیدیه است که قیام کرده اند و یک بخش هم شرح حال



بود به تحصیل علوم دینی مشغول شد. او بعدها به همراه برادرش نزد ابوالعباس حسنی که باعث تغییر عقیده آنها از امامیه به زیدیه شده بود علوم دینی را آموخت. البته هارونی علم کلام را نزد ابوعبدالله بصری یکی از مشایخ نامدار معتزله بغداد یاد گرفت. او آثار مهم دیگری هم در علم کلام و فقه زیدیه تالیف کرده است و تاثیر زیادی بر سنت کلامی و فقهی زیدیه گذاشت.

آیا زیدیه امروز در ایران پیروانی دارند؟

نه، زیدیه امروز در جامعه ایران هیچ گونه پیروانی ندارند و تنها از این جهت که بخشی از هویت تاریخی و سنت فرهنگی ما را تشکیل می دهند اهمیت دارند. در مناطق شمالی ایران هم آرامگاه های متعددی وجود دارد که متعلق به عالمان و امامان زیدیه است. زیدیه به خاطر این که بخشی از میراث فکری و فرهنگی ما را در خود دارد هنوز نزد ما از اهمیت پژوهشی ویژه ای برخوردار است.

زیدیه که در شمال ایران زندگی می کردند، چطور آثار مکتوب خود را به زبان عربی می نوشتند و همین رساله الافاده فی تاریخ... به زبان فارسی نیست؟

به خاطر این که آثار علمی و تحقیقاتی غالباً به زبان عربی نوشته می شد. مخاطبان این آثار هم عموم مردم نبودند و این آثار اغلب برای عالمان و اقشار فرهیخته جامعه تالیف می شد. به همین دلیل آثاری از این دست به عربی نوشته شده اند.

آیا درباره زیدیه و رویدادهای آن مقطع متنی به زبان فارسی تالیف نشده و هیچ مورخ فارس زبانی در میان زیدیه وجود نداشته است؟

مسلمای بوده. متن های زیادی به زبان فارسی وجود دارد. میراث عمده زیدیه ایران در قرن پنجم و ششم به تدریج به یمن منتقل شد اما به خاطر وضعیت آب و هوایی که در مناطق شمالی ایران وجود داشت نسخه های فارسی این آثار در آنجا از بین رفت تا این که در دوره صفویه که حکام گیلان زیدی مذهب بودند و تغییر مذهب دادند و دوازده امامی شدند، آن تک نسخه هایی هم که وجود داشت از بین رفت و

آقای رحمتی، با چه هدف و انگیزه ای به سراغ کتاب الافاده فی تاریخ الاثمه... رفته اید؟

به دنبال پژوهش ها و تحقیقات تاریخ کلامی که از قرن های اول و دوم هجری داشتیم در میان قرقه های مختلف اسلامی قرقه زیدیه توجه مرا بیش از سایر فرق به خودش جلب کرد و در پی آن برآمدم که متن هایی را که در مورد علویان طبرستان و جزو آثار نایاب جامعه ماست و در دسترس علاقه مندان و پژوهشگران قرار ندارد تصحیح و منتشر کنم. در جریان همین مطالعات به این رساله برخوردیم. از طرفی نسخه های خطی خوب و معتبری از آن هم در کتابخانه های قم وجود داشت که کپی این نسخه ها را هم تهیه کردم و پس از آن کار تصحیح و تعلیقه این رساله را شروع کردم. در واقع بیشتر به بخش های تاریخ طبرستان و مازندران علاقه مند بودم که اطلاعات کسب کنم و به شناخت عمیق تری برسم، چون به نظر من بزرگترین مشکل محققان و پژوهشگران مادر زمینه ارزیابی حوادث و رویدادهای تاریخی، کمبود منابع است.

این کتاب گویا در شناخت زیدیه، به ویژه زیدیه طبرستان، از جمله قدیمی ترین منابع محسوب می شود.

یکی از قرقه های کلامی - فقهی قرن دوم به بعد، زیدیه است که نزدیکی ها و تشابهات زیادی به اصول عقاید شیعه دارد و در دوران گذشته روابط فرهنگی خوبی با یکدیگر داشتند. چون یکی از جریان های دینی بسیار مهم در عراق قرن سوم هجری به بعد محسوب می شدند. قرقه زیدیه منسوب به زید بن علی بن الحسین (ع) هستند و بیشتر در عراق فعالیت داشتند اما از قرن دوم هجری به بعد به دلیل فشارهای سیاسی حاکم به خاطر مواضع عقیدتی و فکری شان آرام آرام به مناطق دوردست پناه بردند که از دسترس خلافت عباسی به دور باشند. به همین دلیل به مناطقی مثل یمن یا مناطق شمالی ایران که خارج از سیطره خلافت عباسیان قرار داشت مهاجرت کردند.

گویا مادلونگ هم درباره زیدیه تحقیقاتی انجام داده بود؟

مادلونگ بخش هایی از رساله های هارونی را چاپ کرده بود. او وقتی مجموعه ای از این رساله ها را گرد آورد، در بیروت یک موسسه پژوهشی وابسته به دولت آلمان این مجموعه را در سال ۱۹۸۷ میلادی چاپ و منتشر کرد. البته این مجموعه چاپ شده و به ایران هم آمده است اما چون متن این رساله ها به شکل گزینشی چاپ شده و مادلونگ توضیح و تعلیقه ای بر این رساله ها نوشت و تنها به تصحیح رساله ها اکتفا کرد، بنابراین کاربرد چندانی برای امثال من نداشت. البته مادلونگ قبلاً بخش هایی از این رساله ها را به صورت پژوهشی طی مقالاتی در یک مجله اسلام شناسی چاپ کرده بود. کاری که من در این کتاب برای این رساله کردم، این بود که با دادن توضیحات مفصل و تعلیقات بسیار، ابهامات متن را برای خواننده ایرانی روشن کردم.

هارونی غیر از این رساله که شما تصحیح و منتشر کرده اید، آثار دیگری هم دارد؟

ابوطالب یحیی بن حسین هارونی در سال ۳۴۰ قمری به دنیا آمد و نزد پدرش که یکی از علمای امامیه



افشین نادری از پژوهش‌های مردم‌شناسی خود در «شوقات» می‌گوید

افسانه‌های شب چله

به گمان من طبیعت منطقه خصوصاً سرمای زمستان نقشی اساسی در این زمینه دارد، به عنوان مثال منطقه کمیجان منطقه‌ای کوهستانی و بسیار سرد است و در گذشته‌های نه چندان دور مردم آنجا دسترسی خوبی به شهرها نداشته‌اند و هنگامی که جاده‌ها در زمستان پر از برف می‌شد افراد مجبور بودند در خانه بمانند و لحظه‌هایشان را با نقل و شنیدن قصه‌ها و متل‌ها بگذرانند. یکی از شناسان‌های بزرگ من و سعید موحدی همین بود که درست در فصل زمستان راهی آن منطقه شدیم، یعنی فصل قصه و متل.

همکاری مردم منطقه با پژوهشگران در ارائه دانسته‌هایشان خوب بود؟

بسیار عالی بود. اصولاً این منطقه دارای مردمی هوشمند و آینده‌نگر است و شاید به همین دلیل باشد که یک پژوهشگر می‌تواند صورت‌های صحیح روایی را در آنجا پیدا کند و همان‌طور که گفتید شما به راحتی می‌توانید شکل شفاهی آثار مکتوبی چون هزار و یک شب را به راحتی از زبان مردم بشنوید.

کمی درباره زبان راجی توضیح دهید و این که اصولاً این زبان از چه تاریخی در میان مردم رواج پیدا کرده است.

این سوال باید از یک زبان‌شناس پرسیده شود اما واقعیت این است که به هر حال این زبان با تمام زیبایی‌هایش در حال از بین رفتن است و مرحوم موحدی به عنوان یک گردآورنده بی‌نظیر متوجه این خطر شده بود.

ظاهراً سعید موحدی شیوه‌ای خاص را در پژوهشگری دنبال می‌کرده که به شدت موفق بوده. شما به عنوان همکار نزدیک ایشان این موفقیت را در چه عواملی می‌بینید؟

گردآوری خوب ویژگی‌هایی دارد و گردآورنده خوب کسی است که آن ویژگی‌ها را درک و دریافت کند. یکی از رازهای موفقیت موحدی این بود که به راحتی با افراد ارتباط برقرار می‌کرد و بسیار خودمانی و فروتن بود؛ پژوهشگری که متأسفانه نه پژوهشگره مردم‌شناسی قدرش را دانست و نه دیگران. به گمان من پژوهشگره باید از قابلیت‌های بالای این پژوهشگر نهایت استفاده را می‌کرد که نکرد. همان‌گونه که می‌دانید گردآوری فرهنگ فولکلور کاری است که به مخارج بالا احتیاج دارد و ایشان همیشه از این بابت گلایه داشت.



است؛ زبانی که متأسفانه در حال از بین رفتن است اما اغلب مردم هنوز هم ریشه‌هایی از آن را در گویش‌های روزمره حفظ کرده‌اند.

در این کتاب خواننده با قصه‌هایی از روستایی به نام کِهک مواجه می‌شود که ظاهراً شما علاقه خاصی به آن دارید. کمی درباره این روستا و فرهنگ مردمش بگویید.

یکی از ویژگی‌های روستای کِهک این است که پژوهشگر برخلاف مناطق دیگر مجبور نیست به دنبال قصه و متل برود زیرا این گونه از ادبیات شفاهی در میان مردم موج می‌زند، از طرف دیگر متل‌ها و قصه‌های این روستا به لحاظ گویشی دارای ضرباهنگی موزون و ماجراهایی زنجیروار است به گونه‌ای که شنونده ناخودآگاه به یاد آثاری بزرگ چون هزار و یکشب می‌افتد.

یعنی مردم همه قصه و متل‌ها را به شکل سینه‌به‌سینه حفظ کرده‌اند؟

بله، شما در کِهک کمتر فرد مسنی را می‌بینید که حداقل پنجاه متل و قصه را در حافظه‌اش نداشته باشد. به هر حال این روستا به جهت صورت‌های مختلف ادبیات شفاهی بسیار غنی است.

به نظر شما دلیل بکر بودن ادبیات شفاهی در منطقه ریشه در چه عواملی دارد؟

قرار بگیرد شوقات نامیده می‌شود و ما به این فکر افتادیم که شوقات بهترین نام برای کتاب است.

ظاهراً سال‌ها پیش یک کتاب غیر پژوهشی با همین نام منتشر شده.

بله، این کتاب در سال ۱۳۴۱ منتشر شده و نویسنده آن هم ابراهیم سابقی است. این رمان سرشار از گویش‌های اراکی است و از سوی خود مولف منتشر شده است.

انگیزه اولیه جمع‌آوری قصه‌های کتاب شوقات از کجا نشئت گرفته است؟

واقعیتش این است که این پروژه پیشنهاد مرکز مردم‌شناسی بود و من و سعید فقط قرار شد آن را انجام بدهیم اما شناخت قبلی سعید سرعت کار را چندبرابر کرد.

از حال و هوای کتاب معلوم می‌شود که شما با علاقه زیادی این کار را انجام داده‌اید. به نظر شما این مسئله با بکر بودن منطقه ارتباط دارد؟

دقیقاً همین‌طور است، منطقه مرکزی به لحاظ حرکت‌های پژوهشی، بسیار خاص است و برای فعالیت پژوهشی بی‌نظیر است. در شهرهایی چون اراک، شازند، خمین و محلات تنوع زبانی و فرهنگی بسیار حیرت‌آور است. در این مناطق به جز زبان فارسی و ترکی، زبانی داریم که به «راجی» معروف

افشین نادری متولد ۱۳۴۹ و کارشناس میراث فرهنگی است. کتاب شوقات به عنوان یکی از آثار قابل توجه جمع‌آوری قصه‌ها و متل‌های شفاهی، کاری است که از سوی مرحوم سعید موحدی و افشین نادری به چاپ رسیده است. از آثار دیگر نادری می‌توان به کتاب‌هایی چون «نمونه‌هایی از قصه‌های مردم ایران»، «افسانه‌هایی از شمال ایران» و «قصه و بازی برای رشد تاب‌آوری در کودکان» اشاره کرد.

ظاهراً شما به همراه مرحوم سعید موحدی تالیف کتاب شوقات را شروع کرده‌اید. کمی درباره نقش مرحوم موحدی در این کار بگویید.

نقش سعید موحدی در این کار نقش اول بود، یعنی این که جرقه اولیه از سوی او زده شد و من به عنوان همکار، ایشان را همراهی کردم. شوقات در اصل پژوهشی بود که به عهده سعید گذاشته شده بود و ما کارمان را از زمستان ۱۳۷۸ شروع کردیم. در این کتاب چندین قصه عامیانه به چاپ رسیده اما به نظر می‌رسد وسعت پژوهش شما بیش از این حجم باشد.

بله، درست است. ما در طول اقامت در منطقه بیش از یکصد قصه را از چهار شهرستان آشتیان، تفرش، شازند و فراهان تهیه کردیم و به پژوهشگره مردم‌شناسی ارائه کردیم اما فقط تعدادی از آنها در کتاب به چاپ رسیده‌اند.

مرحوم موحدی ظاهراً سال‌ها پیش از این سفارش، مشغول جمع‌آوری قصه‌های منطقه بوده‌است.

سعید موحدی بیش از چهل و پنج نوار کاست یک ساعت و نیمه در این باره ضبط کرده بود و می‌توان گفت که تسلط او در شناخت منطقه و فرهنگ مردم بی‌نظیر بود.

قصه‌هایی که در شوقات آمده به شکل سنتی ارائه شده یا دخل و تصرفی در آنها انجام گرفته؟

دخل و تصرف انجام نشده اما ما سعی کرده بودیم که لحن شفاهی قصه‌ها زیاد مشهود نباشد یعنی به نوعی سالم‌سازی متن دست زده بودیم. البته این کار پیشنهاد سعید موحدی بود زیرا به اعتقاد او لحن شفاهی در متن مکتوب نمی‌تواند آن‌گونه که باید و شاید مخاطب را جذب کند.

شوقات یعنی چه؟

در منطقه مرکزی به خصوص در شهرهایی چون آشتیان و فراهان آنچه در چارچوب متل و قصه

قصه‌های سردسیر

و متل‌ها به پژوهشگران باعث شده است این مناطق به صورت خودجوش به داشته‌های فرهنگی پیشینیان خود احترام بگذارند.

یکی از کتاب‌های پژوهشی که نشان‌دهنده عمق اصالت اهالی از استان مرکزی است، کتابی با عنوان «شوقات است» که به همت مرحوم سعید موحدی و افشین نادری گردآوری شده است. این کتاب که یکی از منابع مفید در حوزه پژوهش است از چند زاویه قابل مطالعه است. موحدی و نادری در این کتاب علاوه بر ارائه نمونه‌هایی از قصه‌های استان مرکزی، دریچه‌ای نو برای شناخت هر چه بیشتر این منطقه از شورمان گشوده‌اند؛ مسئله‌ای که

شهرهای آن می‌توان به خمین، ساوه، محلات، دلپجان، تفرش، شازند و آشتیان اشاره کرد.

نکته قابل توجه در مورد استان مرکزی رواج زبانی به نام «راجی» است که نشانه‌هایی از آن در بخش‌های از این استان مانند دلپجان، محلات، نراق و... دیده می‌شود. زبان‌شناسان معتقدند که این زبان ریشه در دستور و واژگان دوره مادها دارد.

تلاش مردم روستاها و شهرهای استان مرکزی برای حراست از این زبان کهن و همکاری قابل توجه آنان در ارائه دانسته‌های خود در مورد قصه‌ها

استان مرکزی را می‌توان به لحاظ تنوع فرهنگی و زبانی و حفظ ارزش‌های شفاهی یکی از استان‌های پیشرو دانست؛ استانی که در همه نقاطش سویه‌ای منحصر به فرد در مسئله زبان و به دنبال آن قصه و متل قابل مشاهده است.

این استان تقریباً در مرکز ایران قرار دارد. از شمال به استان‌های تهران و قزوین، از غرب به استان همدان، از جنوب به استان‌های لرستان و اصفهان و از شرق به استان‌های تهران، قم و اصفهان محدود شده و حدود ۷/۸۲ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵ استان مرکزی دارای هشت شهرستان، پانزده بخش، نوزده شهر، شصت دهستان و ۳۹۴ آبادی دارای سکنه و چهل و شش آبادی خالی از سکنه است. مرکز این استان شهر اراک است و از مهم‌ترین

ای کاش روز به روز دامنه‌های گسترده‌تری به خود بگیرد و سرمشقی برای دیگر پژوهشگران باشد. مناطقی که این دو پژوهشگر برای فعالیت خود انتخاب کرده‌اند به لحاظ جغرافیایی در زمره مناطق سرد محسوب می‌شود و پژوهش میدانی در این مناطق کاری است که انگیزه و آینده‌نگری فراوانی را طلب می‌کند.

این کتاب در مرحله نخست حاصل تلاش‌های مرحوم سعید موحدی است که به عنوان یکی از کارشناسان مسائل میراث فرهنگی دست به تالیف و پژوهش در این حوزه زده است.

ای کاش این کتاب در چاپ نخست خود با برخورد جدی‌تری از سوی ناشر مواجه می‌شد اما ابعاد گسترده آن به گونه‌ای است که هنوز هم می‌توان گرد مظلومیت را از چهره‌اش پاک کرد و به عنوان اثری در خور به علاقه‌مندان عرضه کرد.



نفسه آذرخش

با حسن زنده دل و «راهنمای دریاچه های ایران»

نشانی دریاچه های ایران

آیا کار عکاسی کتاب هم به عهده خودتان بوده است؟

خیر. عکس ها از آرشیو انتشارات که به وسیله ۱۵ عکاس حرفه ای انتشارات تهیه شده اند گزینش شده اند.

چرا با این که نام کتاب «راهنمای دریاچه های ایران» است تقریباً به همان اندازه که به دریاچه ها پرداخته اید به آبشارها هم پرداخته اید؟

قبول دارم که به کتاب نقدهایی وارد است و می توانستیم به آبشارها به طور جداگانه پردازیم اما با توجه به نزدیکی موضوع آبشارها و دریاچه ها، این دو پدیده طبیعی در کنار هم ذکر شده اند.

آبشارهای ایران برخلاف تصور همگان، فراوان، جذاب و دیدنی هستند و برخی از آنها مثل مارگون و بیشه شهرت جهانی دارند. آبشارها پدیده های جذابی هستند که دسترسی به سرچشمه آنها همیشه سخت بوده است.

در بیشتر کشورهای پیشرفته برای دیدن منظره آبشارها، سکوهای ویژه ای احداث شده که به نقطه دید معروفند و در برخی از کنون های ظهور و جریان آنها علاوه بر نقطه دید اردوگاه های و استراحت هم احداث شده و به تاسیسات مورد نیاز گردشگران تجهیز شده اند اما کمترین کاری که می توانستیم بکنیم معرفی آنها در کتابی کوچک بوده است.

چرا در مورد برخی از دریاچه ها مثل ارومیه توضیحاتی کامل و جامع در حد نام های باستانی ارائه شده، اما در مورد برخی دیگر تنها به گفتن نام، طول و عرض جغرافیایی، محل قرارگیری و حجم آن بسنده کرده اید؟

دریاچه ها به لحاظ موقعیت طبیعی، اکوسیستم و نوع سواحل به مراکز تفرجگاهی و گردشگری درجه بندی می شوند. مثلاً مرداب انزلی مرکز اصلی تخم ریزی ماهیان دریای مازندران و گیلان است و از سوی دیگر با طبیعت منحصر به فرد خود دارای ارزش های گردشگری و طبیعت گردی است و توقفگاه پرندگان مهاجر هم به حساب می آید. ده ها دریاچه کوچک و بزرگ در تمام کشور پراکنده اند که هر کدام پتانسیل های خاصی دارند و از طرف دیگر بیشتر دریاچه ها به عنوان مناطق حساس در قلمرو مناطق حفاظت شده قرار گرفته اند و اسناد بهره برداری گردشگری از فضای آنها هنوز به تصویب نهایی سازمان های مربوطه نرسیده به همین خاطر پرداختن به آنها واقعا سخت است.



و مناسب قرار نگرفته اند. با این همه امیدوارم با توجه به اهمیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منابع اکوتوریستی از جمله دریاچه ها و آبشارها با سرعتی هرچه سریع تر به قطب های گردشگری مناسب تبدیل شوند تا طبیعت گردان و گردشگران ضمن بهره گیری از مواهب آنها، حفاظت و مراقبت از آنها را نیز با کسب آموزش سرلوحه اقدامات خود قرار دهند و مردم محلی همجوار هم از آنها منتفع شوند، چون به اعتقاد من اگر از آنچه دارند استفاده شایسته به عمل نیاورند، مثل این است که آن را نداشته اند.

ویژگی این کتاب از نگاه شما چیست؟

دریاچه ها و آبشارها بخش مهمی از ثروت طبیعی هر ناحیه و کشور هستند و از این جهت که کمتر به دریاچه ها پرداخته شده است، این کتاب با توجه به قطع مناسب، عکس ها و به این دلیل که به طور جداگانه در هر استان به بررسی وضعیت دریاچه ها پرداخته با دیگر کتاب هایی که عمدتاً به شکل دایره المعارف به موضوع دریاچه ها پرداخته اند، تفاوت دارد. ضمناً در این کتاب به تالاب ها، مرداب ها و دریاچه های پشت سدها هم اشاره شده که در دیگر کتاب ها معمولاً موجود نیست.

ضمن صحبت هایتان به عکس های موجود در کتاب اشاره کردید که از جذابیت های کتاب است.

بله، نشر ایرانگردان با هدف آشنایی هموطنان با ایران و آشنایی اهالی داخلی و خارجی گردشگری اقدام به انتشار کتابی در زمینه ایرانگردی می کند و کتاب «راهنمای دریاچه های ایران» چهارمین کتاب از این مجموعه است و پیش از این «راهنمای قلعه های ایران»، «راهنمای غارهای ایران» و «مراسم اقوام ایرانی» به چاپ رسیده است، البته بعد از «راهنمای دریاچه ها» هم کتابی با عنوان «آب درمانی» تألیف شده است.

منابع کتاب را چگونه جمع آوری می کنید؟

منابع این کتاب عمدتاً با همکاری دستیارانم از تحقیقات کتابخانه ای جمع آوری شده اند و بخشی هم شامل یادداشت های من از سفر به نقاط مختلف و بازدید از دریاچه ها و آبشارها بوده است.

به نظر می رسد تدوین و تألیف این کتاب به ظاهر کم حجم خیلی طول کشیده است؟

بله چون همراه با مجموعه «راهنمای توریسم» و همزمان با آنها انجام شده مدت زمان طولانی ای برای تألیف آن صرف شد.

تألیف این گونه کتاب ها چه تاثیری بر مسائل مربوط به صنعت گردشگری دارد؟

دریاچه ها و آبشارهای کشور که بخش مهمی از آنها در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته اند، گرچه دارای مطالعات مهندسی هستند، اما متأسفانه به علت فقدان تجهیزات لازم، مورد بهره برداری سازمان یافته

دریاچه ارومیه در کتب پهلوی باستانی «چی چست»، در شاهنامه «خنجست»، در نزهة القلوب «دریای شور» و در آثار به جای مانده از آشوری ها و مادها «دریما» به معنای دریا در افول خورشید خوانده شده است. این دریاچه در اولین دوره از دوران سوم زمین شناسی تشکیل شده و وسعت آن در زمان خشکسالی ۴۰۰۰ و در مواقع آبسالی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع است. آب این دریاچه بی نهایت شور و میزان نمک محلول آن دو برابر اقیانوس هاست. از این رو هیچ ماهی و نرم تنی به جز گونه ای از سخت پوستان و هیچ رستی ای به جز جلبک های کبود «سیانوفه» در آن زندگی نمی کنند و به همین سبب آب آن هیچ وقت یخ نمی زند. آب دریاچه ارومیه از قدیم الایام به علت املاحش مورد توجه اطباء و بیماران امراض جلدی بوده و پزشکان استفاده از لجن آن را به بیماران خود توصیه می کردند و گل های طبی آن برای درمان درد مفاصل، رماتیسم، عفونت و... استفاده می شده است. پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس بیمارستان صلیب سرخ در تهران شعبه ای جهت معالجه بیماران با گل دریاچه «چی چست» تأسیس شده بود و اتاقک های کوچکی با درجه حرارت معین در بیمارستان وجود داشت که هر ساله گل دریاچه را در ظروف سر بسته به بیمارستان حمل می کردند و در این اتاقک ها به دستور پزشک، اعضای بدن بیمار را گل اندود می کردند. نکته جالب دیگر این که دریاچه «چی چست» ۱۲۰ جزیره کوچک و بزرگ با صخره های سنگی بدون سکنه دارد، به جز یک جزیره که محل تخم ریزی پرندگان مهاجر و آبی است. اتفاق خوبی که در حوزه ایران شناسی رخ داده، تألیف و انتشار کتابی در زمینه طبیعت ایران است که به همت محققان و اهالی باذوق حوزه ایران شناسی جمع آوری شده اند. چندی پیش در همین صفحه به شرح کتاب آبشارهای ایران نوشته مهندس مجید اسکندری پرداختیم و این بار گفت و گوی کوتاهی با حسن زنده دل مولف کتاب «راهنمای دریاچه های ایران» انجام داده ایم که حاصل آن را می خوانید.

آقای زنده دل! با توجه به این که شما مدیر مسئول انتشارات ایرانگردان و جهانگردان هستید، قطعاً هدف خاصی را از انتشار کتب ایران شناسی دنبال می کنید...

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب «اقتصاد و سلامت»

حرف های تازه در اقتصاد سلامت



مهمستی خیری؛ هر چند سلامتی انسان نقشی اساسی در جامعه ایفا می کند و از دیرباز مورد توجه بوده اما در سال های اخیر توجه متخصصان و کارشناسان سایر علوم نیز به حوزه سلامت به گونه ای تخصصی یا عبارتی فوق تخصصی درآمده است. نه تنها ارتباط علوم پایه و فنی و مهندسی بلکه ارتباط گرایش هایی از شاخه های علوم انسانی مثل اقتصاد هم در حوزه سلامت به شدت قوت گرفته و تحقیقات موثری در این علوم میان رشته ای در دست انجام است. یکی از این موضوعات کاربردی اصول علم اقتصاد، مقوله سلامتی

مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و مدیران اجرایی نظام سلامت هستند - را با مفاهیم پایه ای اقتصاد سلامت آشنا کرده و آنها را در میان این گروه اشاعه دهد. افرادی که با مسائل اقتصادی و مدیریتی نظام سلامت درگیر هستند می توانند در سه فصل این کتاب با قلمرو دامنه سلامت در اقتصاد و بازار مراقبت های بهداشتی درمانی آشنا شوند.

فصل چهارم این کتاب فصول قابل توجه است. زیرا در آن به مسئله هزینه توجه شده که همواره مورد توجه مدیران بوده است. مولف در ادامه و در فصل پنجم مباحث مربوط به تحصیل هزینه های بخش سلامت را مطرح کرده است. دو فصل بعدی هم به مسائل مربوط به تامین مالی نظام سلامت اختصاص یافته است. مکانیسم های پرداخت و مراقبت های سازمان یافته هم عناوین دو فصل پایانی هستند که مولف در آنها به معرفی نظام های پرداخت و لزوم مراقبت های سازمان یافته پرداخته است.

وجود پیوست های کاربردی و نمایه از جمله ویژگی های این کتاب است که استفاده از آن را برای محققان آسان تر می کند.

انسان هاست که به پژوهش های سال های اخیر مربوط می شود که پیشرفت های روزافزون فناوری و روش های درمانی از یک سو، تغییر در شیوه زندگی، ساختار فرهنگی - اجتماعی، الگوی بیماری ها و همچنین رشد شتابان جمعیت از سوی دیگر در گسترش فرایند این بخش از اقتصاد نقشی اساسی داشته است.

اقتصاد و سلامت نوشته محمد حاجی زاده کتابی است که به همین موضوع می پردازد. حاجی زاده از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تبریز است. مقدمات چاپ این کتاب به وسیله مرکز کشوری برنامه مدیریت سلامت (NPMC) که به عنوان یک بخش در دانشگاه علوم پزشکی تبریز فعالیت می کند فراهم شده تا در شمارگان هزار نسخه از سوی نشر دانش جامعه نگر منتشر شود.

این کتاب با توجه به لزوم بررسی اقتصادی بخش سلامت در کشور تألیف شده است و مولف سعی داشته در ۹ فصل مخاطبان این کتاب - که اغلب دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته های اقتصاد سلامت و



نگاهی به کتاب «تاریخ و معماری بازار تبریز»

سایه روشن های چارسوق



واقع در مسیر او را آراستند و مردم برای دیدن هیئت همراه او در امتداد بازار تجمع کردند و فروش و کرایه و دکان های آن بازار افزایش یافت.

بازارها غالباً در هنگام عزاداری و یا در ایام سوگواری به مناسبت های مذهبی مانند تاسوعا و عاشورای حسینی و یا شهادت حضرت علی (ع) و ... تعطیل و در آن مراسم مذهبی و عزاداری برپا می گردید که امروزه نیز همین قاعده در بازارهای ایران پابرجاست.

از این گذشته، با توجه به محله بندی قدیم در شهرهای ایرانی که اکثر در هر محله متعلق به نژاد قومی خاص بودند و در مواقع اضطراری هر محله در ابتدا به منافع خویش و سپس به منافع شهری می اندیشید و جنگ و ستیز محله ای در اکثر شهرهای ایران وجود داشت. این بازار بود که به عنوان مهم ترین مفصل شهری افراد مختلف از محل های گوناگون و نژادهای متفاوت را کنار هم گردمی آورد و نمودی از وحدت و یکپارچگی مردم شهر می گردید.

در بخش سوم کتاب، حسین اسماعیلی سنگری و بهروز عمرانی موضوع اصلی اثر خود یعنی بازار تبریز را مد نظر قرار می دهند و به بررسی تاریخ بازار تبریز می پردازند. به باور نویسندگان، بازار تبریز به عنوان یکی از مهم ترین و بزرگ ترین بازارهای ایران واجد تمام خصوصیات بازارهای تاریخی ایران بود و خوشبختانه بسیاری از آنها را تا به امروز بهتر از هر بازار دیگری حفظ کرده است. می دانیم که تبریز در سده های نخستین اسلامی شهری آباد بود. طبق افسانه ای کهن، تب شدید زبیده خاتون، همسر هارون الرشید عباسی در این شهر فروریخت و از این رو تبریز خوانده شد. این داستان گرچه راست نیست، اما می تواند آبدانی تبریز در سده دوم هجری قمری را گواهی دهد. در این هنگام، تبریزیکی از گذرگاه های پراهمیت در جاده ابریشم بود. این جاده که از چین آغاز می شد، از خراسان می گذشت و پس از رسیدن به ری، دو شاخه می شد؛ شاخه نخست به بغداد می رفت و شاخه دوم از راه تبریز به آسیای صغیر (ترکیه امروزی) می رسید. بدین جهت، بازار تبریز یکی از تجارتخانه های بزرگ جاده ابریشم به شمار می آمد.

علاوه بر ناصر خسرو و مقدسی (مقدس بر وزن مسجد) که در سده چهارم هجری قمری بازار تبریز

کتاب تاریخ و معماری بازار تبریز تألیف مشترک حسین اسماعیلی سنگری و بهروز عمرانی کوششی است برای روایت تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران از طریق جستار در یک یادگار معماری و بررسی پیشینه یک نهاد اقتصادی پابرجا به نام بازار تبریز؛ بازاری که در گستره ای معادل یک کیلومتر مربع و به عنوان بزرگترین مجموعه معماری به هم پیوسته و مسقف جهان، بخش بزرگی از رویدادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران دوران اسلامی را در سینه خویش محفوظ نگاه داشته است.

فقر تاریخ نگاری اجتماعی در ایران و توجه تاریخ نگاران گذشته به شرح رویدادهای سیاسی و نظامی و لشکر کشی های و کشور گشایی های شاهان و امیران، اطلاع ما از روندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در مقایسه با رخداد های سیاسی محدود ساخته است. بنابراین کنکاش در موارث فرهنگی از جمله بافت های تاریخی و آثار معماری، راهی است که می تواند بر این زوایای ناشناخته تاریخ ایران پرتو افکند. در این میان، بازار به عنوان یکی از مهم ترین اجزای شهرهای ایرانی-اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که کارکرد آن از دایره روابط اقتصادی فراتر می رود و به عرصه های فرهنگی و اجتماعی وارد می شود.

کتاب تاریخ و معماری بازار تبریز با شرحی از بازار و تاریخچه آن در ایران آغاز می شود. بازار کلمه ای است که میان ایرانیان از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار است. این کلمه در فارسی میانه به صورت وازار و با ترکیب هایی مانند وازارگ (بازاری) و وازرگان (بازرگان) به کار می رفته و در پارتی به صورت وازار مورد استفاده قرار گرفته است. این واژه به زبان برخی سرزمین هایی که با ایران تبادلات بازرگانی داشتند، مانند سرزمین های عربی، عثمانی و حتی اروپایی راه یافته است. به عنوان مثال، واژه فرانسوی بازار از پرتغالی گرفته شده و آنان این واژه را از ایرانیان گرفته اند. در ادبیات فارسی بازار مفهومی گسترده دارد و به معنی محل شلوغ و پر ازدحام و مکانی که جایگاه خاصی در رقم زدن سرنوشت های اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی دارد، به کار می رود.

بخش دوم کتاب به تاریخ بازارهای ایران پیش و پس از اسلام اختصاص دارد. البته اطلاعات ما از بازارهای ایران در دوران پیش از اسلام و به تبع مبادلات بازرگانی و مناسبات اجتماعی مبتنی بر آن به مراتب کمتر از بازارهای دوران اسلامی است. چرا که کالبد بسیاری بازارهای پس از اسلام همچنان پابرجاست و از آن فراتر اشکال ارتباطات اقتصادی و اجتماعی در آن ها کمابیش حفظ شده است.

بازارهای ایران گذشته از اهمیتی که درون مرزهای سیاسی کشور داشته اند، به سبب قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، از گستردگی، شکوفایی و تأثیر گذاری خاصی برخوردار بوده اند. اکثر گردهمایی ها و خبرهای مهم در بازار شهر به وجود می آمد و حتی اغلب دید و بازدیدها و گردش ها ... در بازار شکل می گرفت. ورود اکثر افراد مورد توجه مردم به شهر از طریق دروازه بازار بود که پس از عبور از بازار به عنوان مهم ترین راه ارتباطی شهر به مقصد خود می رفتند و در بازار تجمع می کردند و در برخی از موارد بازارها را می آراستند و جشن برپا می کردند. برای نمونه، هنگامی که نماینده روم برای دیدن خلیفه عباسی به بغداد رفت، بازارهای

تاریخ سلوکیان و اشکانیان برای همه

سقوط سلسله هخامنشی و استیلای اسکندر مقدونی بر ایران، فصل نوینی در تاریخ ایران گشود. اسکندر کوشید تا به حکومت جدید صورتی پایدار و شکلی قانونی بدهد. پیروزی های او فقط با انتقال مداوم قوا از اروپا به ایران ممکن بود عملی گردد و از این گذشته، نیروی نظامی باید بود در سرزمین های تسخیر شده مستقر گردد. اسکندر برای نیل به این مقاصد، شبکه بزرگی از شهرهای تازه تأسیس را پدید آورد که قوای نظامی مقدونی و یونانی در آن ها مستقر شدند. بدین ترتیب بیش از هفتاد شهر جدید به فرمان اسکندر پایه گذاری شد.

در برخی از این شهرها هزاران تن از اهالی بومی در کنار یونانیان و مقدونیان ساکن شدند. منظور اسکندر از تأسیس شهرها و کوچ دادن مردم از اروپا به آسیا این بود که ساکنان آن امپراتوری عظیم را در هم آمیزد و از آنان قومی واحد پدید آورد. جمعیت مقدونیه به تنهایی احتیاج شدید اسکندر به نیروی انسانی را بر طرف نمی کرد. بدین سبب، در ایالات شرقی ایران یعنی باختر (باکتریا) و سغد تعداد زیادی یونانی متوطن شدند. در نتیجه، هم اسکندر از آن نواحی دور دست آودگی خاطر یافت و هم منافع یونانیان با علایق اسکندر هماهنگ شد.

هدف سیاست شهرسازی اسکندر، بیشتر نظامی بود تا اقتصادی و سیاسی، اما این سیاست در نهایت از حدود دیدگاه های اولیه و اصلی اسکندر فراتر رفت. هزاران بازرگان و پیشه ور یونانی که به امید انجام معاملات سودمند در نواحی شرقی به دنبال لشکر اسکندر در حرکت بودند، در شهرهای جدید اقامت گزیدند و رشته های جدیدی از فعالیت های تجاری و صنعتی را در آن شهرها پدید آوردند. آن ها با مراکز تجاری یونان روابط دیرینه داشتند و این امر، توسعه مبادلات بازرگانی میان سرزمین های شرقی و یونان را آسان تر می ساخت.

با مرگ اسکندر، سردارانش برای سلطه بر متصرفات او درگیر جنگ شدند و در هر یک از بخش های امپراتوری اسکندر، سرداری به قدرت رسید. در این میان، ایران و بین النهرین تحت استیلای سلوکوس قرار گرفتند و سلسله سلوکیان بنیان نهاده شد. این سلسله تا سال ۲۵۰ پیش از میلاد دوام آورد و نهایتاً بدست پارتیان آریایی نژاد برافتاد. البته نفوذ فرهنگ یونانی از میان نرفت و برای چند سده دیگر کمابیش تداوم یافت.

کتاب سلوکیان و اشکانیان نوشته نادر میرسعیدی، این فصل مهم و کمابیش ناشناخته از تاریخ ایران را به شکلی مختصر بررسی کرده است. این کتاب ضمن مرور تاریخ سیاسی و نظامی سلوکیان و اشکانیان، اوضاع اجتماعی و فرهنگی این دوران را نیز مدنظر قرار می دهد و به مسایلی چون اوضاع اقتصادی، زبان و خط، دین و هنر می پردازد. این موضوعات و موضوعات دیگری که در کتاب طرح نشده است، در آثار تحقیقی دیگری همچون مجموعه بزرگ تاریخ ایران کمبریج، تاریخ مردم ایران (پیش از اسلام) نوشته عبدالحسین زرین کوب و خصوصاً کتاب مختصر اما جامع پارتیان، اثر مالکوم کالج مندرج است و از حیث پژوهشی کتاب سلوکیان و اشکانیان چیزی بر دانسته های پیشین نیفزوده است.

اما ارزش این کتاب در بیان ساده و روان آن و توصیف عصری مهم در تاریخ ایران به شکل ساده و مختصر برای مخاطب عام است. مخاطبی که به سبب فقدان پیش آگاهی های تاریخی امکان استفاده از کتاب های یاد ده را ندارد. کتاب سلوکیان و اشکانیان، در ۱۶۰ صفحه، با شمارگان ۲ هزار نسخه و با بهای ۲۵۰۰ تومان توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است.

را دیده اند و از گستردگی داد و ستد در آن سخن گفته اند، یاقوت حموی جغرافیدان اسلامی نیز بازار تبریز را در سال ۶۱۵ هجری قمری چنین وصف کرده است: "در آن شهر از پارچه های عبایی، سقلاطون، اطلسی و سجاده زیاد به عمل می آید و به دیگر شهرهای شرق و غرب صادر می شود." در دوره ایخانان مغول (سده هفتم هجری) که تبریز به عنوان پایتخت انتخاب شد، بازار تبریز بیش از پیش شکوفا گردید، به گونه ای که مارکوپولو، جهانگرد ونیزی که در سال های ۶۷۰ تا ۶۹۵ هجری قمری شهرهای مخلف آسیا را زیر پا نهاد، در این باره می نویسد: "موقعیت تجاری تبریز به قدری خوب است که بازرگانان از همه سو، از هندوستان، بغداد، موصل و هر مز برای خرید و فروش به آن جا می آیند. بهترین سنگ های قیمتی و مرواریدهای اعلی را می توان در این شهر بدست آورد. بازرگانانی که با خارجه داد و ستد می کنند، زود متمول و متمکن می شوند. همچنین این بطوطه، جهانگرد مراکشی که در سال ۷۳۱ هجری قمری به این شهر آمده می گوید: "روزی که از دروازه بغداد به شهر تبریز وارد شدیم، به بازار بزرگی که بازار غازان خوانده می شد رسیدیم و آن بهترین بازارهایی بود که من در همه شهرهای دنیا دیده بودم. در این بازار هر یک از اصناف و پیشه وران محل مخصوصی برای خود دارند. من به بازار جواهر فروشان وارد شدم و آن قدر جواهرات گوناگون دیدم که چشم خیره شد..."

این شکوفایی تجاری تا دوران صفویه ادامه پیدا کرد، به گونه ای که شاردن جواهر فروش فرانسوی در سده یازدهم هجری بازار تبریز را چنین وصف می کند: "من کالایی نمی شناسم که در این شهر فروشگاه یا انباری نداشته باشد. بهترین دستارهای ایرانی در تبریز تهیه می شود. بازرگانان بزرگ شهر برایم تعریف کردند که سالانه شش هزار عدل ابریشم در کارگاه های این شهر بافته می شود. تجارت تبریز در سراسر ایران، عثمانی، روسیه، ترکستان، هندوستان و ساحل دریای سیاه گسترده شده است."

در سال ۱۱۹۳ هجری قمری زلزله شدیدی تبریز را لرزاند و بازار شهر را به کلی ویران کرد. اما این ویرانی دیری نپایید و به روزگار قاجاریه، بازار تبریز رونق مجددی را تجربه کرد. در این دوره، بخش بزرگی از تجارت خارجی ایران با روسیه بود و همین طور باعثمانی و اروپا. بدین سبب، تبریز مرکز واردات و صادرات به شمار می آمد و بازارش اهمیت زیادی داشت. بازار کنونی تبریز از همین دوران باقی مانده و بخش چهارم کتاب تاریخ و معماری تبریز بر آن است که تصویر جامعی از آن را بدست دهد. خصوصاً که این بازار برای ثبت در فهرست میراث جهانی نامزد شده است و پرونده اش از سوی دولت ایران در دست تهیه و تکمیل است.

در بخش های چهارم تا هفتم این کتاب، موضوعاتی چون ساختار کالبدی بازار تبریز، آسیب شناسی بازار تبریز و راهکارهای رفع آسیب، ورودی های بازار تبریز و راهکارهای ثبت جهانی این بازار بررسی شده است.

کتاب تاریخ و معماری بازار تبریز، در ۲۶۲ صفحه همراه با تصاویر نقشه های متعدد، در شمارگان ۱۰۰۰ جلد و با بهای ۶ هزار تومان توسط انتشارات ستوده تبریز راهی بازار نشر شده و در اختیار علاقه مندان فرهنگ و تاریخ ایران زمین قرار گرفته است.



متن و مخاطب؛ همراهان همیشگی

اکثر نمایشگاه‌های معتبر دنیا، متن یا خلاصه آن را بررسی می‌کنند و تصویر را جدای از آن در نظر نمی‌گیرند؛ پس باید ارتباطی دوسویه بین متن و مخاطب وجود داشته باشد و اگر چنین نبود آثار تصویرگران ایرانی، هرگز نمی‌توانست این همه جایزه بین‌المللی را به خود اختصاص دهد، اما آنچه تصویرگران تصویر می‌کنند نانوشته‌های متن است. آنها بین خطوط را به تصویر می‌کشند و این کاری است که اگر نویسندگان به آن پردازند و به تک‌تک جزئیات توجه کنند، به شعور مخاطب خود توهین کرده‌اند.

به باور من تصویرگران، نویسندگان دوم آثار هستند و هرگز نمی‌توان تصور کرد که ملاک‌های هر جشنواره را دریافته‌اند و مطابق آن رفتار می‌کنند چون داوران جشنواره‌ها هر سال تغییر می‌کنند و بین ۵ تا ۱۱ داور با عقاید و سلیقه‌های گوناگون به نقد آثار می‌پردازند؛ داورانی که سال‌ها فعالیت کرده‌اند و با ذهن و دنیای کودکان آشنا هستند؛ داورانی که از گروه‌های گوناگون چون تصویرگر، منتقد، نویسنده، استاد دانشگاه و... انتخاب شده‌اند و به وجوه گوناگون یک اثر می‌پردازند، بنابراین تصویرگران نمی‌توانند به این نکته فکر کنند که اگر مانند فلان تصویرگر که جایزه نوما یا بولونیا را از آن خود کرده تصویرگری کنند برنده می‌شوند، اگرچه براتیسلاوا یا جشنواره‌های دیگر تفاوت دارد و تقریباً سلیقه واحدی بر آن حاکم است.

آنچه موجب موفقیت تصویرگران می‌شود انتخاب درست تصاویر است. باید تصویری برای ارسال به جشنواره‌ها انتخاب شوند که روایتگر متن باشند، متنوع بوده و خط فکری منسجمی را دنبال کنند. اگرچه عنصر خلاقیت را نمی‌توان نادیده گرفت، از این رو تصاویر ارسالی باید حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشند و اینها اصول ثابتی است که در هر جشنواره‌ای به چشم می‌خورد، بنابراین نمی‌توان گفت که تصویرگران ما جشنواره‌های شده‌اند و برای برگزیده شدن در جشنواره تصویرگری می‌کنند.

نکته دیگری که وجود دارد این است که بعضی تصویرگران فکر می‌کنند باید به نوشتن داستان برای تصاویر خود بپردازند در صورتی که داستان و تصویر، دودنیای متفاوتند و از دوزبان گوناگون استفاده می‌کنند اما ادبیات کودک و نوجوان آنقدر کودکانه و ساده انگاشته شده که هر کس به خود اجازه می‌دهد بنویسد در صورتی که کسی که برای کودکان می‌نویسد باید فنون و ظرایف کار را بشناسد و جوششی کار کند نه کوششی.

بعضی فکر می‌کنند اگر نوشته‌های ما همچون تصاویر ما قوی و پرکشش است، چرا جایزه‌های جهانی را به خود اختصاص نمی‌دهند؟ این به زبان این دو هنر برمی‌گردد. زبان تصویر، یک زبان جهانی است در حالی که معدودی از آدم‌ها در سراسر جهان به زبان فارسی صحبت می‌کنند و خیلی جشنواره‌ها، تنها آثاری را می‌پسندند که به زبان انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی نوشته شده باشد.

اما آثار داستانی آن چیزی است که در ترجمه از بین می‌رود و نمی‌توان بسیاری از احساسات را در قالب کلمه گنجانده و گرنه نویسندگان و تصویرگران ایرانی بسیار خلاق و توانا هستند.



درباره نمایشگاه تصویرگری کتاب کودک و نوجوان

رنگ نانوشته‌ها بر بوم



همان چیزی است که ما هم باید به آن توجه کنیم. رستم و سهراب ما کمتر از سوپرمن و باتمن نیستند، پس چرا نباید به کودکان معرفی شوند؟

کم شدن مخاطب

بعضی آثار تصویرگری شبیه به یکدیگرند و در آنها فضاسازی‌ها، خطوط، تکنیک‌ها و نوع رنگ به یکدیگر شباهت دارند به گونه‌ای که انگار مخاطب سال‌هاست که در نظر تصویرگران فراموش شده است.

رویا خادم‌الرضا، تصویرگر کودک و نوجوان با اشاره به این که تصویرگران ما، گروه سنی مخاطب خود را فراموش کرده‌اند می‌گوید: «ضعف متون داستانی موجب می‌شود که تصویرگر، اهمیت چندانی به مخاطب ندهد، چون اگر بخواهد پایبند به متن باشد، ناچار است تصویر ضعیفی ارائه دهد و او چنین چیزی را نمی‌پسندد.»

وی به جشنواره‌ای شدن تصاویر اشاره و بیان می‌کند: «تصویرگران ما همان راهی را طی می‌کنند که سال‌ها پیش، سینماگران پیروند. آنها نیز بعد از چند بار شرکت کردن در جشنواره‌های مختلف، ملاک و معیار هر کدام را درمی‌یابند و مطابق با آن ویژگی‌ها رفتار می‌کنند و این به نبود جشنواره‌های گوناگون تصویرگری در ایران برمی‌گردد زیرا جایی وجود ندارد که تصویرگران، کارهای خود را در برابر دید ناشران و علاقه‌مندان قرار دهند.»

خادم‌الرضا از تلاش انجمن تصویرگران کودک برای معرفی آثار برتر تصویرگری می‌گوید و گلایه می‌کند که تصویرگران، آن گونه که باید و شاید، این نمایشگاه را جدی نگرفته‌اند و کارها هم نتوانسته با مخاطب عام ارتباط برقرار کند. برای نمونه هیچ مادری کودک خود را به نمایشگاه تصویرگری نمی‌برد و تنها تصویرگران و دانشجویان این رشته هستند که از کارها دیدن می‌کنند.

اما حسین نظری، مدیر اجرایی انجمن تصویرگران کتاب کودک و نوجوان بر این باور است که نمایشگاه تصویرگری همواره از پرتعدادترین نمایشگاه‌های تجسمی بوده و تلاش می‌کند تا فعالیت یک ساله تصویرگران را در قالب یک اثر نشان دهد. اگر چه او نیز معتقد است در کنار توجه به فعالیت هنری، باید مخاطب و ارتباط متن با او را نیز در نظر گرفت.

آمده و برای تصویرگران نیز نوعی بازگشت به خود به شمار می‌آید. اگر چه این نمایشگاه، سهم کوچکی در ارتقای فرهنگ تصویرگری دارد و نمی‌تواند خیلی جریان‌ساز باشد چرا که بزرگ‌ترین مسئله‌ای که امروز وجود دارد، ارتباط متن و مخاطب با یکدیگر است.

حدادی، استمرار نمایشگاه‌های تصویرگری را ضروری می‌داند و می‌گوید: «نمایشگاه کتاب ما به خاطر نبود کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های تخصصی به یک فروشگاه بزرگ کتاب تبدیل شده اما در کنار آن جشنواره‌ای وجود ندارد که تصویرگران، آثار خود را معرفی کنند و از ناشران سفارش کار بگیرند.»

ارتباط مستمر

علیرضا گلدوزیان به ضرورت ارتباط مستمر نویسنده، تصویرگر و ناشر اشاره می‌کند و می‌گوید: «زمانی کتاب خوبی منتشر می‌شود در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد که ناشر، نویسنده و تصویرگر، ارتباط مستمری با یکدیگر داشته باشند و از نظرات هم بهره‌مند شوند و گرنه چگونه می‌توان به ارائه یک اثر زیبا و ماندگار امیدوار بود؟»

طراح کاتالوگ، پلاکارد و بیلبردهای نمایشگاه بولونیا در سال ۲۰۰۶ بر این باور است که اگر یک ایده خوب - چه در متن و چه در تصویر - به درستی ارائه شود و تصویرگر و نویسنده در ارتباط با یکدیگر بوده و بتوانند جوهره درونی متن را استخراج و ناگفته‌ها را تصویر کنند، می‌توان به تولد اثری ماندگار و بدون تاریخ مصرف، دل‌خوش کرد، اثری که بی‌گمان به گروه سنی خاصی تعلق نداشته و همه افراد می‌توانند آن را بخوانند و از خوانندگی لذت ببرند. گلدوزیان، خود را تصویرگر کودکان می‌داند و می‌گوید: «داستان و تصویر باید به یک جریان تبدیل شوند تا از یک طرف، ذهن کودک را پرورش دهند و از سوی دیگر با کودک ارتباط گرفته و با او بزرگ شوند، به گونه‌ای که در هر شرایط سنی دیگری نیز برایش خواندنی و تأثیرگذار باشد.»

تصویرگر «جوراب سوراخ»، هنر تصویرگری کشور را نیازمند یک سرمایه‌گذاری کلان می‌داند و معتقد است: «در کشورهای غربی، اول به تولید کتاب و بعد ساخت فیلم پای‌پایان می‌پردازند زیرا این دو محصول، بیشتر از کتاب در ذهن بچه‌ها باقی می‌ماند و این نکته

نمایشگاه سالانه اعضای انجمن تصویرگران کتاب کودک از ۱۳ تا ۱۸ مهرماه جاری در سه نگارخانه ممیز، میرمیران و نامی برگزار شد و ۸۰ اثر تازه از اعضای اصلی انجمن را به نمایش گذاشت.

همچنین، امسال برای نخستین بار حدود ۳۰ تا ۳۵ تابلو با قیمت ۳۰۰ هزار تا سه میلیون تومان برای فروش در برابر دید علاقه‌مندان قرار گرفت.

نمایشگاه سالانه تصویرگری کتاب کودک، بهانه‌ای شد تا با تصویرگران به گفت‌وگو درباره این هنر پردازیم و این که تا چه اندازه تصاویر می‌توانند از متن مستقل باشند و با مخاطب خود ارتباط بگیرند.

هدی حدادی، رئیس انجمن تصویرگران کتاب کودک و نوجوان معتقد است: «بعد از استقبالی که از تصویرگران ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی شد، آنان به این فکر افتادند که تصویرگری می‌تواند یک هنر مستقل و قائم به ذات باشد، به همین خاطر متن و مخاطب را فراموش کردند.»

وی متن و تصویر را مکمل یکدیگر می‌داند و می‌گوید: گاهی تصویرگران، فراتر از متن حرکت می‌کنند اما در هر حال باید متن را شناخت، برای نمونه تصویر کردن یک متن داستانی با شعر، متن علمی یا تاریخی متفاوت است و یکی از دلایل این بلا تکلیف بودن، عدم ارتباط نویسندگان و تصویرگران با یکدیگر است.

حدادی به ضعف متون داستانی اشاره می‌کند و معتقد است: «متن‌های ضعیف موجب می‌شود که تصویرگر، آن گونه که باید و شاید، فراز و فرودهای متن را نشناسد، از طرف دیگر چون دلش نمی‌خواهد کار ضعیفی از نظر تصویرگری ارائه دهد، به طور مستقل و بدون لحاظ کردن متن عمل می‌کند و این مسئله به ضعف متن، ناتوانی تصویرگر و ضعف ناشر برمی‌گردد.» رئیس انجمن تصویرگران کتاب کودک درباره فروش آثار تصویرگری در نمایشگاه سالانه تصویرگران می‌گوید: «نظر کارشناسان این بود که با توجه به این که آثار تصویرگران ایرانی، قابلیت این را دارد که به صورت یک اثر مستقل ارائه و فروخته شود، بخشی را به فروش آثار تصویرگری اختصاص دهیم.»

او همچنین درباره به نمایش در آمدن پرتره تصویرگران گفت: «باین کار، نمایشگاه از آن حالت یکنواخت بیرون



مروری بر ترجمه مرحوم حسین ابراهیمی از «نان و گل سرخ»

ما فقط گل سرخ می خواهیم



مآمان به نرمی شروع کرد: من فکر می کنم، من فکر می کنم. ما فقط... فقط نان برای شکممان نمی خواهیم، ما برای دلمان، برای روحمان هم خوراک می خواهیم... چه طور بگویم، ما می خواهیم... ما برای بچه هایمان هم کمی زیبایی می خواهیم... ما گل سرخ هم می خواهیم.

کاترین پاترسون در رمان 'نان و گل سرخ' که حسین ابراهیمی (الوند) به زیبایی آن را ترجمه کرده به بلای خانمانسوز فقر و گرفتاری ها و مشکلات طبقه کارگر و مردم فقیر اشاره می کند و به ارائه تصاویری واقعی و عینی از زندگی این گروه می پردازد.

داستان با توصیف زبانه ها و زبانه دانی های شهر آغاز می شود و به زندگی نوجوانی به نام جیک، که یکی از قهرمانان قصه است می پردازد.

'خانه های اجاره ای، گرچه جلوی باد را می گرفتند، اما همانند غول هایی خشمگین از هر طرف سر به آسمان کشیده بودند. در فضای باریک بین آنها تلی از زباله دیده می شد. بوی گند زباله به آسمان می رفت، هر چند خود پسرک هم همین بو را می داد. او مثل موش توی زباله ها نقب می زد... لحظه ای از کندن دست کشید اما هوای یخبندان مجبورش کرد ادامه بدهد. سعی کرد با نفرین به پدرش خود را گرم کند...'

نویسنده زمینه اصلی گرفتاری ها و بلایایی که گریبانگیر این گروه از جامعه می شود را در بطن خانواده ها می بیند، اگرچه نقش موثر دولت، کلیسا و مرکز آموزشی در دفاع از کارفرمایان و زرمندان نادیده گرفتن فقیران و کارگران را از یاد نمی برد. درباره آدم هایی که توی خواب یخ زده بودند چیزهایی شنیده بود... گاهی هم آرزوی می کرد برای پدرش پیش بیاید... او جز کتک زدن کار دیگری را برایش نمی کرد...'

جیک و رزا قهرمانان اصلی پاترسون هستند؛ دو نوجوانی که در میان زباله ها یکدیگر را می یابند و با هم آشنا می شوند. رزا، دختر مودب، کوچک و لاغر اندامی است که در زباله ها به دنبال کفش گمشده اش می گردد و در لابه لای بطری ها، قوطی ها و کاغذهای کهنه جیک را می یابد و از او می خواهد تا با او به خانه شان برود و شب را در آشپزخانه آنها سرکند؛ آشپزخانه ای که اگرچه اجاق روشنی در آن نیست، اما از کپه زباله ها گرم تر است. خانه رزا، خانه ای کوچک و سرد است که حتی یک تخت یا پتوی اضافی در آن به چشم نمی خورد. اهالی خانه با صدای گریه کودکی از خواب بیدار می شوند که گرسنه است و با حرف، نمی توان آرامش کرد.

شخصیت های نوجوان رمان 'نان و گل سرخ' برخلاف هم سن و سال های مرفه خود، در آپارتمان های شیک زندگی نمی کنند، در رختخواب های نرم نمی خوابند و غذاهای گرم و خوشمزه نمی خورند. آنها در کلبه هایی محقر و دورافتاده زندگی می کنند، نان خشک می خورند و خوراکشان را از میان زباله ها می جویند و همیشه بوی بد می دهند.

پاترسون از کودکان و نوجوانی سخن گفته که با درد و فقر دست و پنجه نرم می کنند؛ بچه هایی که ناچارند از صبح تا شب کار کنند و درآمد ناچیزشان را به پدران عیاش و بی رحم خود بدهند. شاید به این خاطر بود که جیک، همواره آرزوی مرگ پدرش را در سر می پروراند: 'اگر می مرد، دیگر کتکم نمی زد

یا تمام دستمزدم را بر نمی داشت، بعد هم دوباره کتکم نمی زد که چرا بیشتر در نمی آورم.' نویسنده از کودکانی سخن گفته که از شدت فقر و گرسنگی، حتی نمی توانند فکر خود را بر چیزی متمرکز و به درس آموزگار خود گوش کنند: 'رزا به زحمت سعی کرد سرش را بلند کند و به حرف های آموزگارش گوش کند. از زمانی که صبحانه فقط به نان خشک و یک لایه نازک از ملاس منحصر شده بود، تمرکز حواس برایش بسیار سخت تر شده بود...'

فقر اقتصادی به باور نویسنده فقر فرهنگی را به همراه می آورد و توجه به آموزش و گسترده فرهنگی کتابخوانی، بدون فراهم آوردن رفاه نسبی برای خانواده ها، چندان معنا و مفهومی ندارد: 'من [معلم] چند بار باید تکرار کنم اگر پدر و مادر شما برایتان کتاب نخرند، چه فایده دارد که به مدرسه بیایید؟ باید درباره اهمیت آموزش با آنها صحبت کنید. چند نفر از والدین شما در کلاس های شبانه ثبت نام کرده اند؟... هیچ کس، دستش را بلند نکرد. چطور ممکن بود والدین آنها، هر روز ساعت های متمادی در کارخانه کار کنند و شب هم به مدرسه بروند؟ آنها همیشه خسته و کوفته بودند.'

پاترسون در این داستان به مقایسه طبقه فقیر و مرفه پرداخته برای نمونه، جیک گاهی خود را با همسالانش که وضعیت بهتری دارند و ناچار نیستند در اعتصابات شرکت کنند، مقایسه می کند و تضادهای روحی و روانی خود را بروز می دهد: 'این پسرک جلف ایرلندی به خاطر اعتصاب او را تحسین می کرد. ولی او از بردگی در کارخانه چه می دانست؟ آیا تا به حال از گرد و غبار داخل کارخانه به حالت خفگی افتاده بود!'

از دیدگاه نویسنده، کارخانه ها بزرگ ترین زندان ها هستند. از این روست که مادر رزا در جواب دخترش که از او می خواهد در تظاهرات شرکت نکند، مبدا دستگیر و روانه زندان شود می گوید: 'بزرگ ترین زندان آنها، کارخانه هاست و ما خیلی وقت است توی این زندان ها هستیم.'

پاترسون، دنیایی را به تصویر کشیده که آدم های تنها به غذا و برطرف کردن گرسنگی شان فکر می کنند، زیرا غذا نخستین و مهم ترین نیازشان است. آنها آنقدر درگیر دست یافتن به حداقل ها هستند که به چیزی فراتر فکر نکنند. این آویزی از دیس ها را جلوی جیک گذاشت. این

زیباترین منظره ای بود که تاکنون دیده بود. سس گوجه فرنگی حتی روی چند تکه سوسیس چرب هم پخش شده بود. جیک جمعیت اطراف اعتصاب و خطری را که در خانه در انتظارش بود فراموش کرد و کم و بیش صورتش را توی بشقابی که هنوز از آن بخار بلند می شد فرو برد. در تمام عمر سیزده ساله اش هرگز دیسی پر از غذا جلوی او نگذاشته بودند.

فقر و شرایط بد زندگی از جیک انسانی بزهکار ساخته و او را به دزدی واداشته. در حقیقت اگرچه نویسنده به درون شخصیت های خود خزیده و ذهنیات و شرایط روحی آنان را تصویر کرده اما از پرداختن به شرایط بیرونی و تاثیر مهم آن بر روان آدم ها، غافل نمانده است. از دیدگاه پاترسون این دنیا و اوضاع بد اقتصادی است که به جیک، رزا و مثال آنها مجال نیکی و خوبی نمی دهد.

'اما جیک می خواست کسی باشد. مگر نه؟ آیا این دنیا به او فرصت داده بود تا انتخاب کند؟ شرایط اسفبار زندگی، کارگران را به واکنش های اجباری و اجتناب ناپذیر وامی دارد. مادر رزا دوست ندارد، دخترش را مامور یافتن غذا کند اما چاره ای جز این کار ندارد. گویی گرسنگی عقل و احساس او را از بین برده است.'

'من که خواهرت را فرستادم بمیرد. فرستادمش ببیند امشب می توانیم چیزی بخوریم یا نه. چه سرباز باشد چه نباشد، باید یک چیزی بخوریم، نه؟...'

نویسنده در این داستان بارها انسان ها را به جانوران تشبیه کرده است.

گاهی نویسنده در داستان 'نان و گل سرخ' خوبی و بدی و تلخی و شیرینی را با هم توصیف می کند: 'جیک، آنها [جوراب] را گرفت و پوشید. جوراب چندین شماره بزرگ تر بود اما چه اهمیتی داشت؟ اکنون انگشتان پای او گرمای لذت بخشی را که به آن عادت نداشتند حس می کردند...'

پاترسون از انسان هایی سخن گفته که برای رسیدن به نان مبارزه می کنند. او به دور از شعارگرایی به بیان زندگی کارگران و وجوه انسانی مبارزات آنان پرداخته است: 'من کارکنم، بچه هایم از گرسنگی می میرند. اعتصاب کنم بچه هایم از گرسنگی می میرند. هر کاری بکنم از گرسنگی می میرم. اما آدم مبارزه کند و از گرسنگی بمیرد بهتر است تا کار کند و از گرسنگی بمیرد.'

به نظر پاترسون عادلانه نیست که گروهی همه چیز داشته باشند و دیگران حتی به نان شب هم محتاج باشند؛ از این رو جیک را در صفحات پایانی داستان در حال دویدن، تصویر کرده است.

نویسنده در تلاش است تا شخصیت های داستانش، علاوه بر دست یافتن به نان و نیازهای اولیه خود به فراتر از آن هم بیندیشند و به عشق و نیازهای ثانویه خود نیز فکر کنند. از این رو، مادر رزا، یکی دیگر از شخصیت های اصلی داستان می گوید: 'من فکر می کنم... فقط نان برای شکممان نمی خواهیم. ما برای دلمان، برای روحمان هم خوراک می خواهیم. ما می خواهیم... خودتان می دانید که... ما موسیقی هم می خواهیم... ما برای بچه هایمان کمی زیبایی می خواهیم... ما گل سرخ می خواهیم.'

رمان 'نان و گل سرخ' را حسین ابراهیمی (الوند) ترجمه و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۱۵۰۰ نسخه منتشر کرده است.

یادداشت

زهره نیلی



به انگیزه ۱۷ مهر، روز جهانی کودک مخاطبان امروز و فردا

حقوق کودک از مسائل بنیادینی است که باید به آن توجه شود، زیرا زندگی مردم با یکدیگر را بهتر و آگاهانه تر می کند. آموزش حقوق کودکان به خانواده ها در قالب کتاب، امر مهمی است که باید به آن پرداخته شود. زیرا کوچک ترین سلول پیکره اجتماع، خانواده ها هستند و نقش مهمی در شکل گیری شخصیت کودکان دارند. پس از آن وزارتخانه ها و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی باید حقوق کودک را بشناسند و این برعهده نویسندگان آگاه به دانش حقوق است تا به زبانی ساده و قابل درک، حقوق کودکان را به آنها و اجتماعشان بیاموزند.

حق و تکلیف، همواره با هم و دوشادوش یکدیگرند و همان اندازه که لازم است کودکان حقوق و آزادی های ضروری خود را در قالب کتاب، فیلم، نمایش و... بشناسند باید با تکالیف، مسئولیت ها و وظایف خود نیز آشنا باشند و گرنه چطور می توان تنها از حق و حقوق آنها سخن گفت و تکلیفی برایشان در نظر نگرفت و آنها را به سمت بی تعادلی سوق داد و کودکانی مستبد و خودکامه بار آورد؟

برگ های تقویم در هفته ای که گذشت، روزی را به روز جهانی کودک اختصاص داده بودند. در این ایام پانزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان ۱۵ مهر کار خود را در اصفهان آغاز کرد و طی پنج روز، چند تئاتر ایرانی و خارجی را در ۹ تالار به نمایش درآورد اما حقیقت این است که بچه ها به جز یک سالن کوچک نمایشگاهی پشت ورزشگاه شهید شیرودی (تالار هنر) جای دیگر برای دیدن نمایش های ویژه خود ندارند. در عین حال اگرچه کانون پرورش فکری در هفته ای که گذشت به صورت رایگان به ثبت نام کودکان در مراکز کانون سراسر کشور پرداخت، دو نمایش در مرکز تئاتر آن به اجرا درآمد، نمایشگاه های عکس و نقاشی برگزار و از برگزیدگان کودک و نوجوان مسابقه های بین المللی نقاشی در مرکز آفرینش های هنری تهران تقدیر کرد، اما هیچ کدام درخور شأن و علاقه کودکان نبود.

انجمن تصویرگران کودک و نوجوان نیز، آثار سالانه خود را در سه نگارخانه ممیز، میران و نامی به نمایش گذاشت و تلاش کرد تا با افزودن دو بخش تازه به نمایشگاه امسال یعنی فروش آثار تصویرگری و نمایش پرتره تصویرگران به جذابیت نمایشگاه بیفزاید. اما چند درصد کودکان به عنوان مخاطبان حقیقی تصویرگری کتاب کودک از این نمایشگاه دیدن کردند؟!

این ناآشنایی برعهده انجمن تصویرگران کتاب کودک و نوجوان است یا نه، همه به نوعی مقصرند؟! روزنامه نگاری که تصویرگر و تصویرگری کتاب کودک را نمی شناسد تفاوت جشنواره های معتبر دنیا با یکدیگر را نمی داند و از وجود آن بی خبر است رسانه های دیداری و نوشتاری که هیچ وقت به این هنر نپرداخته اند و همچنان از فوتیال و جدال آبی پوشان و سرخ پوشان می گویند... راستی چه کسی می داند فرشید شفیعی جایزه سیب طلایی را از آن خود کرد؟ علیرضا گلدوزیان طراح کاتالوگ و بروشور جشنواره بولونیا شد؟ هدی حدادی، افرانوبهار، سیروس آقاخانی و... معتبرترین جایزه ها را به خود اختصاص دادند؟ آیا برگ های تقویم بار دیگر ورق می خورند.

کودکان بزرگ می شوند. ۱۷ مهر روز جهانی کودکان هم چون روزهای دیگر به فراموشی سپرده می شود و...



میخائیل زوشنکو از «روز نحس» می گوید

بدرود با کلاسیک ها



میخائیل زوشنکو گرچه از بزرگ ترین نمایشنامه نویسان تاریخ ادبیات روسیه است، اما همچنان در میان اهالی فرهنگ و هنر ایران ناشناخته مانده است. او که داستان ها و نمایشنامه هایش را در دوران تاریک استالین نوشت در سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از محبوبیت چشمگیری برخوردار شد؛ چراکه بی پرده فساد حکومت استالینی را در آثارش فاش می کرد. مخالفت او تا جایی پیش رفت که استالین در یکی از نطق های رادیویی اش او را مذمت کرد و با تشبیهی زشت بر او و آثارش تاخت. سرانجام این هنرمند در سال ۱۹۴۶ از اتحادیه نویسندگان اخراج شد. «روز نحس» که از جمله آثار اعتراضی زوشنکو نسبت به حکومت استالین به شمار می رود اولین اثر اوست که به فارسی ترجمه شده است. ترجمه گفت و گوی با او درباره کتاب یادشده می خوانید.

نمایشنامه «روز نحس» دارای شخصیت پردازی منسجمی نیست اما به نظر می رسد شما تعدداً چنین کرده اید؟

«روز نحس» یک نمایشنامه روان شناسیک نیست. این نمایشنامه نمی خواهد پیچیدگی های روانی مردم را توضیح دهد و به دنیای درون آنها وارد شود؛ چراکه قصد ما در این نمایشنامه بازگو کردن شرایط اجتماعی در روسیه استالینی است؛ شرایطی که نیرنگ، دروغ و فقر بر آن حاکم شده؛ شرایطی که غارتگران بزرگ در آن مردم را چپاول می کنند. برای بازنمایی چنین شرایط اجتماعی نابسامانی احتیاج نیست که زوایای فکر و اندیشه آدم ها را بکاویم. تنها کافی است نسبت به موضع آنها، جایگاهشان و ویژگی های کلی روحی و روانی آدم ها آگاهی داشته باشید. در نهایت توجه کنید که در این نمایشنامه با درامی روان شناسیک روبه رو نیستیم؛ بلکه با اثری اجتماعی مواجهیم که بزرگ ترین هدف آن روایت شرایط اجتماعی است. **چه انگیزه های شخصیت های نمایشنامه را به سمت دروغ، تزویر و دزدی می برد؟**

علتش را نمی دانم؛ همان طور که گفتم نمایشنامه تنها شرایط اجتماعی را منعکس می کند و تصور نمی کنم یافتن علت این شرایط هم کار من باشد. در «روز نحس» نگهبان فقیری را می بینیم که از سر نیاز به انبار تعاونی دستبرد می زند؛ اما این دستبرد بسیار ناچیز است و تغییر زیادی در مقدار کلای تعاونی ایجاد نمی کند ولی روسای تعاونی هنگامی که می خواهند، صورتی از اقلام سرقت شده بردارند، اجناس دزدی را بسیار بیشتر ذکر می کنند تا

بتوانند مقداری از کالاها را سرقت کنند. این جریان خشم نگهبان را برمی انگیزد تا جایی که او به دزدی اعتراف می کند و می گوید که دزدی کرده است ولی نه آنقدر که روسا می گویند. در واقع، همان نظام طبقاتی دوران تزار حاکم است با این تفاوت که آدم ها عوض شده اند و همان نقش های دوران تزار حفظ شده و تنها بازیگران تغییر کرده اند. در این نمایشنامه می بینیم که مدیران استالینی چگونه مردم عادی را به استثمار و چگونه از آنها برای رسیدن به مطامع مادی خود سوء استفاده می کنند. **چرا با زبان طنز به این مسائل دردناک پرداخته اید؟** به نظر من ساختار و وضعیتی که نگاه طنز تولید می کند با محتوایی که من قصد بیان را داشتم کاملاً

که شما می توانید آن را در جامعه ببینید. به قول برشت مردم فقر را در جامعه می بینند، گدایان و افراد بی سرپرست را می بینند، اما هیچ واکنشی به آن نشان نمی دهند. من هم با برشت موافقم. هنگامی که مردم فردی را می بینند که در سرمای مسکو، بدون لباس از سرمای لرزد گرچه در گام اول سکوت می کنند، اما آرام آرام شروع به فکر کردن می کنند. وظیفه ما هم ایجاب می کند که همین جریان تفکر را سرعت ببخشیم و به آن دامن بزنیم. استالینی که مثلاً با هدف جامعه بی طبقه بر سر کار آمده، خود نظام طبقاتی ظالمانه جدیدی ساخته است. در کل باید بگویم که من تصور می کنم طنز شیوه ای است که با آن می توان جریان تفکر را شدت بخشید. **به نظر می رسد در نمایشنامه شما همه با هم برابرند و نمی توان کسی را به طور مشخص گناهکار دانست. ممکن است من با شما در این مورد موافق باشم که همه مردم در به وجود آمدن وضعیت فعلی برابرند، اما این برابری به معنی بی گناهی نیست. برعکس به این معنی است که همه در پدید آمدن این موقعیت مقصر هستند. گرچه شاید استالینی ها و روسای حکومت گناهکار ترند، اما مردم هم بی تقصیر نیستند. می پذیرید که نوع روایت های شما از مدل روایت های دراماتیک تخطی کرده است؟**

چرا فکر می کنید مدل روایت دراماتیک یا ارسطویی بهترین مدلی است که می تواند وجود داشته باشد؟ به قول تولستوی هنرمند فرزند زمانه خویش است. مدل ارسطویی مربوط به گذشته و دوران یونان باستان است. قرار نیست مردم همه کشورها، همیشه همین مدل را دوست داشته باشند و به سبک سوفوکل بنویسند. به نظر من مدل ارسطویی ضعف هایی دارد که در زمان یونان باستان این نقاط ضعف، اوج اثر هنری تلقی می شد که برشت برخی از این نقاط ضعف را در کتاب «درباره تئاتر» تبیین کرده است. مثلاً تئاتر دراماتیک نهایت سعی اش را می کند که مخاطب با قهرمان داستان همذات پنداری کند. این باعث می شود که تماشاچی در اجرای تئاتر غرق شود و احساسات و شور و هیجان بر تفکرش پیشی گیرد. این چیزی است که تئاتر ما کاملاً با آن مخالف است. ما به دنبال روش هایی هستیم که مخاطب را به تفکر و اندیشه وادارد؛ چراکه تنها در این صورت تماشاگر ضعف های اجتماعی محیط اطراف خود را خواهد دید و به آنها فکر خواهد کرد. از این رو اساساً در پی ایجاد همذات پنداری نیستیم و این خود می تواند سرآغازی باشد بر تخطی از مدل روایی ارسطو.

صحنه می آورد و روابط آنها را در یک فضای عمومی به تصویر می کشد. تمایلی به بیان فکر و اندیشه اجتماعی در این اثر آنچنان قوی است که فرصت وارد شدن به دنیای درون آنها را نمی دهد و تلاش می کند با چیدن آدم ها به شیوه ای از یش تعیین شده، نتیجه دلخواه را حاصل کند. گرچه به کار بردن چنین شیوه ای ممکن است خام دستانه به نظر آید ولی باید در نظر داشت که چنین آثاری باید در زمینه فکری و اجتماعی که پدید آمده اند ارزیابی شوند. در زمانه ای که حکومت مستبد کمونیستی ریشه های حیات آزادی را می خشکاند، دیگر جایی برای پیچیدگی های معنایی باقی نمی ماند و نویسنده تلاش می کند با تمام توان پیام خود را به مخاطب برساند. «روز نحس» اولین اثر زوشنکو است که به فارسی ترجمه شده و از این جهت باید به مترجم این اثر رضا قیصریه تبریک گفت که جامعه تئاتری ما را با نویسنده ای بزرگ آشنا کرده است اما ضعف هایی نیز در ترجمه این اثر گرانبها وجود دارد. به عنوان مثال مترجم گاه از زبان معیار در ترجمه استفاده کرده است و گاه به سمت زبان، لحن و کلمات غیر رسمی رفته که باعث نوعی ناهماهنگی و زبان پریشی شده است.

و ویژگی های زمانه خود را ندارند؛ بدین ترتیب زندگی خصوصی و عادی شخصیت های آثار زوشنکو در نتیجه حوادث تاریخی دچار آشفتگی می شود. طبیعی بود که دیوان سالاری نظام مستبد استالین و ویژگی های حزب حاکم بر روسیه آن دوران، تحمل طنز گزنده او را نداشت، بدین ترتیب زوشنکو در سال ۱۹۴۶ با برچسب خرده بورژوا از اتحادیه نویسندگان اخراج شد. خوشبختانه این نویسنده معترض تا آن زمان بیشتر آثار خود را نوشته بود و به خاطر فعالیت های ضد استبدادی اش در اوج محبوبیت بود. «روز نحس» نیز نمایشنامه ای است که در پی رسوا کردن حکومت آن سال های روسیه، با زبان و نگاهی طنز افرادی را تصویری می کند که در پس ظاهر مردم فریبشان به دنبال چپاول مردمند. این نمایشنامه را هم به لحاظ مضمون و هم به لحاظ ساختار می توان نمایشنامه ای برشتی دانست؛ چراکه «روز نحس» از سویی دیدگاه های اجتماعی را طرح می کند و از سویی دیگر همانند نمایشنامه های برشت، بدون پیش داستان شخصیت ها را به صورت حاضر و آماده بر

نمایشنامه نویسی از روی داستان کوتاه



پرویز فنی پور: میخائیل زوشنکو را با نمایشنامه هایی چون رفیق بسیار شفیق (۱۹۳۰) جنایت و مکافات (۱۹۳۳)، روز نحس (۱۹۳۴) و عروس (۱۹۳۶) به عنوان یکی از برجسته ترین نویسندگانانی که علیه استالین نمایشنامه می نوشت می شناسند.

زوشنکو بیشتر نمایشنامه هایش را از داستان های کوتاه اش اقتباس می کرد. او گرچه از تاثیر گذارترین نمایشنامه نویسان دوران خود بود، اما از گوگول بسیار تاثیر پذیرفته بود. تاثیرپذیری زوشنکو از گوگول را در سبک طنزپردازانه او که موضوع تلخی را در پس ظاهری خنده آور مطرح می کند، می توان به وضوح مشاهده کرد. موضوع ثابت آثار زوشنکو را آدم های کوچکی تشکیل می دهند که توان برقراری ارتباط با تاریخ



با مرجان بصیری درباره «شهر یک نفره»

پرواز فیل در چند ثانیه



داستان نویسی کوتاه در دوران معاصر شرایط متفاوتی را با گذشته طی می کند، از این روست که برخی از داستان نویسان با توجه به فضای تجربی کار خود را پیش می برند. برخی از این تجربه ها چنان دور از فضای داستانی ایران نوشته می شوند که بررسی آن ها هیچ نکته تازه ای در بر ندارد. اما برخی از آثار با توجه به فضای داستانی معاصر و توجه به مخاطب شکل می گیرند. در متن زیر با مرجان بصیری و درباره آخرین مجموعه داستانش، شهر یک نفره به گفت و گو نشستیم.

همان طور که می دانید داستان کوتاه، اگر اندیسمان یا بزرگنمایی از یک حادثه است که نویسنده در مسیر آن واقعیتها، روایتها و داستان را کشف می کند. با توجه به این که شما یک نویسنده خانم هستید، چطور این حس در شما پدیدار شد که دنیا را از زاویه دید یک مرد بنگرید؟

در این مسئله عمدی در کار نبوده است و نخواستم که ابتدا به جهان مردانه نزدیک شوم و سپس این داستان را از زاویه دید یک مرد بنویسم. البته شخصاً اعتقاد دارم که بعضی حسها و تجربه ها مربوط به خانم هاست و بعضی دیگر مربوط به آقایان، و کشف درونی آنها تا حدی به جنسیت آنها بستگی دارد. اما مثلاً در رابطه با داستان آنها برای من بسیار راحت تر بود که این داستان را از زاویه دید یک مرد بنویسم چرا که فشاری که یک مرد در هنگام از دست دادن شغل متحمل می شود، به علت عهده دار بودن مسئولیت خانواده خیلی بیشتر از یک خانم است.

برای کشف این فضا و نزدیک شدن به آن چه کرده اید؟ آیا برای مثال با اشخاص حقیقی که در معرض از دست دادن شغلشان بوده اند صحبت کردید؟

خیر. در واقع برای رسیدن به این شناخت از روندی مثل بازیگری استفاده کرده ام. یعنی با برداشته های خودم از شنیده ها و خواننده هایم سعی کردم به فضای مورد نظرم نزدیک شوم، با این وجود نمی دانم که تا چه حد این حس به مخاطب منتقل شده است.

به نکته خوبی اشاره کردید، بازیگر برای ایفای نقش خود، در رابطه با آن به تحقیق و مطالعه می پردازد و در فضای مربوط به نقش زندگی می کند تا تجربه لازم را به دست آورد. فکر نمی کنید نویسنده هم برای نگارش داستان نباید تنها به داده ها و باورهای شخصی اش متکی باشد؟

داده های من برای نگارش چندان هم شخصی نبوده اند. بسیاری از داستانهای که من مطالعه کرده ام مثل آثار داستایوفسکی از دریچه ذهن یک مرد نوشته شده اند و همینطور داستانهای معاصر ما را به آن فضای جاری داستان نزدیک می کند. مثلاً وقتی شما یک داستان از زبان یک خانم می خوانید تا حدی با دنیای زنانه آشنا می شوید و از آن نکته هایی دریافت می کنید. اما صرفاً با خواندن چند داستان نمی توان به شناخت عمیقی رسید.

بله. اما در بعضی موارد نمی توان به شیوه تحقیق مستقیم به شناخت درستی رسید. مثلاً ما نمی توانیم مستقیم از افراد پرسیم که اگر این اتفاق برای او می افتاد چه عکس العملی داشت؟ من فکر می کنم مشاهده غیر مستقیم رفتارها و گفته های آدمها در جامعه تصویر درست تری از واقعیت ارائه می کند و من تاثیر بسیاری از این جهت از جامعه گرفته ام.

شما پیش از این کتاب زندگینامه «این هشتم» را کار کردید. برای مثال نمی توان با تکیه بر دیده ها و شنیده ها

این کتاب را نوشت.

در مورد این کتاب من تحقیقات بسیاری انجام داده ام و کتابهای زیادی خواندم.

فکر می کنید در مورد نوشتن داستان اجتماعی نیاز به چنین پژوهشی وجود دارد؟

اگر داستان واقعگرا باشد، بله، حتماً احتیاج دارد. برای نوشتن یک داستان رئال باید المانهای واقعیت در آن حفظ شود و چارچوب خاصی رعایت گردد.

... و اگر داستان غیر واقعی باشد نیز نویسنده باید آن را واقعی جلوه دهد.

بله باید بتواند آن را واقعی جلوه دهد اما اگر مثلاً یک داستان سوررئال باشد، همه چیز نباید مطابق با واقعیت باشد. یکی از اساتید من، آقای غفارزادگان، نکات خوبی را برای باورپذیری داستان گوشزد می کردند مثلاً در مورد پرواز یک فیل، افزودن جزئیاتی نظیر ساعت و دقیقه پرواز به باورپذیری آن کمک می کند. اما در هر صورت برای یک داستان رئال باید تحقیق کرد.

در جریان نوشتن داستان برای شما بیان یک روایت اهمیت بیشتری دارد یا بیان یک حس؟

قصه گویی در داستان خیلی اهمیت دارد. یک داستان در جایی آغاز می شود و در جایی پایان می یابد اما در هر حال باید یک قصه را روایت کند. بیان حسی که شما اشاره کردید اکنون خیلی رواج دارد و برخی از آثار تنها یک حس را بیان می کنند. البته این نوع داستان هم سبک خاص خودش را دارد اما من این طور نمی نویسم. از نظر من داستان باید حاوی یک روایت باشد و بنابر قاعده داستان نویسی اصولی را رعایت کند.

داستان های شما انگار هیچگاه تمام نمی شوند. خواننده داستان را پیگیری می کند اما با خود می گوید چرا اتفاقی رخ نداد یا حرفی که باید زده می شد گفته نشد؟

این نکته در مورد خیلی از داستانها گفته می شود که چرا داستان پایان ندارد. وقتی یک نویسنده داستانی را می نویسد، وقتی احساس می کند که در جایی حرفی که باید بگوید تمام شده است، داستان را پایان می دهد. برای مثال من در داستان «آزدها» دیگر بیش از آن نمی توانستم داستان را ادامه دهم البته مسئله نتوانستن مطرح نیست، بلکه خود داستان دیگر کشش و ظرفیت ادامه نداشت. آن جا که راوی و شخصیت اصلی باید می رسید، رسیده بود. در واقع در جایی شخصیت ها ثابت می ماند و خودشان به آن نتیجه مورد نظر می رسید.

معرفی کتاب

مونا شایقان

نگاهی به کتاب «دیوار» نوشته مارلن هاس هوفر

جهان تنهایی

اغلب ما به نوعی تنهایی را تجربه کرده ایم، اما اگر روزی فرا رسد که فکر کنیم نسل انسان به کلی نابود و منقرض شده است و تنها انسان زنده روی زمین ما هستیم، کیفیت و تعریف تنهایی اساساً متفاوت خواهد بود. شرایط گوناگون طبیعت، هستی همان یک انسان را هم تهدید می کند و زندگی مفهوم و روندی دیگر می یابد. شخصیت اصلی رمان «دیوار» نوشته مارلن هاس هوفر مثل همه ما به زندگی عادی خود مشغول است که دیواری سرد و نامرئی دور تا دور او را فرامی گیرد و در حالی که او، تنها، این سوی دیوار مانده است، همه مردم و موجودات زنده آن سوی دیوار در حالت عادی زندگی -نشسته یا ایستاده- مثل مجسمه هایی خشک شده و به آرامی جان سپرده اند. یک دیوار مرموز با جنس و ماهیتی نامعلوم که در عرض یک زمان نامشخص کوتاه از آسمان به زمین یا از زمین به آسمان قد افراشته و جهان را به دو نیم کرده است؛ نیمی مرده و نیمی زنده و زنی تنها در نیمه زنده باید به زندگی دگرگون شده و تازه خوبگیرد و برای زنده ماندن تلاش کند. در این میان او که از آدمیزاد بیش از موجودات دیگر می هراسد با چند حیوان خانگی از جمله سگ، گاو و گربه اش خانواده های تشکیل می دهد و پس از گذر زمان وابستگی آنها تا حدی افزایش می یابد که درک زبان مشترک بین آنها امکان پذیر می شود. در هنگام مرگ یک عضو، دلنگاری پیش می آید و حتی در زمان ناامیدی انسان برای ادامه تلاش و زنده ماندن، وابستگی حیوانات به او به هدفی وادارکننده بدل می شود. نوع زندگی انسان به طور ناخودآگاه به سوی بدویت سوق پیدا می کند و شکار، کار سخت روزانه و همزیستی با طبیعت و حل شدن در آن، شیوه ناگزیر او می شود. حتی این تغییر در برخی عقاید انسانی نیز رخ می دهد و جنبه غریزی زندگی انسان بر جنبه معنوی او پیشی می گیرد اما نه به حدی که او از افکار، تخیلات و اوامع خویش نجات یابد بلکه او همواره در معرض رنج فکر کردن و شعور انسانی است در حالی که حیوانات او فارغتر به شرایط جدید عادت می کنند و تا وقتی حیواناتش تهدید نشود از چیزی هراس ندارند.

مارلن هاس هوفر نویسنده ای که به نگارش داستانهای علمی-تخیلی معروف است، در این رمان به تلفیقی از تخیل و واقعیت دست یافته که همه آثار قبلی اش را تحت تاثیر قرار می دهد. شخصیت اصلی داستان به شیوه گزارش نویسی به بیان جزئیات و نحوه زندگی خود پس از آن اتفاق عجیب می پردازد و با نوشتن این گزارش سعی می کند انسجام ذهن و حافظه خود را حفظ کند. ما در خلال داستان حتی از اسم این شخص هم مطلع نمی شویم اما با او تمام لحظات تلخ تنهایی، ترس، ناامیدی و تلاش برای بقا را درک می کنیم، در واقع نام این شخصیت با تعدی هوشیارانه ذکر نشده تا به عنوان یک موجود انسانی برجسته تر جلوه کند. در این گونه داستانها که شخص در دنیایی جدا از سایرین به دام می افتد و مسیر آموختن زندگی در طبیعت شرح داده می شود، معمولاً مرز این دنیای دورافتاده شکسته می شود، فرد به دنیای سابق خود باز می گردد، همه چیز رنگ عادی می گیرد و داستان پایان می یابد اما در «دیوار» خلاف این الگویی گیری می شود و نویسنده از همان ابتدا تکلیف خواننده را با انتهای گزارشش مشخص کرده و به او امید واهی نمی دهد با این وجود آنقدر داستان را جذاب تعریف می کند که کمتر کسی از خواندن ادامه داستان منصرف می شود. چاپ اول «دیوار» نوشته مارلن هاس هوفر با ترجمه شیرین قرشی در سال ۱۳۸۷ و با قیمت ۳۵۰۰ تومان وارد بازار نشر شده است.

مثلاً در داستان «شهر یک نفره» وقتی شخصیت خوابیده است، داستان تمام می شود و هیچ اتفاق خاصی هم نمی افتد. فکر می کنم بیشتر حس مطرح است تا روایت. در واقع این طور به نظر می رسد که شما یک سری داده در اختیار مخاطب قرار می دهید و به نتیجه رسیدن را به خود وا می گذارید، بی آن که مسیر چگونگی رسیدن به نتیجه را مشخص کنید.

ممکن است این طور هم باشد. من از دید خودم این داستانها را بیان می کنم. در «شهر یک نفره» من به دنبال یک اتفاق درونی بوده ام. داستان دو جنبه دارد یا با یک اتفاق بیرونی یا یک تضاد درونی شکل می گیرد. در این داستان تضاد درونی و غیر محیطی بوده است. وقتی درون این خاتم تضادی با محیط و اطرافیان وجود داشته باشد، یک تضاد درونی شکل می گیرد. اما وقتی این تضاد در درون شخصیت به نوعی برطرف می شود و او به نتیجه می رسد، من احساس می کنم که باید این داستان تمام شود. اگر داستانهای نویسندگان معاصر آلمان مثل «هرمان را بررسی کنیم، از آن شکل روایت و قصه گویی کلاسیک خیلی فاصله گرفته اند. در کل داستانهای کوتاه معاصر از حالت های کلاسیک فاصله گرفته اند اما ما باید لذت تمام شدن داستان را برای مخاطب در نظر بگیریم.

خواننده ممکن است حتی در جایی به کشف درونی شخصیت ها پی نبرد. آیا در مورد پایان این چنینی داستانها تاکید داشته اید؟

خیر اصلاً عمدی در کار نبوده است. این طور نبوده که من بتوانم به داستان چیزی اضافه کنم اما نکرده باشم. یک چیزی در ذهن بوده و من آن را نوشته ام اما نمی دانم چقدر مخاطب به فضای ذهنی من نزدیک شده است. من به همراه نویسندگان دیگر به همراه آقای غفارزادگان طی جلساتی این داستانها را خوانده و بررسی کرده ایم. این طور نبوده که من صرفاً به جهت تایید شخص خودم این داستانها را منتشر کرده باشم، بلکه در مورد بهبود آنها از دیگران هم کمک گرفته ام. آیا شما داستان هایتان را باز نویسی می کنید و در جریان این باز نویسی ها چقدر داستان تغییر می کند؟ بله. اغلب باز نویسی می کنم و گاهی داستان را از نو می نویسم. در جریان باز نویسی داستانها خیلی تغییر می کنند و بهتر می شوند. مثلاً داستان «آزدها» را با این که ساده به نظر میرسد و یک داستان ۴-۵ صفحه ایست، چندین بار باز نویسی کرده ام.



گذری بر «چخوف در زندگی من» اثر دیوید مارگاشاک

چخوف در عبور از آینه

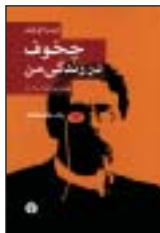


می نویسد: «چخوف فردی نبود که اجازه دهد شهرت مغرورش کند و گویی کمتر از همه تحت تاثیر آن بود. چخوف برای گریگوریوویچ، نویسنده روس نوشت: اگر دارای قریحه ای درخور توجه باشم، متاسفم که باید اعتراف کنم تاکنون ارزشی برای آن قائل نبوده اند و همیشه گفته اند که نباید حرفه اصلی را فدای سیاه کردن ورق ها بکنم.»

ماگاشاک علاوه بر نقل قول های متعددی که ماگاشاک در نوشته اش از آن سود می جوید، کمک فراوانی به درک درون مایه آثار چخوف می کند. او در نقل قولی از نمیروویچ دانچنکو که از پایه گذاران تئاتر هنری مسکو بوده می نویسد: «بسیاری از مردم تصور کرده بودند که تریگورین در نمایشنامه «مرغ دریایی» شخصیتی تخیلی است. تولستوی هم نکته ای با این مضمون گفته است ولی من تصور می کنم چخوف برای نوشتن این نمایشنامه بسیار بیش از آن که فکر می کنیم از مسائل روزمره بهره برده است.» به گفته این کارشناس تئاتر روسیه، «مرغ دریایی» قطعه ای از یک اثر خارق العاده و بی غل و غش است و احتمالاً بسیاری از ریزه کاری های آن مستقیماً از زندگی خود چخوف نشئت گرفته است. ماگاشاک سپس به عقاید منتقد دیگری استناد می جوید. او از یرمیلف می نویسد و این که زندگی شخصی چخوف تا چه اندازه در آثارش منعکس شده است. یکی از مهم ترین نکاتی که باید در خلال دستنویس های نویسنده «چخوف در زندگی من» آن را دنبال کرد این است که علاوه بر ارائه اطلاعاتی درباره زندگی چخوف، می توانیم مسائلی پیرامون زمانی را که چخوف در آن زیسته است در کتاب دنبال کنیم. به طور مثال مسائلی که در طول سال های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در روسیه اتفاق افتاده ذهن این نویسنده را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. از این رو منتقدانی که قصد دارند با توجه به نگرش جامعه شناسانه، آثار چخوف را نقد کنند، می توانند در خلال این دستنویس ها اطلاعاتی قابل توجه را دریافت کنند. هرچند که این اطلاعات با توجه به نگرش نویسنده و به شکلی جانبدارانه نوشته شده است، اما می تواند مسائلی بسیار جزئی و دقیق را درباره چخوف و جامعه ای که در آن زندگی می کرد، در اختیار ما بگذارد. به عنوان نمونه شرحی که لیدیا آویلف از نحوه اجرای «مرغ دریایی» و کارگردانی آن می دهد، بسیار جزئی، دقیق و قابل توجه است. این شرح نشان می دهد که چخوف با چه مشکلاتی در زندگی اش مواجه بوده است و نگرش او ریشه در چه مسائلی دارد.

جوان تر از سن واقعی اش به نظر می رسید. با قامتی بلندتر از متوسط، صورت کشیده مستطیل شکل، موزون و خوش تراش که هنوز خطوط خاص جوانی را از دست نداده بود. در واقع در چهره اش چیز خاصی وجود داشت که در نگاه نخست نتوانستم کشفش کنم. «این نویسنده از سادگی رفتار چخوف می نویسد و آن را به نوشته هایش مرتبط می داند: «سادگی رفتار و گفتار او همان گونه که به راستی در نوشته هایش هم می بینیم، بارزترین بخش شخصیتی او بود.» لیدیا آویلف در کتاب «چخوف در زندگی من» نکات جالبی را از زندگی این نویسنده ارائه می دهد. به عنوان نمونه او از نمایشنامه «مرغ دریایی» می نویسد. به نوشته ماگاشاک این خیال انگیزترین نمایشنامه چخوف است که مهارت بسیاری از منتقدان را به بوته آزمایش کشانده است؛ کسانی که هم اکنون به نظر می رسد حدس و گمان هایشان در مورد اصل و خاستگاه بسیاری از شخصیت های نمایشنامه دور از تصورات آنها بوده است. وی در این مورد می نویسد: «آبهایم که چخوف خود را در آن محصور کرده است عمیق تر می شود اگر بدانیم که برخلاف بسیاری از نویسندگان روس و برعکس آنچه در خارج از روسیه درباره او تصویر می شود، فردی با حس مسئولیت اجتماعی بوده است.» وی سپس از فروتنی این نویسنده روس

کتابخانه عمومی تاگناروف شهر زادگاهش بود و تا پایان زندگی اش با فرستادن کتاب هایی از آن حمایت می کرد.» به گفته ماگاشاک، چخوف هرگز از فعالیت های فراوان اجتماعی اش نه می گفت و نه می نوشت. وی می افزاید: «بی تردید کسانی که تصویر واقعی او را مخدوش کرده و او را به عنوان یک فرد بی تفاوت نسبت به اوضاع زمان خود معرفی کرده اند، در حقیقت بی انصافی روا داشته اند.» ماگاشاک اعتقاد دارد که بررسی زندگی چخوف می تواند به درک بهتر آثار او کمک کند. او بر این باور است که انزوای خودخواسته و خودداری چخوف به شکل گیری «افسانه» نویسنده اش کمک کرد که مسلک تسلیم و کناره گیری را گسترش می دهد؛ باوری که هنوز هم نقش عمده ای در بسیاری از سوء تعبیر ها درباره آثار به ویژه نمایشنامه های چخوف دارد. لیدیا آویلف،



که خود نویسنده داستان های کوتاه است، در قالب یک داستان به توصیف چخوف می پردازد. این شرح هرچند ممکن است کمی از واقعیت دور باشد و نویسنده از نگاه خود چخوف را دیده باشد اما می تواند کمی بیشتر زندگی او را به ما معرفی کند. البته او تنها کسی نیست که جذب رفتار و حرکات نویسنده «مرغ دریایی» شده است. ولادیمیر کرولنکو، نیز در این باره نوشته است: «در برابر مرد جوانی را دیدم که بسیار

آنتوان چخوف یکی از نویسندگانی است که نه تنها مورد توجه همیشگی ما ایرانیان بوده، بلکه علاقه مندان زیادی در دنیا دارد. بخشی از این محبوبیت به داستان های بسیار زیبای این نویسنده روس برمی گردد و بخشی دیگر مرتبط با زندگی اوست. چخوف به عنوان انسانی کم حرف و گوشه گیر، خدمات فراوانی به عنوان یک پزشک به جامعه ارائه داد. او در طول عمرش و با درآمد ناچیزی که داشت سه مدرسه ابتدایی و یک کتابخانه ساخت و تا آنجایی که می توانست به کتاب های این کتابخانه افزود. چنین رفتاری از نویسنده ای در سطح چخوف سبب شد تا او دوستان زیادی داشته باشد؛ دوستان ارانی که بعدها افسانه های بسیاری درباره نویسنده به نگارش درآوردند. «چخوف در زندگی من» حکایت یکی از دوستان او است. این بار نویسنده ای که خود در عرصه داستان کوتاه فعالیت دارد نسبت به این نویسنده ادای دین کرده است. دیوید مارگاشاک که یکی از منتقدان مطرح ادبیات به حساب می آید در شرحی مفصل و زندگی نگارانه که بر این کتاب نوشته، آورده است: درباره چخوف مطالب زیادی نوشته شده که با این که از اهمیت زیادی برخوردار است به نظر می رسد او توانسته از دست منتقدان و زندگینامه نویسانش بگریزد و تنها اخیراً (زمان انتشار این کتاب در روسیه) با انتشار کتابی از خاطرات شخصی چخوف توسط افراد مختلف در مسکو، پرده ای از یکی از قابل توجه ترین رویدادهای زندگی او برداشته شده است.»

به نوشته این منتقد مطرح، غم ناشناخته موجود در آثار چخوف، ارتباطی تنگاتنگ با زندگی شخصی اش داشته است؛ اندوهی که مانند صدای شکننده سیم ویولن در «باغ آلبالو» نمونه بارز قریحه خلاق و مشخصه بارز تمامی داستان های عاشقانه ای است که او نوشته است. وی سپس از نقش چخوف به عنوان یک پزشک در زندگی شخصی اش می نویسد: «این نویسنده روس از نوجوانی سرپرستی خانواده اش را برعهده داشته است. وی کارهای عام المنفعه بسیاری انجام داده است و... آنچه شناخته شده نیست و حتی در طول دوران زندگی چخوف هم در روسیه ناشناخته ماند، آن است که وی با وجود شهرت فزاینده اش به عنوان نویسنده میان روستاییانی که نزدیک منزل ویلاقی کوچکش زندگی می کردند، استخدام شد و توجه زیادی به گسترش دانش در میان روستاییان داشت. توان مالی اندک، او را از ساختن یک بیمارستان و سه مدرسه ابتدایی با هزینه شخصی منصرف نکرد. وی همچنین یکی از پایه گذاران

معرفی کتاب

گزارشی از کتاب «سی قصه از شاهنامه» ۳۰ قصه از ۳۰ سال

یوسف نگاریان: متون کلاسیک زبان و ادبیات فارسی می تواند دستاوردهای فراوانی برای جامعه امروز داشته باشند، با این همه برخی از دشواری های آن سبب می شود تا ارتباط با این متون برای غیرمتخصصان کمی دشوار شود. از این روست که شرح این متون می تواند یکی از راهکارهایی باشد تا مردم با این سرچشمه ناب ارتباط برقرار کنند، هرچند که خواندن متون، بدون این شرح ها لطفی دیگر دارد. در میان کتب کلاسیک ادبیات فارسی، شاهنامه از جایگاهی ویژه برخوردار است. اهمیت شاهنامه و قصه های آن چنان است که ایرانیان همواره خواهان شنیدن آن بوده اند. فردوسی که از شاعران اهل تشیع است در

داستان های منظوم خود، چنان روح ایرانی را بازنمایی کرده است که ما قصه های او را در قالب های مختلف نقلی، پرده خوانی و امی شنویم و شنیده ایم. انتشار کتاب هایی در این عرصه نیز به دلیل علاقه ما به فردوسی است، چنانچه «سی قصه از شاهنامه» تالیف دکتر محمدجعفر محجوب به این دلیل روی داده است.

به نوشته دکتر محجوب در مقدمه کتاب، چون هدف اصلی این اثر، آشتی دادن جوانان و خوانندگان علاقه مند زبان با شاهنامه و آشنا ساختن آنان با روش سخن سرایی و شیوه نگارش کهن و باشکوه استاد طوس است. وی در مقدمه ای که بر کتاب خود نوشته است: «با این حال کوشش شده است که آثار و اشعار برگزیده از روی جدیدترین و درست ترین چاپ هایی که تاکنون در دسترس قرار گرفته است نقل شود و جای جای، تا آنجا که مطلب بیش از حد تحقیقی و فنی نشود، اگر توضیحی درخور اطلاع و جالب توجه خواننده به نظر برسد، درضمن شرح داستان باز گفته آید.»

در کتاب «سی قصه از شاهنامه» کوشش شده تا سرحد امکان از متن شاهنامه استفاده شود، چه هدف اصلی آشنا کردن خواننده با این کتاب و آماده ساختن و تشویق او برای روی آوردن به شاهنامه و خواندن متن کتاب است. نویسنده برای پرهیز از تفصیل بسیار و گنجاندن بیت هایی که معنی آنها بر خواننده روشن نیست، در این موارد، وی شرح برخی از ابهامات پرداخته است. به نوشته این پژوهشگر زبان و ادب فارسی، در بیت هایی که از شاهنامه نقل شده، کوشش شده که ترکیب دشوار و دور از ذهن و واژگان مشکل و پیچیدگی مضمون وجود نداشته باشد تا خواننده به آسانی به خواندن آن توفیق یابد و معنی بیت ها را دریابد. از جمله سی قصه ای که دکتر محجوب در کتاب خود مورد توجه قرار داده، می توان به «زال و رودابه»، «نخستین جلوه های جهان پهلوان رستم»، «هفت خوان»، «کاووس و ارمغان هاماوران»، «فرجام کار کیخسرو»، «بهرام و آرزو» و «فرجام کار افراسیاب» اشاره کرد. مولف پیش بینی کرده بود که مجلدی دیگر درباره شاهنامه منتشر کند، اما اجل مهلت این کار را به وی نداد.



گذری بر «آمادگی بدنی در فوتبال»

سبقت با ماشین گل زنی



هنگامی که یک بازیکن فوتبال با اجرای انواع تکنیک‌ها، تماشاگران مستطیل سبز را محو تماشای خود می‌کند یا یک تیم فوتبال، نمایشی هماهنگ و دلپذیر از خود ارائه می‌دهد، در حقیقت نتیجه زحمات خستگی ناپذیر مربیان و بازیکنان در جلسات تمرین به منصف ظهور می‌رسد.

اگرچه تکنیک‌های ناب و به ثمر رساندن گل به بازی فوتبال زیبایی می‌بخشد، اما آنچه به بازیکنان پرطرفدارترین رشته ورزشی، امکان انجام چنین حرکتی را می‌دهد، آمادگی بدنی آنها برای ۹۰ دقیقه دویدن، پاهای توپ شدن، شانه به شانه شدن با بازیکنان حریف، تکل زدن‌ها، به هوا پریدن‌ها و... است. کارشناسان فوتبال، وجود آمادگی جسمانی بالا را از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک بازیکن و در نتیجه یک تیم می‌دانند و این امر آنقدر اهمیت دارد که تیم‌های فوتبال از متخصصان بدنسازی بهره می‌برند. تاکنون آثار مکتوب متعددی در زمینه بدنسازی فوتبال به رشته تحریر درآمده که از جمله آنها می‌توان به کتاب آمادگی بدنی در فوتبال اشاره کرد که اخیراً از سوی نشر بامداد کتاب منتشر شده است. این کتاب را لاکس باچر از مربیان صاحب‌نام فوتبال به رشته تحریر درآورده و دو مترجم به نام‌های ابراهیم علیدوست قهفرخی و علی اصغر گودرزی آن را به زبان فارسی برگردانده‌اند.

محورهای اصلی این کتاب را نیازمندی‌های فیزیولوژیکی، آمادگی هوازی و بی‌هوازی، آمادگی عضلانی، شیوه‌ها و روش‌های تمرین، تمرینات قدرتی - سرعتی، انعطاف‌پذیری و چابکی، تمرینات پلایومتریک، تغذیه برای اجرای برتر و دستیابی به وزن بهینه و مطلوب تشکیل می‌دهد.

در مقدمه این کتاب آمده است: یکی از ویژگی‌های شاخص این کتاب که آن را از سایر آثار موجود متمایز می‌کند، این است که در بحث آماده‌سازی و ارائه تمرینات آمادگی، تمامی مسائل ریز و درشت مانند تمرینات استقامتی، قدرتی، انعطاف‌پذیری، چابکی و حتی تغذیه ورزشکاران مد نظر قرار گرفته و قبل از ارائه تمرینات، اصول و مبانی علمی آنها بیان شده است.

بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی در جریان پخش مسابقات فوتبال، آمار قابل توجهی را درباره بازیکنان داخل زمین مسابقه ارائه می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به میزان مسافت طی شده از سوی یک بازیکن در مدت زمان حضورش در زمین اشاره کرد.

اتفاقاً این آمار در مبحث نیازمندی‌های

داده شده، تصویر کاملی از میزان مصرف انرژی و شدت تمرین را نشان می‌دهد.

به طور کلی بیان ساده مطالب علمی و تحقیقی را می‌توان از جمله ویژگی‌های این کتاب برشمرد که باعث می‌شود مربیان فوتبال به راحتی مسائل علمی حوزه بدنسازی را درک کنند، البته این روند در ادامه کار با توجه به ضرورت استفاده از لغات تخصصی، قدرتی تغییر می‌کنند، اما اساس کار مترجمان، ساده‌نویسی بوده است هر چند باید گفت وجود برخی جدول‌ها نظیر الگوهای حرکتی بازیکنان فوتبال به درک صحیح تر مخاطبان کمک می‌کند.

پس از بیان نیازمندی‌های فیزیولوژیکی در فصل اول، روش‌های تمرین در فصل دوم تشریح می‌شود. در این فصل تمرینات آمادگی برای جوانان و زنان، اصول تمرینات آمادگی، گرم و سرد کردن بدن

فیزیولوژیکی کاربرد فراوانی دارد. بر اساس مطالب این کتاب، بازیکنان فوتبال دائماً برای تصاحب توپ، حمایت از هم تیمی، تغییر موقعیت، ایجاد فضا و تعقیب کردن رقیب، تحرک دارند و تلاش می‌کنند. به همین دلیل شدت فعالیت در بازی فوتبال متغیر است و آهنگ بازی مدام در حال تغییر است.

ویژگی که فوتبال را از سایر ورزش‌های استقامتی جدا می‌کند، این است که شدت فعالیت به طور نسبی در سراسر مسابقه در سطح ثابتی باقی می‌ماند، ولی نیازهای فیزیولوژیکی با توجه به سطح مسابقه، روش بازی، نقش‌ها، مسئولیت‌ها و ویژگی‌های محیطی، تغییر می‌کند و برای هر فرد متفاوت است.

بر مبنای مطالب این کتاب، رایج‌ترین روش برآورد فشار کار، تعیین مسافتی است که یک بازیکن در طول بازی طی می‌کند و مجموع مسافت پوشش

و معالجه آسیب دیدگی‌ها تشریح شده است. پایان فصل دوم با ارائه بحثی با نام افسانه‌ها و توهمات رایج در تمرینات رویکردی روان‌شناسانه دارد.

در فصل‌های بعدی این کتاب، موضوعاتی چون آمادگی هوازی، آمادگی بی‌هوازی، آمادگی عضلانی، تمرینات قدرتی، تمرینات سرعتی، انعطاف‌پذیری و چابکی، تمرینات پلایومتریک، تغذیه برای عملکرد برتر، دستیابی به وزن مطلوب و برنامه تمرین سالانه در زوایا و ابعاد مختلف تشریح شده است.

تصاویر و علائم به کار رفته در این کتاب می‌تواند به یادگیری مخاطبان برای انجام صحیح تمرینات کمک کند. چاپ اول کتاب آمادگی بدنی در فوتبال را نشر بامداد کتاب در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه در ۱۷۶ صفحه و قیمت ۳۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

معرفی کتاب

نگاهی اجمالی به کتاب «شطرنج پیشرفته» اثر اوکلی

باشگاه شطرنج‌بازان



اوکلی شطرنج‌باز نامدار جهان معتقد است که هر کس بخواهد، می‌تواند بازیکنی قوی یا حتی استاد شطرنج شود، فقط کافی است از معلوماتی که به مرور کسب کرده است، با دقت استفاده کند.

اگر قرار باشد این حرف اوکلی درست باشد، پس سختی و پیچیدگی‌های این رشته ورزشی و بازی‌زیباراباید به حساب چه عواملی گذاشت؟

شاید سخنان اوکلی، بهترین پاسخ به این سوال باشد. او می‌گوید: شاید بتوان بازی شطرنج را با محاسبه ذهنی مقایسه کرد. اگر چه

ضرب یک رقم در یک رقم در ذهن ساده است، اما با اضافه شدن هر رقم، محاسبه پیچیده‌تر می‌شود تا جایی که از حد توان ذهن می‌گذرد. این پیچیدگی برای هر دو حرفی یکسان است و جذبه شطرنج در همین امکانات بی‌شمار نهفته است.

شاید این چند پاراگراف مقدمه‌ای مناسب برای همراه شدن با کتاب «شطرنج پیشرفته» اثر آلبریک اوکلی (۱۹۱۱-۱۹۸۰) استاد بزرگ، داور بین‌المللی و قهرمان شطرنج مکاتبه‌ای از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ باشد.

اوکلی در جلد‌های اول و دوم این کتاب که توسط آلن بیو گردآوری و از سوی عزیزالله صالحی مقدم ترجمه شده است، ۲۵ درس را برای بازیکنان باشگاهی در نظر گرفته؛ افرادی که قصد دارند شطرنج خود را تقویت کنند و به بازیکنانی درجه یک و قدرتمند تبدیل شوند.

کتاب «شطرنج پیشرفته» در دوازده درس سعی می‌کند مخاطبان را به سطح بازیکنانی درجه یک برساند و هدف از جلد دوم که حاوی ۱۳ درس است و به زودی منتشر شود، رساندن بازیکنان به سطوح

استادی شطرنج جهان است.

مترجم کتاب براساس تجربیات جهانی روش شطرنج مکاتبه‌ای که از سال ۱۹۷۰ به بعد در فرانسه و آلمان غربی رواج پیدا کرد، مدعی شده است که مخاطبان کتاب در صورت پیروی آگاهانه از مطالب این کتاب، می‌تواند طی یک سال از یک بازیکن ضعیف باشگاهی به یک بازیکن درجه یک تبدیل شوند.

حمله در شروع بازی، کنترل مرکز و برتری فضا، حمله و دفاع، آچمزی، حمله به قلعه حریف، برتری دو فیل، بازی با رخ، آخر بازی‌های مختلف، آخر بازی رخ، انواع وضعیت‌ها، طرح ریزی در شطرنج و روند تفکر در شطرنج عناوین ۱۲ درس گنجانده شده در جلد اول این کتاب هستند.

جلد دوم این کتاب که به مبحث شطرنج قهرمانی مربوط می‌شود، در آینده‌ای نه چندان دور از سوی نشر فرزین منتشر خواهد شد و جلد اول نیز اخیراً در شمارگان دو هزار نسخه و بهای ۳۲۰۰ تومان از سوی همین انتشارات به بازار کتاب آمده است.



با مرتضی سرهنگی و «همه چیز درباره جنگ»

بیشترین اطلاعات جنگ در کمترین حجم

مرتضی سرهنگی متولد سال ۱۳۳۲ تهران است. او کار روزنامه نگاری را از سال ۵۸ در گروه فرهنگی روزنامه جمهوری اسلامی آغاز کرد و تا سال ۶۷ در آنجا به ادبیات جنگ و دفاع مقدس پرداخت. سرهنگی در سال ۶۷ به حوزه هنری رفت و حمایت از ادبیات جنگ و نویسندگان دفاع مقدس را آغاز کرد و به نوعی می توان او و هدایت الله بهبودی را پایه گذاران ادبیات پایداری در کشور با انتشار دو هفته نامه «کمان» دانست که عرصه جدیدی را بر نویسندگان ادبیات پایداری گشود. سرهنگی هم اکنون مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری حوزه هنری را عهده دار است و از آثار او می توان به کتاب های «پایه پای باران» (دو گزارش از خرمشهر)، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراق در هشت مجلد، «خانه کوچک با زندگی بزرگ»، «خرمشهر»، «کو جهان آرا»، «آسم من چغیه است»، «باغ انگور»، «باغ سیب»، «باغ آینه»، «سفر بر مدار مهتاب» و «مرتضی آینه زندگی ام» بود اشاره کرد. همه چیز درباره جنگ مجموعه ای هشت جلدی از آخرین نوشته های سرهنگی است که جلد اول آن به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر به بازار عرضه شده است. «عراق کجاست»، «قرارداد الجزایر»، «مهم ترین قراردادهای مرزی ایران و عراق»، «طول مرزهای ایران و عراق»، «آروند رود»، «خط تالوگ»، «حزب بعث»، «قادیسیه»، «روز صاعقه»، «صدام کیست؟» و «تعریف تجاوزه» عناوین یازده گانه جلد اول را تشکیل می دهند. مرتضی سرهنگی در مقدمه این کتاب آورده است: «وقتی به فلات وسیع دفاع هشت ساله مان نگاه می کنم، بلندی های کوچک و بزرگی را می بینم که هر کدام دنیایی در دل خود پنهان کرده اند. اگر دست جست و جوگری به طرف شکاف های این بلندی ها بیاید، ماجراها و شخصیت هایی را بیرون می آورد که همه شان خواندنی، دیدنی و ماندنی اند... قرار است مجموعه همه چیز درباره جنگ بلندی های هر سال را در یک جلد با نثر ساده و عکس ها و اسناد به شما نشان دهد. به همین خاطر هشت جلد کتاب به تعداد سال های جنگ پیش روی شما خواهد گذاشت».

آقای سرهنگی به تازگی جلد اول از مجموعه آثار «همه چیز درباره جنگ» منتشر شده است. موضوعات این کتاب بر چه اساس انتخاب شده اند؟

برای جلد اول یازده موضوع را انتخاب کردم و درباره هر کدام چند صفحه ای نوشته ام که به نظر من دانستن این موضوع ها برای شناخت جنگ عراق با ایران لازم است چون با این که حدود ۲۰ سال از پایان جنگ می گذرد اما نظام رسانه ای ما هنوز به یک زبان شیرین و قابل فهم برای بیان حوادث جنگ نرسیده است. من نیز در جلد اول برای آشنایی مقدماتی خواننده با فضای جنگ به اشخاص، مکان ها و قراردادهایی پرداختم که هر یک به نوبه خود در بروز و ادامه جنگ عراق با ایران موثر بوده اند.

همان زبان تبلیغی و تعقلی که در گفته ها و نوشته هایتان هست؟

بله! وقتی جنگ به پایان می رسد این دستور زبان تبلیغی به زبان تعقلی تبدیل می شود و در چنین حالتی باید با مردم با زبانی حرف زد که به زیاد شدن دانش پیام گیر اضافه شود.

این افزایش دانش چه تاثیری بر مخاطب یا به قول شما پیام گیر دارد؟

ما هر چقدر درباره موضوع، پدیده یا واقعه ای مثل جنگ اطلاعات علمی و دقیق داشته باشیم منصفانه تر درباره آن قضاوت می کنیم. به عنوان مثال ما از ۱۵ کشور اسیرداری کردیم؛ یعنی از سنگرهای سربازان عراقی در جبهه های جنگ، سربازان مصری، سودانی، اردنی، یمنی و... بیرون می آمدند.

این آمار درست است؟

بله! کاملاً دقیق است. من با بسیاری از اسیران غیر عراقی در اردوگاه های ایران حرف زده ام و آنها را دیده ام. این آمار رسمی ارتش ماست و می توانید این آمار را با تعداد اسرای هر کشور از ارتش بگیرید.

چرا این آمار و حقایق منتشر نمی شود؟

به همان دلیلی که در پرسش های قبلی گفتم. ما متأسفانه در زمان صلح هم از زبان تبلیغی پیروی می کنیم و تمایز ندادن این دو موضوع زیان زیادی به حقیقت جنگ ما زده است که در جلد های بعدی به این آمار می پردازم.

آقای سرهنگی! برگردیم به کتاب «همه چیز درباره جنگ». در جلد اول کتاب ایجاز و اختصار در بیان مطالب کاملاً مشهود است.

درست است. من بر این کار اعمد داشتم. چون مخاطب اصلی این مجموعه آثار جوانان هستند پس باید در کمترین حجم بیشترین اطلاعات را به آنان منتقل کنم.

با این همه، جامعیت در بیان این موضوع ها هم دیده می شود.

خب شاید از خوش شانسی من باشد.

کتاب متن ساده ای دارد؛ حتی در بیان موضوع های تاریخی مثل قرارداد الجزایر یا تعریف تجاوزه و... متن همه این یازده موضوع بارها و بارها نوشته شده تا به این زبان ساده برسد. گاهی زبان «ساده» را با زبان «سطحی» اشتباه می گیرند. این دو خیلی با هم تفاوت دارند. از طرف دیگر ما باید لذت مطالعه و خواندن راحتی در موضوع های تاریخی به پیام گیران خود بچشانیم. اگر متن روان، ساده و صمیمی نباشد و مخاطب آن را کنار بگذارد، برای نویسنده شکست محسوب می شود چون مخاطب امروز حتی متن متوسط را هم نمی خواند.

اسناد و تصاویر تازه ای در جلد اول دیده می شود؛ مثلاً تصویر متن قرارداد الجزایر یا قرارداد دوم



ارزم روم که امیر کبیر آن را امضا کرده است.

برای مسائلی که در این کتاب ذکر شده باید اسناد و مدارک ارائه می کردم. این شیوه کاملاً طبیعی است و به فهم موضوع خیلی کمک می کند.

آیا برای پیدا کردن این اسناد و تصاویر با مشکلی روبه رو نشدید؟

تقریباً می توانم بگویم نه. تعدادی از آنها را به مرور زمان جمع کرده بودم و تصاویر قرارداد الجزایر و نقشه های اصلی تعیین مرزهای ایران و عراق - که به نظرم برای اولین بار در این کتاب منتشر می شود - را اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه در اختیارم گذاشت که در فصل منابع ذکر شده است.

نکته قابل توجه دیگر این است که جلد اول، گرافیک قوی و منسجمی دارد.

این زیبایی و انسجام را مدیون کوروش پارسا نژاد هستیم. من سال هاست با ایشان کار می کنم و کمتر اتفاق افتاده که از دیدن آثارش لذت نبرم. گرافیک یک کتاب و حتی طرح حروفی جلد آن یکی از نشانه های تشخیص کتاب است و چنین مجموعه آثاری نمی تواند از تشخیص برخوردار نباشد.

در صورت امکان درباره جلد های بعدی توضیحاتی بفرمایید.

موضوع جلد های بعدی در مراحل تحقیق و نگارش است. ما در جلد دوم که به سال ۱۳۵۹ اختصاص دارد با بیشترین حجم موضوع روبه رو هستیم؛ از اسارت و زیر نفت آن دوره محمد جواد تندگویان گرفته تا سقوط هواپیمای بن یحیی وزیر امور خارجه الجزایر که برای میانجیگری از بغداد به تهران می آمد چون عراقی ها هواپیمای بن یحیی را زدند و او به اتفاق همراهانش همگی کشته شدند. جالب است که این کار را اقدام ایران می دانستند ولی بعد از سقوط صدام معلوم شد که کار عراقی ها بوده است.

در خصوص گرافیک جلد های بعدی این مجموعه آثار هم یک یونین فرم ثابت طراحی شده است که جلد های بعدی بر اساس آن صفحه آرای خواهد شد.

چه حجم از مطالب جلد های دیگر آماده شده است؟

بیشترین متنی که آماده شده مربوط به سال ۱۳۵۹ است و برای جلد های بعدی هم به موازات موضوع یابی، کار نگارش صورت خواهد گرفت.

معرفی کتاب

مریم خسروانی

پرواز در آسمان زندگی

کتاب «عینک پدر» گزیده ای از خاطرات سید رسول شریعتی از چگونگی حضور در جبهه و تعدادی از عملیات های دفاع مقدس است که به تازگی باباز آفرینی زهرادرودیان از سوی انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۰۰۰ تومان روانه بازار شده است. سید رسول شریعتی در سال ۱۳۴۴ در شهر اصفهان و در خانواده ای متدین و مذهبی متولد شد. حضور او در مجالس قرآنی از دوران کودکی و انس با قرآن باعث شد تا از فعالیت های قرآنی خود در جبهه این گونه یاد کند: «عشق به قرآن که در وجودم ریشه دوانیده بود بعدها باعث شد تا در جبهه نیز برخی فعالیت ها را در مجالس قرآنی به عهده بگیرم».

«عینک پدر» مجموعه خاطرات شریعتی از دوران طفولیت یعنی سه سالگی؛ زمانی که خانواده اش به دلیل شغل پدر مجبور به نقل مکان از اصفهان به شهر نجف آباد می شوند را شامل شده و برخی از خاطرات او را تا جایی که در ذهن می گنجند در برمی گیرد. نکته جالب توجه، مصائبی است که او به دلیل سن پایینش برای اعزام به جبهه متحمل می شود، به گونه ای که در بخشی از خاطرات خود این گونه آورده است: «برای این کار دو سال دیرتر به دنیا آمده بودم. به خدا توکل کردم و راه افتادم. یادم هست به آنها گفته بودم که متولد ۱۳۴۴ هستم. خدا کند فراموش کرده باشند. من فقط با یک تکه کاغذ، عدد ۴ سمت راست را پوشانده بودم و روی آن عدد ۲ را نوشته بودم».

آنچه از مطالعه کتاب برمی آید، روایت مستندگونه شریعتی از دوران زندگی و حضورش در جبهه است که با روایتی ساده و بدون زوایا معمول، خواننده را مستقیماً به عمق وقایع اصلی می کشاند و در پی ماجراهای جذاب و پرکشش کتاب رهسپار می کند. زهرا درودیان در باز آفرینی کتاب به مدد بهره گیری از زبان ساده و بدون ورود در تخیل، روایت جذابی از وقایع جنگ را به مخاطبان ارائه کرده است و به نظر می رسد تنها در جابه جایی خاطرات شریعتی تغییریاتی ایجاد کرده است.

سید رسول شریعتی پس از روایت فرازهایی از دوران کودکی و چگونگی اعزام و حضور خود در جبهه به سراغ اولین اعزام خود به منطقه سرپل ذهاب می رود. او با ذکر جزئیات وقایع، آنها را خواندنی و دلنشین کرده است: «نمی دانم با سنی که من داشتم رفتن به جبهه پرش تا کجای زندگی بود. افرادی که برای بدرقه اولین اعزام آمده بودند را نمی دیدیم. فقط یک روز صبح خودمان را در یک پادگان نظامی دیدیم که اطرافش را ساختمان های چند طبقه جنگ زده گرفته بود.

ساعتی بعد بلندگوی پادگان اعلام کرد که باید حرکت کنیم. بچه ها وسایل خود را جمع کردند و آماده ایستادن. مدتی بعد سوار خودروهای پادگان شدیم و به سمت مقر «حاجی بابا» حرکت کردیم. این نام را روی مدرسه ای گذاشته بودند که در یکی از روستاهای آزاد شده در منطقه سرپل ذهاب بود. در طول عبور از این پل، وضعیت ناهنجار ناشی از جنگ پیدا بود. در دل دشت تانک های سوخته عراقی از نفس افتاده بودند...»

شریعتی در فصل های بعدی کتاب با همین شیوه جزئیات سایر اعزام های خود به مناطق و عملیات های کردستان، دیواندره، بانه، سردشت، عملیات والفجر، لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، عملیات خیبر، تیپ زرهی ۲۸ صفر، اندیمشک، لشکر ۸ نجف اشرف، پادگان انبیا شوشتر، عملیات بدر، «جزیره مجنون»، یگان دریایی لشکر ۸ نجف اشرف، «خرمشهر» و عملیات کربلای ۴ را روایت می کند.



این هفته با مهدخت سراجی نویسنده کتاب «از پارچه تا عروسک»

عروسک‌های کودکان قدیم



مشکلی نیست و من تمام تلاشم را به کار گرفته‌ام تا ساختن آنها به ساده‌ترین شکل امکان‌پذیر باشد. آیا تاکنون عروسک‌هایتان را به فعالان تئاتر عروسکی هم ارائه داده‌اید؟ خیر، اما امیدوارم در آینده این کار صورت بگیرد، چون واقعا علاقه مندم این عروسک‌ها حالتی کاربردی داشته باشند. به نظر می‌رسد کتاب شما بیشتر یک کار حرفه‌ای باشد تا ایجاد سرگرمی برای مخاطبان. سعی کرده‌ام هر دو رویکرد در کتابم لحاظ شود اما اگر یک رویکرد دیگری بیشتر بوده، ضعف از کار من است. در کل ساختن چند عروسک در این کتاب آموزش داده شده است؟ حدود سی عروسک که اغلب آنها محلی هستند. در صورت امکان از شخصیت‌های مهم عروسکی که ساختنشان در این کتاب آموزش داده شده بیشتر بگویید. از شخصیت‌های عروسکی که در سطح ملی مطرح هستند، می‌توانم از عروسک «مبارک‌نام بیروم» و از محلی‌ها هم دو عروسک تکم از مناطق آذری زبان و آهوبره از مناطق لر زبان قابل اشاره هستند.

ظاهرا عمده تلاش شما ساختن عروسک‌های نمایشی است. بله، چون عروسک‌های نمایشی که ما در گذشته داشته‌ایم، امروزه یافت نمی‌شوند و مشابه خارجی جای آنها را گرفته، به همین دلیل من تمام تلاشم را به کار گرفتم تا عروسک‌های مناطق مختلف کشور را که به بوته فراموشی سپرده شده‌اند مجددا احیا کنم. عروسک‌هایی که شما ساختن آنها را آموزش داده‌اید اغلب با اسامی محلی نام‌گذاری شده‌اند. آیا این اسم‌ها واقعا وجود داشته‌اند یا شما بنا بر سلیقه خودتان آنها را انتخاب کرده‌اید؟ سوال خوبی است. با کمال تأسف باید بگویم که اغلب عروسک‌های پارچه‌ای سراسر کشور فاقد اسم هستند و فقط در بعضی مناطق می‌توان نام و نشانی درست آنها را یافت اما من در مطالعاتی که در این زمینه داشتم متوجه شدم هر عروسک بنابه نوع استفاده‌اش، نام‌گذاری می‌شده و من هم بر همین اساس عمل کردم. فکر می‌کنید آموزش‌های شما در این کتاب بدون مری امکان عملی شدن داشته باشد؟ ساختن عروسک‌هایی که در این کتاب آمده کار

مهدخت سراجی متولد ۱۳۶۰ در اولین کتابش سعی کرده با اتکا بر حس تجربه ساختن عروسک با استفاده از پارچه‌های اضافه را آموزش بدهد. سراجی آن‌گونه که خودش می‌گوید یک لحظه از وقتش را هم تلف نمی‌کند و همواره در فکر ساختن عروسک و ارائه تجربیات خود به دیگران است. او تاکنون موفق به ساخت عروسک‌هایی شده که ردپایی در فرهنگ اقوام مختلف کشور دارند. گفت‌وگوی کوتاه ما را با او بخوانید.

شما در اولین کتابتان سعی کرده‌اید اصول ساخت عروسک‌های مختلف را با استفاده از پارچه‌های اضافه آموزش بدهید. آیا این اصول را به شکل حرفه‌ای آموخته‌اید یا ریشه در تجربه‌های شخصی شما دارد؟ کلا تجربی است اما سعی کرده‌ام از تجربیات دیگران هم استفاده کنم. در آغاز کار سعی می‌کردم عروسک‌هایی بسازم که از هر لحاظ متعلق به دنیای خودم باشند اما بعدها متوجه شدم این کار مشکل است و یک‌تنه از عهده‌اش بر نمی‌آیم. بعد از آن سعی کردم خودم را اذیت نکنم و به ساختن عروسک‌هایی بپردازم که توانم اجازه می‌دهد.

بازتاب کتابتان تاکنون چگونه بوده؟ مراحل چاپ و انتشار این کتاب بسیار مشکل بود اما امیدوارم بازتابش به گونه‌ای باشد که خستگی را از تنم بیرون کند. مناسبانه چون این کتاب به تازگی عرضه شده نمی‌توانم از میزان استقبال خوانندگان بگویم. چاپ اولین کتابتان؛ سرمایه‌گذاری شخصی عرضه شده است؟ مگر راهی جز این هم وجود دارد؟ برخی ناشران با یک کتاب اولی چنان رفتار می‌کنند که گویی پدیدآورنده‌اش با جیبی پر از پول از کره‌ای دیگر آمده. بله، سرمایه‌گذاری شخصی کردم و این سرمایه‌گذاری به دلیل چاپ تصاویر عروسک‌ها هزینه کمی نمی‌برد. و حرف آخر. حرف آخر این که امیدوارم کتابم دیده و خرید شود تا من هم انگیزه ادامه کار را داشته باشم.



خانه کتاب

باسمه تعالی

فراخوان ششمین دوره جایزه کتاب فصل

دیپلوم جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق مؤلفان، مترجمان و مصححان متعدد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، ششمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۷) را برگزار می‌کند. از این رواز ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می‌شود آثاری را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۷ منتشر کرده‌اند، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: سی‌ام مهر ۱۳۸۷

نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و خیابان فلسطین جنوبی، شماره ۱۷۸، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲، دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۶۶۹۶۶۳۱۹ تلفکس: ۶۶۹۶۶۳۱۸



باسمه تعالی

فراخوان جشنواره پیروین اعتصامی

هدف از برگزاری جشنواره ادبی پیروین اعتصامی و اهدای جایزه آن، بزرگداشت مقام و شخصیت شاعر نامدار ایران پیروین اعتصامی، رشد و اعتلای خلاقیتها و آفرینشهای ادبی بانوان ترویج و تقویت زبان فارسی در خارج از کشور، ایجاد پیوند بین ادبیات ملی بعرویت در حوزه جهان اسلام، معرفی چهارمقاله شاخص زبان ادیب و پژوهنده و تقدیر از زبان درحرفه زبان و ادب فارسی است.

سومین دوره این جشنواره با مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب استفاده سال جاری مطابق با روز تولد پیروین اعتصامی برگزار می‌شود. لذا از تمامی بانوان اهل قلم اعم از شاعران نویسندگان مترجمان منتقدان و پژوهشگرانی که آثارشان برای نخستین بار در سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ منتشر شده دعوت می‌شود تا دوشاخه از آثار خویش را به دبیرخانه این جشنواره ارسال نمایند. حوزه مورد ارزیابی هیئت داوران این جشنواره آثار تألیفی و ترجمه‌های بانوان است که به زبان فارسی منتشر شده و موضوعات آن عبارتند از:

۱. شعر
۲. ادبیات داستانی (داستان بلند، داستان کوتاه و نظایر آنها)
۳. ادبیات نمایشی (نمایشنامه)
۴. پژوهش‌های ادبی (تقد و پژوهش، پایان نامه‌های دانشجویی، مجموعه مقالات ادبی و نظایر آنها)
۵. ادبیات کودکان (داستان و شعر کودک و نوجوان)

مهلت ارسال آثار: ۳۰ مهر ماه ۱۳۸۷

نشانی دبیرخانه: تهران، خ انقلاب، بین فلسطین جنوبی و برادران مظفر، پلاک ۱۷۸، طبقه ۲

تلفن: ۶۶۹۶۶۳۱۹ پورتال: ۶۶۹۶۶۳۱۸ www.parvin.ir



جدال لفظی سخنگوی نوبل و رئیس جوایز ملی آمریکا بالا گرفت

دوئل با نوبل



با آن که بیش از دو ماه از درگذشت محمود درویش، شاعر مبارز فلسطینی می‌گذرد اما هنوز رسانه‌های معتبر جهان به بهانه‌های مختلف به اخبار مرتبط به وی می‌پردازند و این نشان از اهمیت این شاعر در عرصه جهانی دارد. در طول هفته گذشته نیز چند خبر مرتبط با این شاعر منتشر شد که در میان آنها دو خبر از بقیه دارای اهمیت بیشتری بود. از سوی اشعار محمود درویش جایزه ملی ترجمه را در انگلستان دریافت کرد و از سوی دیگر فیلم سینمایی "هویت روح" که اثری است درباره این شاعر در زادگاه او به نمایش درآمد. ترجمه انگلیسی اشعار محمود درویش در حالی جایزه بهترین ترجمه را در انگلستان به دست آورد که آثار متعددی در رقابت با این اثر بودند. ترجمه قادی جواه، مترجم اشعار درویش توانست جایزه ملی دو هزار پوندی انگلستان را از آن خود کند که هم از نظر ارزش مالی و هم از نظر اعتبار ادبی در سطح بالایی قرار دارد. این مترجم همچنین به تازگی جایزه سیف قبش بانپال را برای برگردان انگلیسی دفتر "وزن پروانه" دریافت کرده بود. از سوی دیگر، به نمایش درآمد فیلم داستانی "هویت روح" که براساس زندگی درویش ساخته شده با بازتاب‌های گسترده‌ای همراه بود. این فیلم ساخته توماس هوک نوروی است که زندگی این شاعر مردمی را به تصویر کشیده است. نمایش این فیلم در مراسم یادبود درویش در رام‌الله صورت گرفت و با استقبال خوبی از سوی تماشاگران روبه‌رو شد.

در کنار اخبار مرتبط به محمود درویش، اخبار و حاشیه‌هایی درباره نوبل، بخش مهمی از رسانه‌ها را به خود اختصاص داد با این توضیح که بیشتر این اخبار مرتبط با اظهارات رئیس آکادمی نوبل و برخی از گمانه‌زنی‌هایی بود که توسط برخی نهادها در مورد برنده احتمالی نوبل ادبی صورت گرفت. هوراس انگدال، رئیس آکادمی نوبل، طی اظهاراتی که با بازتاب گسترده‌ای در سطح جهان روبه‌رو شد نویسندگان آمریکایی را کوه‌تین، کم‌سواد و دور از سطح ادبیات دنیا توصیف کرد. او با اعلام این که هیئت داوران شانزده نفره شاخه ادبیات هنوز برنده نوبل را انتخاب نکرده‌اند، نویسندگان آمریکایی را شایسته رقابت با هم‌تایان اروپایی خود ندانست و به این ترتیب خیال این نویسندگان را از بابت کسب نوبل ۲۰۰۸ به گونه‌ای راحت کرد. سخنگو و رئیس آکادمی نوبل بدون اشاره به نامزدهای امسال جایزه نوبل ادبیات، در اظهارنظری کلی درباره ادبیات آمریکا گفت: "نویسندگان آمریکایی بسیار منزوی و کوتاه‌بین هستند، به ترجمه آثار مهم دنیا توجهی

سفر به دیگر سو

کنستانتین پاولوف (شاعر ملی بلغارستان)، آدولف برانالد (نویسنده و رمان‌نویس چک) و هیدن کروت (شاعر آمریکایی) از جمله درگذشتگان مطرح عرصه ادبیات در هفته گذشته بودند. کنستانتین پاولوف که در هنگام مرگ ۷۵ سال داشت، به جز سرودن اشعار حماسی و میهنی در نگارش قصه و فیلمنامه هم تجربه‌هایی داشت. او سابقه‌ای طولانی در مبارزه با کمونیست‌های بلغاری داشت و بارها به دلیل گرایش‌های مذهبی‌اش مورد آزار حکومت کمونیستی این کشور قرار گرفت. آدولف برانالد، نویسنده و رمان‌نویس چک در زمان مرگ، نود و هفت سال داشت. وی از جمله نویسندگانی است که بر شکل‌گیری جنبش‌های ادبی قرن بیستم جمهوری چک تأثیرات فراوانی گذاشته است. از شباهت‌های این نویسنده چک با پاولوف بلغاری می‌توان زیر فشار بودن آنها توسط حکومت کمونیستی و علاقه‌شان به سینما یاد کرد. هیدن کروت نیز در زمان مرگ ۸۷ سال داشت. این شاعر آمریکایی را از جمله مولفان نوگرایی این کشور به حساب می‌آوردند. او سی دفتر شعر و پنج کتاب مجموعه نقد ادبی را در میان آثارش دارد.

ندارند و این سبب می‌شود که در گفت‌وگوهای مهم ادبی حضور نداشته باشند و این بی‌خبری، آنها را از خلاقیت بازمی‌دارد. از سوی دیگر، هارولد براونم که مدیر اجرایی نوبل و رئیس جوایز ملی آمریکاست، در واکنشی شتابزده رئیس هیئت داوران نوبل را به بی‌سوادی و اطلاعات کم نسبت به ادبیات آمریکا محکوم کرد. پیامد این صحبت‌ها نشانگر همان نکته‌ای است که سال‌ها مورد اعتراض بسیاری از نویسندگان بوده: نویسندگانی که نوبل را یک جایزه سیاسی دانسته‌اند و حتی از دریافت آن سربازده‌اند. در دیگر اخبار مرتبط با نوبل می‌توان به گزارش نیوزویک اشاره کرد که از شائبه‌ها و حاشیه‌های نوبل طی سال‌های گذشته نوشته بود. گزارشگر نیوزویک از مهاتما گاندی به عنوان چهره‌ای صلح‌طلب یاد کرد که با آن که بارها توسط نهادهای مهم و معتبر جهانی برای دریافت جایزه نوبل صلح نامزد شده بود اما داوران نوبل هیچ‌گاه او را شایسته دریافت این جایزه ندانسته بودند. نویسنده این گزارش از عدم دریافت جایزه صلح نوبل به وسیله صلح‌طلب‌ترین مردم جهان نتیجه گرفته است که نمی‌توان آنچنان به رای داوران این جایزه توجه داشت. از سوی دیگر چند نام نیز در گمانه‌زنی‌ها وجود دارد که احتمال برنده شدن آنها در نوبل ادبیات امسال، بیش از دیگران است اما داوران نوبل، اغلب از کلاه جادویی شان خرگوش عجیب و غریب بیرون می‌آورند که در بیشتر موارد ارتباط چندانی با ادبیات و برتری‌های ادبی ندارد. انتشار زمانی از جان بارت، که دو سال پیش کتاب "آپرای شناور" او به فارسی ترجمه شد، از دیگر اخبار

در کنار این اخبار بازار زندگی نامه‌نویسی نیز هفته پرتب و تاب‌ی را پشت سر گذاشت. لاکله زیو در شرایطی زندگی نامه خود را منتشر کرد که بسیاری او را یکی از شانس‌های دریافت جایزه نوبل می‌دانند. او این کتاب خود را "شعر گرسنگی" نام نهاده است. از سوی دیگر زندگی نامه رمان‌گونه هاج وود با عنوان "آب ماهیگیری" هم برنده جایزه ادبی اتحادیه نویسندگان آمریکا در سال ۲۰۰۸ شد. این کهنه‌سرباز جنگ ویتنام، از خاطرات خود در این جنگ نوشته است.

برگزاری بیست و هفتمین دوره نمایشگاه کتاب شارجه، برگزاری جشنواره شعر کانادا، انتشار رمان جدید مرلین روبنسون، بازآفرینی دراکولا در خانواده برام استوکر و انتشار نامه‌های تدهیوز از دیگر اخبار مهم هفته گذشته بود.

یادداشت

محمد رضویان



نوبل ادبی را جدی بگیریم؟

توجه نداشتن نویسندگان جدی به نوبل ادبیات نکته‌ای است که سال‌ها در حال تکرار شدن است. مسائل مختلفی که پیرامون نوبل و شائبه‌های سیاسی آن عنوان می‌شود در کنار داوران نه‌چندان متخصص این جشنواره سبب شده که دست کم در دهه اخیر، این جایزه به نویسندگانی اهدا شود که شایستگی دریافت آن را نداشته باشند. حتی در برخی از موارد، دریافت جایزه نوبل ادبی نیز به شهرت نویسندگان مذکور نیفزوده است. به عنوان نمونه، نام الفریده یلینیک، برنده نوبل ادبی سال ۲۰۰۴ چند ماه بعد از دریافت جایزه توسط این نویسنده اتریشی به فراموشی سپرده شد. نوشته‌های او نه تنها توسط مترجمان ایرانی به فارسی ترجمه نشده بلکه در سراسر جهان با بی‌مهری مواجه شده‌اند و این نکته را نمی‌توان به عدم فراگیری زبان آلمانی مرتبط دانست بلکه باید آن را در ساختار ضعیف نوشته‌های یلینیک جست‌وجو کرد. داوران نوبل سال ۲۰۰۴ در بیانیه خود علت موفقیت این نویسنده اتریشی را فعالیت او در عرصه زنان و آزادی بیان عنوان کردند. حال آن که به هیچ وجه نمی‌توان این دو عامل را سبب برتری ادبی یک نویسنده دانست و اگر کسی این شاخصه‌ها را به عنوان عاملی برای موفقیت نویسنده‌ای در جایزه نوبل ادبیات مطرح کند، برخی فعالان عرصه رسانه به طور حتم شایستگی بیشتری برای دریافت آن خواهند داشت.

جایزه نوبل ادبی ۲۰۰۶ هم به یک نویسنده ترکیه‌ای اهدا شد و این در حالی بود که نویسندگانی به سرشناسی و اهمیت کارلوس فونتنس و ماریو بارگاس یوسا از چشم داوران دورمانده بودند. جالب آن که هر دوی این نویسندگان در انتقاد به آمریکا و سیاست‌های جنگ طلبانه آن شهره‌اند. در این موارد معمولاً کسی عامل آزادی بیان و صلح‌طلبی را در نظر نمی‌گیرد. حتی آدوئیس شاعر مطرح لبنانی نیز در عین حال که نامزد چندین ارگان فرهنگی بود اما مورد بی‌مهری داوران نوبل ادبیات قرار گرفت چرا که نقش صهیونیست‌ها را هیچ‌کس نمی‌تواند در نوبل انکار کند. آنها به هیچ وجه موافق مطرح شدن یک شاعر مسلمان لبنانی نبوده‌اند. کسانی که نمی‌توانستند آدوئیس را ببینند به طور حتم باید چشم بر شاعری به قدرت محمود درویش هم ببندند چرا که او در مبارزه مستقیم با اشغالگران اسرائیلی بود.

جدای از همه این مسائل حتی برگزیده شدن دوریس لسینگ نیز با معیارهای جوایز نوبل همخوان نیست. این جایزه به منظور تشویق پژوهشگران و نویسندگان جهت ایجاد فضایی بهتر به آنها اهدا می‌شود، حال آن که دوریس لسینگ ۸۸ ساله دیگر توانی برای ادامه راه ندارد و مبلغ ۱۰ میلیون کرون نوبل گویی فقط برای مراسم کفن و دفن مناسب است. او حتی در گفت‌وگویی از داوران نوبل گلایه کرد که جایزه او را با تاخیر داده‌اند و این جایزه دیگر به دردش نمی‌خورد.

آیا به دلایل یاد شده، نباید دست کم نوبل ادبی را جایزه‌ای کم‌اعتبار و البته با ارزش مادی بالا تعریف کرد؟



رابطه سینما و روانپزشکی

دکتر فرید فدایی؛ روان شناس

این روزها کتابی را در دست دارم که تالیف آن تا چند ماه آینده به پایان می رسد و نشر دانه در تدارک عرضه آن به بازار خواهد بود. این کتاب که عنوان "سینما و روان پزشکی" را روی جلد دارد حجمی حدود ۴۰۰ صفحه را دربر خواهد گرفت و به نمایش بیش از ۴۰۰ بیماری روانی بر مبنای طبقه بندی اختلالاتی چون روان پریشی، اعتیاد، افسردگی و... می پردازد که برای تمام بیماری های ذکر شده، فیلم های متناسب با نوع بیماری شرح داده شده است. در واقع معرفی فیلم ها باعث می شود تا خواننده به درک و شناخت بهتری از بیماری برسد.

در عین حال، به تازگی تالیف کتاب دیگری را با همکاری دو تن از همکاران به نام های دکتر ربابه مزینانی و دکتر یدالله فرهادی آغاز کرده ام که عنوان "انگ زدایی از بیماری های روانی" را روی جلد دارد. در واقع از آنجا که مردم نگاه متفاوتی به بیماران روانی دارند، به همین دلیل معمولاً بسیاری از این بیماران از مراجعه به پزشک برای درمان امتناع می کنند و انگ زدن به گروه های مختلف بیماری های روانی از عوامل مهم در بروز چنین موضوعی است که من سعی کرده ام در این کتاب به چگونگی انگ زدن به بیماران روانی و راه های مقابله با آن بپردازم.

فلسفه ارتباطات

دکتر غلامرضا آذری؛ مدرس ارتباطات

"رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی" عنوان کتابی از من است که به تازگی از سوی نشر دانه روانه بازار شده است که به دلیل نیاز به این موضوع و همچنین سطحی بودن کتاب های تولید شده در این راستا به ترجمه و چاپ آن اقدام کردم.

کتابی که هم اکنون با همکاری یکی از استادان ارتباطات دانشگاه تهران در دست تالیف دارم آسیب شناسی رسانه ها از دیدگاه جامعه شناسی ارتباطات نام گرفته است. در این کتاب به میزان تاثیر پذیری اقشار مختلف مردم از رسانه و همچنین تاثیر پذیری رسانه ها از مخاطبان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و فکر می کنم مورد نیاز جامعه شناسان و روان شناسان حوزه رسانه باشد.

درواقع رسانه ها در جامعه ما از طرفی التیام گرا و از سوی دیگر خشونت گرا هستند که توازن از این دو مقوله را مورد توجه قرار داده ام. به احتمال قوی این کتاب در ماه های نه چندان دور توسط انتشارات دانشگاه تهران به بازار عرضه شود.

"فلسفه ارتباطات" عنوان کتاب دیگری است که ترجمه آن را آغاز کرده ام و قرار است از سوی نشر دانه روانه بازار شود. چندی پیش کتابی را در دو مجلد با موضوع تاریخ تحلیلی علم ارتباطات در حجمی حدود هزار صفحه به بازار عرضه کردم که ضرورت آن احساس می شد و بر همین اساس با توجه به کمبود منابع در حوزه فلسفه ارتباطات و راه اندازی رشته فلسفه رسانه و نیاز مبرم مخاطبان به منابع مورد نیاز در این حوزه درصدد نگارش کتاب "فلسفه ارتباطات" برآمدم. از آنجا که کتاب های علمی و دانشگاهی نگاه واقع گرایانه تری نسبت به دیگر کتاب ها دارند سعی کردم کتاب هایی را که در حوزه رسانه تالیف یا ترجمه می کنم کاربرد علمی و دانشگاهی داشته باشد.

کتاب دیگری ترجمه آن این روزها آغاز شده عنوان "نظریه های ارتباطات" را روی جلد خواهد داشت. این کتاب نوشته پروفیسور گریسین است و به عنوان دانشنامه ای از نظریه های ارتباطات از آغاز تا امروز محسوب می شود. در کتاب مذکور به معرفی و تحلیل

۳۵ نظریه در حوزه ارتباطات پرداخته ام که بر اساس آن یافته های موجود جهان رسانه و ارتباط انسانی را مورد کاوش قرار می دهد. این کتاب به احتمال قوی از سوی انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) به بازار عرضه خواهد شد.

قصه های مثنوی برای کودکان

جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ شاعر کودک و نوجوان

در حال حاضر تالیف کتابی را با عنوان "زندگینامه امام زمان (عج) برای کودکان" را به پایان برده ام و انتشارات رشد در تدارک عرضه این کتاب به بازار طی ماه های نه چندان دور است و با توجه به این که کتاب مذکور ویژه کودکان سال های آخر دبستان است، برای ترسیم زندگی کامل امام زمان (عج) از قالب داستان و زبانی ساده برای درک بهتر کودکان بهره برده ام.

چندی پیش مجموعه قصه های مثنوی را برای نوجوانان به چاپ رساندم که با استقبال خوبی مواجه شد. در عین حال تالیف مجموعه ای را برای کودکان با عنوان "قصه های شیرین مثنوی" آغاز کرده ام که

تاکنون سه جلد از این کتاب روانه بازار شده است و در تدارک عرضه جلد چهارم این مجموعه از سوی انتشارات مدرسه هستم. با توجه به این که بسیاری از قصه های مثنوی به دلیل دربرداشتن افکار فلسفی، به راحتی برای کودکان قابل درک نیست به همین دلیل از گنجاندن چنین قصه هایی در این مجموعه صرف نظر کردم.

درواقع در انتخاب قصه ها یک سیر طبیعی را مد نظر داشتم به نحوی که قصه ها در جلد اول از آسان ترین و ساده ترین آغاز شده و هر چه به جلدهای بعدی می رسیم برای فهم آنها به درک دشوارتری نیاز داریم. در جلد چهارم این مجموعه از ۱۷ قصه مثنوی بهره بردم و قرار است آن را در چهارده مجلد به چاپ برسانم.

"قصه های شیرین هفت اورنگ جامی" هم عنوان کتاب دیگری است که در ماه های آینده از سوی نشر حوزه اندیشه و هنر اسلامی به بازار عرضه خواهد شد.

با توجه به این که مخاطبان این کتاب را کودکان تشکیل می دهند و از طرفی هفت اورنگ حاوی قصه های کوتاه در قالب شعر بوده و درک آن برای کودک دشوار است، از این رو سعی کردم از شعرها و قصه ها الهام بگیرم و با زبان امروزی آنها را برای کودکان بازنویسی کنم که هدفم بیشتر آشنایی کودکان با چنین شاهکاری در ادبیات کشور است.

دو روز مانده به پایان جهان

عرفان نظراذری؛ شاعر

کتابی که این روزها نگارشش را به پایان رسانده ام و نشر نورونار در تدارک است تا آن را روانه بازار کند، عنوان "دو روز مانده به پایان جهان" را بر روی جلد دارد. این کتاب مجموعه روایت هایی است درباره یک انسان که در سیر و سلوک زمینی خود در هر مرحله چیزی را از دست می دهد و سبکباری توشه اوست.

او فرصتی برای زیستن ندارد جز دو روز، که یک روز را از دست می دهد و یک روز را زندگی می کند، اما همان یک روز زیستن او برابر با هزار روز زندگی می شود.

درواقع این کتاب روایتی شبیه کتاب های قبلی ام چون "لیلی نام تمام دختران زمین است" و "پیامبری از کنار خانه مارد شد" را دنبال می کند و از همان سبک و سیاق پیروی کرده است. اتفاق دیگر این است که همزمان با انتشار این کتاب، قرار است لوح فشرده صوتی آن نیز به همراه آهنگسازی روی متن و صدای نویسنده منتشر شود.

طی یک ماه گذشته نیز اغلب آثار قبلی ام که در حوزه ادبیات نوجوان است، تجدید چاپ شده است. اغلب این آثار با مزامین دینی به نگارش درآمده اند و مخاطب نوجوان به کمک آنها از منظر و با نگاهی نو با مفاهیم بنیادی دین آشنا می شود. اغلب این کتاب ها به لحاظ سبک و سیاق همگون و در فضایی معنوی نوشته شده اند که با استقبال مخاطب نوجوان همراه بوده است.

شاخص های مطلوب قرآن

سعید بهمنی؛ قرآن پژوه

تعیین شاخص های مطلوب قرآنی "عنوان کتابی است که این روزها در دست نگارش دارم که فکر می کنم تالیف آن تا چند ماه دیگر به پایان برسد و چند سالی است که وقت مرا به خود اختصاص داده است. با توجه به این که قرآن کریم نوع ارتباط و نگارش را برای انسان ها تعیین می کند، من در این کتاب پنج حیطه سطح



جعفر ابراهیمی (تاسلم)



فرید فدایی

باورها، عواطف، رفتار، آگاهی و پیامدهای مطلوب قرآنی را مورد بررسی قرار دادم در واقع فردی که از چهار حیطه اول برخوردار باشد، علائم و پیامدهای مطلوب قرآنی در او ظاهر خواهد شد.

این کتاب برای برنامه ریزی جامع قرآنی در سطح جامعه کاربرد زیادی خواهد داشت، بدین ترتیب که پس از تعیین شاخص های مطلوب قرآنی باید سطح جامعه را نیز نسبت به این شاخص ها سنجید تا بتوان بر اساس آن به مطالعات پیمایشی و شاخص های بومی شده فرهنگ قرآنی در کشور پرداخت.

اسناد و تحقیقاتی که برای نوشتن این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است، حجمی بیش از دو هزار صفحه را دربرمی گیرد. کتاب دیگری که تالیف آن تا مدتی دیگر به پایان می رسد، عنوان "روش پاسخ دهی به شبهات و تعامل با شبهه گرایان در قرآن" را بر روی جلد دارد. این کتاب نحوه برخورد قرآن با شبهه گران و چگونگی تعامل با آنها را مورد بررسی قرار می دهد.

هر دو کتاب ذکر شده قرار است از سوی کمیسیون قرآن شورای عالی انقلاب فرهنگی روانه بازار شود.

فرهنگ طراحی ایرانی

دکتر محمد خزائی؛ پژوهشگر هنر

در حال حاضر تالیف سه کتاب را به پایان رسانده ام و موسسه مطالعات هنر اسلامی در تدارک است تا این کتاب ها را طی ماه های نه چندان دور روانه بازار کند.

کتاب اول که بیش از ۲۰ سال از وقت مرا به خود اختصاص داده است و در امتداد کتاب "کیمیای هنر" که حدود بیست سال پیش توسط حوزه هنری به چاپ رسید، نوشته شده است، عنوان "هنر طراحی ایرانی" را بر روی جلد دارد که حجمی حدود هزار صفحه را دربر گرفته است.

این کتاب در واقع به عنوان فرهنگ هنر در طراحی ایرانی تلقی می شود و به معرفی ۹۶۰ طراح ایرانی از دوره ساسانیان تا پایان دوره قاجاریه می پردازد. علاوه بر این کتاب حاوی ۱۵۰ صفحه متن است که در فصول مختلف آن شاخص ها و نگاه نمادشناسی و موضوعی به طراحی ایرانی، نگاه مستشرقان به آثار طراحی ایرانی در صد سال اخیر و برداشت آنها از این آثار، تاریخ طراحی ایرانی و معرفی آثار هنرمندان طراحی ایران در طول تاریخ، منابع مستند تاریخ طراحی ایران و مقایسه شاخص های طراحی ایرانی با طراحی کشورهای اروپایی مورد بررسی قرار گرفته است.

درواقع تالیف کتاب مذکور به دنبال دغدغه ضرورت پرداختن به طراحی ایرانی از سال ها پیش بوده و فکر می کنم مورد استفاده تمام هنرمندانی که در این عرصه فعالیت دارند، قرار گیرد.

کتاب دیگر که "فرهنگ نقوش ایرانی" نام گرفته است به دنبال تکمیل پژوهش دکترای من در دانشگاه بیرمنگام انگلیس صورت گرفته و قرار است در چندین مجلد به بررسی بیش از پنج هزار نقش ایرانی بپردازد. در حال حاضر بازسازی حدود دو هزار نقش را به پایان رسانده ام و قرار است آنها در جلد اول این کتاب معرفی کنم. کتاب مذکور به عنوان اطلس نقوش ایرانی محسوب می شود که آنها را در پنج دسته شامل نقوش کتیبه ای، نقوش منحنی، نقوش هندسی، نقوش حیرانی و نقوش انسانی در هنر ایرانی مورد بررسی قرار داده است.

کتاب سوم هم که عنوان "نمادپردازی در هنر اسلامی" را روی جلد دارد به شناسایی تمامی نمادهای موجود در هنر اسلامی خواهد پرداخت.